



اسلام از منظر الله

[www.EslamAzManzareALLAH.org](http://www.EslamAzManzareALLAH.org)

مجموعه کتابهای الکترونیکی

# سخن خدا

|                     |      |
|---------------------|------|
| ویرایش              | ۱    |
| تاریخ آخرین تغییرات | ۱۳۹۱ |

## فهرست مندرجات

|    |                               |
|----|-------------------------------|
| 3  | اصول عقاید                    |
| 20 | معارف دینی                    |
| 28 | آفریده ها - سیاسیات           |
| 30 | مسائل اجتماعی                 |
| 34 | اخلاقیات                      |
| 38 | عبادات                        |
| 43 | مواعظ و پندهای گوناگون        |
| 53 | برگزیده ای از کتب پیامبران(ص) |

## اصول عقاید

### ۱- منم خدای هستی (کافی- امام صادق(ع))

خدای متعال میفرماید: براستی منم خدا و پروردگار جهانیان. منم خداوند والا و بزرگ. منم خدای نیرومند و فرزانه. منم خدای آمرزنده و مهربان. منم خدای بخشاینده مهربان. منم خداوندی که مالک روز جزاست. منم خداوندی که بوده و خواهد بود. منم خداوند خالق خیر و شر. منم خداوندی که آفریننده بهشت و دوزخ است. منم خدایی که آغاز و انجام هر چیزی از او و به سوی اوست. منم خداوند یگانه و بی نیاز. منم خدایی که دانای غیب و آشکار است. منم آن خدایی که پادشاه، پاك بی خلل، ایمنی بخش، مراقب، نیرومند مقتدر عظیم الشان است. منم خداوندی که خالق و نگارنده صورت است، نامهای نیکو از آن من است. منم خداوند بزرگ متعال.

### ۲- قلعه خداوند (عیون اخبار الرضا - پیامبر(ص))

خداوند با عزت و جلال میفرماید: منم خدایی که معبودی بجز من نیست و کسی که به یکتایی من اقرار کند در قلعه و حصار من داخل شده است و هرکس در قلعه و حصار من داخل شود از عذاب من در امان است.

### ۳- قلعه خداوند (عیون اخبار الرضا - پیامبر(ص))

خدای تعالی میفرماید: منم خدایی که بجز من معبودی نیست پس مرا پرستش کنید، هر که از شما از روی اخلاص به یکتایی من گواهی دهد در قلعه و حصار من خواهد بود و هرکس در قلعه و حصار من داخل شود از عذاب من در امان است.

### ۴- پاداش یکتایی (مجالس، توحید، امالی)

خدای باعزت و جلال میفرماید: پاداش کسی که به او نعمت توحید بخشیده ام چیزی جز بهشت نیست.

### ۵- شرط بهشت رفتن (توحید - امام صادق(ع))

خدای تعالی میفرماید: من سزاوار آنم که بندگان از من بترسند و سزاوار است که بنده من چیزی را با من شریک نکند و سزاوار است که من بنده ای را که برایم شریک قرار ندهد داخل بهشت کنم.

### ۶- گوینده لا اله الا الله (توحید - علی(ع))

هرگاه بنده ای بگوید لا اله الا الله خدای متعال میفرماید: ای ساکنان آسمانها، گواه باشید که من گوینده این جمله را بخشیدم.

### ۷- خوش به حال یکتاپرستان (توحید - امام باقر(ع))

جبرئیل نزد پیامبر اسلام آمد و گفت: ای محمد خوشا به حال کسی از امت تو که از روی اخلاص بگوید لا اله الا الله وحده وحده وحده.

### ۸- بهشت جای یکتاپرستان است (توحید - امام صادق(ع))

چون روز قیامت شود خداوند امر فرماید گروهی را که در دنیا اعمال ایشان زشت بوده به سوی آتش دوزخ ببرند، پس آنان گویند: پروردگارا چگونه ما را داخل آتش میکنی در حالیکه در دنیا ما تورا یگانه شناختیم و به یگانگی تو اقرار کردیم تا آنکه... خداوند میفرماید: ای ملانکه من، به عزت و جلال سوگند که هیچ موجودی را نیافریدم که در نزد من بهتر از کسانی باشد که اقرار به یکتایی من دارند زیرا که جز من خدایی نیست و بر من حق است که یکتا پرستان را به آتش نسوزانم، بندگانم را به بهشت داخل کنید.

### ۹- کلمه لا اله الا الله (توحید، ثواب الاعمال - امام صادق(ع))

خداوند تعالی میفرماید: ای موسی، اگر هفت طبقه آسمانها را با تمام ساکنین آنها و هفت طبقه زمین را در نزد من در کفه ای بگذارند و کلمه لا اله الا الله را در کفه دیگر، کلمه لا اله الا الله بر کفه دیگری برتری خواهد داشت.

### ۱۰- توحید یا ندای فطرت (محاسن - امام صادق(ع))

موسی در مناجات خود عرض کرد پروردگارا کدام عمل نزد تو افضل است؟ خداوند فرمود: دوست داشتن اطفال زیرا که من آنها را بر فطرت توحیدی خود آفریدم و اگر آنها را بمیرانم به لطف و رحمت خود آنها را داخل بهشت میکنم.

### ۱۱- توحید و رسالت (ثواب الاعمال - پیامبر(ص))

سهل بن سعد انصاری میگوید از پیامبر اسلام(ص) راجع به قول خداوند متعال "ما کنت بجانب الغریبی اذ نادینا" سؤال نمودم حضرت در جواب فرمود خداوند عالم دو هزار سال قبل از خلقت بنی آدم بر روی برگ درخت "اس" که نهالی خوشبو است نوشته ای نوشت و آنرا روی عرش گذاشت آنگاه ندا داد ای محمد، بدرستی که رحمت من بر غضبم پیشی گرفته است، قبل از آنکه سؤال کنید به شما عطا خواهم کرد و پیش از آنکه طلب آموزش نمایید شما را می آموزم، پس هرکدام از شما مرا ملاقات کند و شهادت دهد که معبودی جز من نیست و گواهی دهد که محمد(ص) بنده و فرستاده من است او را به رحمت خود داخل بهشت خواهم کرد.

### ۱۲- شرک کار شیطان است (تفسیر صغیر - پیامبر(ص))

در حدیث قدسی آمده است: بندگانم را با اعتقادات درست و استوار آفریدم ولی شیطان با رفاقت خود آنها را گمراه و از این عقیده منحرف کرده است و گفته که برای من شریک قرار دهند.

### ۱۳- خدا بی نیاز از شریک است (تفسیر صغیر و عده الداعی - پیامبر(ص))

خدای تعالی میفرماید: من از شریک بی نیازم و از این جهت توانگرترین توانگرانم و کسیکه عملی را انجام دهد و غیر از من دیگری را نیز شریک من قرار دهد بهره من برای اوست زیرا من نمیپذیرم مگر آنچه را که خالص برای من باشد.

### ۱۴- من بهترین شریکم (عده الداعی)

خداوند سبحان میفرماید: من بهترین شریکم، هرکس در هر عملی که انجام میدهد دیگری را شریک من سازد عمل او برای کسی است که شریک من قرار داده و از او نپذیرم جز عملی که خالص برای من باشد.

### ۱۵- ریاکاران (عده الداعی)

خداوند در روز قیامت هنگامی که پاداش عمل بندگان را میدهد به ریاکاران می فرماید: بروید نزد آنها که در دنیا برای آنها ریاکاری میکردید، آیا نزد آنها پاداش اعمال خود را می یابید؟

### ۱۶- مشیت خدا (قرب الاسناد، توحید، عیون اخبار الرضا، کافی - امام سجاد(ع) - امام رضا(ع))

خدای تعالی میفرماید: ای فرزند آدم تو با مشیت و اراده من دارای اراده و مشیت هستی، تو با نیرویی که از من داری واجبات را بجا می آوری و تو با نعمت من قوت و توان معصیت مرا پیدا کرده ای. من تو را شنوا، بینا و توانا ساختم، هر نیکی که به تو رسد از جانب خداست و هر بدی که به تو رسد از خود تو است و این برای آن است که من به کارهای نیک تو از خودت سزاوارترم و تو به کارهای زشت خودت از من سزاوارتری و این از آن جهت است که من از آنچه میکنم بازخواست نمیشوم ولی شما مردم بازخواست میشوید. هرچه میخواستی برای تو تنظیم کردم.

### ۱۷- تو را به غفلت نگرتم (توحید - پیامبر(ص))

خدای با عزت و جلال میفرماید: ای فرزند آدم... و به دلیل بدگمانی تو نسبت به من، از رحمت من نا امید شدی پس حمد و حجت بر تو است به بیان آن، و مرا بواسطه نافرمانی بر تو راه و تسلط است و تو را در نزد من بواسطه نیکی کردن پاداشی نیکوتر است. من همواره دست از ترسانیدن تو برنداشته و تو را در فریفتگی و غفلت نگرتم و تو را تکلیف نکردم به چیزی که بالاتر از طاقت و توانایی تو باشد و بر تو باز نکردم از امانت مگر آنچه را که بر آن قدرت داشته باشی و از تو راضی شدم برای خود آنچه را که تو به آن از برای من راضی شدی و هرگز تو را عذاب نکنم مگر به آنچه که عمل کرده ای.

### ۱۸- فرزند صالح (کافی - کلینی - امالی - امام صادق(ع) از پیامبر(ص))

روزی حضرت عیسی(ع) گذرش به گوری افتاد که صاحبش را عذاب میکردند، يك سال گذشت دوباره بر آن قبر عبور کرد عذاب برایشان شد بود. عرض کرد پروردگارا پارسال از این گور گذشتم صاحبش در عذاب بود و امسال عذابی ندارد؟ خداوند به او وحی فرستاد ای روح الله، این مرد فرزند صالحی داشت که بالغ شده، مسیری را برای عبور اصلاح کرد و یتیمی را پناه داد، او را بخاطر کار پسرش آمرزیدم.

### ۱۹- منم بخشنده مهربان (کافی- پیامبر(ص))

خدای تبارک و تعالی میفرماید: کسانی که برای ثواب و پاداش من اعمالی انجام میدهند نباید به اعمال خود متکی باشند زیرا اگر آنان در تمام عمرشان کوشش کنند و در راه عبادت من خود را به زحمت و رنج افکنند باز قصور و کوتاهی کرده اند و در عبادتشان به کنه و حقیقت بندگی من چنانچه سزاوار مقام خداوندی من باشد نرسند، نسبت به آنچه از من طلب میکنند که کرامت و نعمت در بهشت و رفعت به درجات عالی در جوار رحمت باشد ولی تنها به رحمت باید اعتماد کنند و به فضل من امیدوار باشند و بوسیله خوش گمانی به من اطمینان کنند که در اینصورت رحمت من ایشان را دریابد و بهشتم به آنها برسد و آمرزشم بر آنها لباس گذشت بپوشاند زیرا منم خدای رحمان و رحیم و به این نام نامیده شده ام.

### ۲۰- باید بیمارزم (تفسیر صغیر - پیامبر(ص))

خدای سبحان میفرماید: من سزاوار آنم که از من پرهیزشود و خدای دیگری با من قرار داده نشود و کسی که از قرار دادن خدای دیگر با من به عنوان شریک پروا کند سزاوار است که من او را بیمارزم.

### ۲۱- دریای رحمت خداوند (مجالس - علی(ع) از پیامبر(ص))

خداوند متعال میفرماید ای بندگانم، همه گمراه هستید جز آنکه من راهنمایش باشم، پس از من راهنمایی بخواهید تا شما را هدایت کنم و همه فقیر هستید جز آنکه من توانگرش سازم، پس روزی را از من بخواهید تا شما را روزی دهم و همه گناهکار هستید جز آنکه من حفظش کنم پس از من آمرزش بجوید تا شما را بیمارزم و کسیکه معتقد باشد منم که قدرت بر آمرزش دارم و از من آمرزش بخواهد بدون اینکه باکی داشته باشم او را می آمرزم و هرگاه اولین و آخرین شما همگی پرهیزکار شوند به اندازه بال پشه ای به ملك من زیاد نگردد و اگر اولین و آخرین شما همگی شقی شوند باز به اندازه بال پشه ای از ملك و سلطنت من کم نگردد و هرگاه اولین و آخرین شما همگی اجتماع کنند و هر يك تا قدرت دارند آرزو کنند آرزویشان را برآورم و این به قدری در سلطنت و ملك من بی اثر است که همانند آن است که یکی از شما کنار دریا رفته و سوزنی را در آن فرو برده و سپس بیرون کشد و این بدلیل آن است که من یگانه بخشنده بزرگوام.

## ۲۲- خزاین خداوند (توحید و امالی - امام صادق(ع))

هنگامی که موسی(ع) برای مناجات به کوه طور رفت عرض کرد پروردگارا خزاین خود را به من نشان بده خداوند فرمود: ای موسی، خزاین من همین است که هر چه بخواهم میگویم باش میشود.

## ۲۳- صدای تو بر من مخفی نیست (کافی - امام صادق(ع))

آنگاه که حضرت داوود (ع) به حج آمد چون به عرفات حاضر شد و کثرت مردم را در عرفات دید بالای کوه رفت و تنها مشغول دعا و راز و نیاز شد. چون از مناجات حج فارغ شد جبرئیل به نزد او آمد و گفت: ای داوود پروردگارت میفرماید چرا بالای کوه رفتی؟ آیا گمان کردی که صدایی به سبب صدای دیگر بر من مخفی میماند؟ سپس جبرئیل داوود (ع) را به سوی جده برد و از آنجا او را به دریا فرو برد تا رسید به سنگی و آنرا شکافت ناگاه در آن سنگ کرمی ظاهر شد سپس جبرئیل گفت ای داوود پروردگارت میفرماید من صدای این کرم را در میان این سنگ در قعر این دریا میشنوم و از آن غافل نیستم و گمان کردی که اختلاف آواها مانع شنیدن آواز تو میشود؟

## ۲۴- عمر دنیا (بحار الانوار - پیامبر(ص))

حضرت موسی(ع) در پیشگاه الهی از آغاز دنیا سؤال کرد و گفت چه مدت است که آن را آفریده ای؟ خداوند فرمود: از موارد پیچیده علم من میبرسی؟ گفت پروردگارا دوست دارم این حقیقت را بدانم فرمود: ای موسی، از آفرینش دنیا صد هزار هزار سال که ده بار تکرار شود (یک میلیارد سال) گذشته است.

## ۲۵- منم حاکم دادگستر (امالی - علی(ع))

آنگاه که قیامت شود خدای جبار میفرماید: منم خدایی که شایسته پرستشی جز من نیست حاکم دادگستری هستم که میان شما خلاف نگوید، به عدالت خود قضاوت کنم، امروز در پیشگاه من بر کسی ستم نرود امروز از نیرومند حق ناتوان را بستانم و از بدهکار حق بستانکار را بگیرم و با حسنات و سنیات قصاص بدهکارها را بنمایم و ثواب بخششها را بپردازم و هیچ ستمکاری از این گردنه در برابرم نگذرد و مظلومه ای از کسی به گردن او نباشد جز آنکه صاحب حق، آن را به او ببخشد و من پاداش او را بدهم و در هنگام حساب، حق او را بستانم.

ای خلاق، هر حقی که به گردن کسی دارید که در دنیا به ستم از شما بازگرفته از او بخواهید و من خود گواه شما هستم بر علیه او و گواهی چون من بس است. منم آن کسی که بدون چشم داشت بمقدار بسیار میبخشد، اگر دوست دارید که به همدیگر بخشش کنید یکدیگر را ببخشید و اگر یکدیگر را نبخشید من حق شما را میگیرم.

همه حق داران بگذرند جز اندکی از آنان، آنگاه خدای تعالی میفرماید: امروز هیچ ستمکاری به سوی بهشتم در نگذرد و هیچ ستمکاری هم که از یک مسلمان حقی به گردن دارد به دوزخم راه ندارد تا هنگام حساب حق را از او بستانم، ای خلاق آماده حساب باشید همانا خداوند به ذات خود سوگند یاد کرده که به عزت و جلال سوگند گذشت از ستم ستمگر جایز نیست اگر چه زدن دستی به دستی باشد و یا دست کشیدن بر سر کسی باشد و یا دست زدن بر سر حیوان باشد.

## ۲۶- قضای خداوند خیر است (توحید و عیون اخبار الرضا - پیامبر(ص))

خداوند متعال میفرماید: در هر قضای پروردگار برای مؤمن خیری قرار دارد. منم خدایی که غیر از من خدایی نیست و هر که به قضای من راضی نشود و به قدر من ایمان نداشته باشد باید خدایی غیر از من بجوید.

## ۲۷- به قضای من راضی باشید (کافی - امام صادق(ع))

خدای عزوجل میفرماید: بنده مؤمن را به هر سو بگردانم برایش خیر است پس باید به قضای من راضی باشد و بر بالای من صبر کند و نعمتهایم را سپاس گذارد تا او را - ای محمد - در شمار صدیقین نزد خود ثبت کنم.

## ۲۸- صلاح بنده ام را بهتر میدانم (توحید، مجالس، کافی، عده الداعی - امام صادق(ع))

در ضمن آنچه خدای عزوجل به موسی(ع) وحی کرد این بود: ای موسی، مخلوقی که نزد من دوست داشتنی تر از مؤمن باشد نیافریدم. من او را مبتلا کنم به آنچه برای او خیر است و عافیت دهم به آنچه برایش خیر است و من به آنچه بنده ام را اصلاح کند دانانترم. پس باید بر بالای صبر کند و نعمتهایم را شکر کند و به قضایم راضی باشد تا او را در شمار صدیقین نزد خود ثبت کنم زمانیکه به رضای من عمل کند و امرم را اطاعت نماید.

## ۲۹- خوشنودی خداوند (مسکن الفؤاد)

در اخبار موسی (ع) آمده است که بنی اسرائیل به او گفتند از خدایت امری را درخواست کن که ما آن را انجام دهیم و به آن وسیله خداوند از ما خوشنود شود خطاب رسید به ایشان بگو شرط خوشنودی من از شما این است که از من خوشنود باشید تا من از شما خوشنود باشم.

## ۳۰- از خدا راضی باش (مسکن الفؤاد)

موسی (ع) در مناجات عرضه داشت خداوند مرا راهنما باش در آنچه رضایت تو در آن است، فرمود رضایت من در ناخوشنودی تو است و تو هم بر آنچه ناخوش میداری صبر نمیکنی. عرض کرد پروردگارا مرا به آن راهنمایی کن، فرمود رضایت و خوشنود بودن تو به قضای من موجب رضایت و خوشنودی من است.

### ۳۱- خدا را متهم نکنید (امالی - ابن عباس)

ابن عباس گوید پیامبر اکرم(ص) سخت گرسنه شد و آمد به پرده کعبه درآویخت و عرض کرد پروردگارا محمد را بیش از این گرسنه مدار، جبرئیل فرود آمد و بادامی برایش آورد و گفت: ای محمد خدای جل جلاله سلام میرساند و میفرماید این بادام را باز کن و آن را باز کرد بنگاه در آن برگ سبز و خرمی بود بر آن نوشته بود با انصاف درباره خداوند قضاوت نکرده است کسی که خدا را در سرنوشت خود متهم کند و در روزی دادن او را کاهل به شمار آورد.

### ۳۲- روزی دهنده خداست (عیون اخبار الرضا - امام حسن عسکری(ع))

حضرت رسول اکرم(ص) فرمود در شب معراج چون به سدره المنتهی رسیدم بعضی از شاخه های آن را دیدم که از پستانها آویخته بود و از بعضی از آنها شیر میریخت و از بعضی عسل و از بعضی روغن و از بعضی شیبیه به آرد گندم سفید و از بعضی جامه ها و از بعضی مانند میوه سدر، پس در خاطر خود گفتم اینها در کجا قرار میگیرند؟ و در آن وقت جبرئیل با من نبود که از او سوال کنم زیرا که او در مرتبه خود ماند و من از درجه او بالاتر رفتم، آنگاه حق تعالی مرا ندا کرد ای محمد اینها را در این مکان بلند رویانیدم که غذای دختران و پسران مؤمن از امت تو باشد بگو به پدر دختران که دلنتگ نباشید برای پریشانی احوال دختران خود زیرا همانطور که ایشان را آفریدم روزی ایشان را میدهم.

### ۳۳- روزی تو میرسد (کنز الفوائد - کراچی)

خدای تعالی میفرماید: ای فرزند آدم هر روزی که بر تو میگذرد روزی تو میرسد و تو محزون و غمگینی ولی از اینکه يك روز از عمرت کم میشود باک نداری، مقداری که هر روز خدا میرساند برای تو کافی است ولی بیشتر از آن را میخواهی که موجب طغیان و سرکشی تو میشود.

### ۳۴- درمانده نخواهم شد (عده الداعی - کعب الاحبار)

در وحی قدیم آمده است که ای پسر آدم تو را از خاک آفریدم و بعد از آن از نطفه و از آفریدن تو درمانده نشدم، آیا رساندن نانی که به تو باید در وقت خود برسانم مرا درمانده خواهد کرد؟

### ۳۵- بهترین کفیل (امالی، توحید - امام باقر(ع))

موسی (ع) در ضمن مناجات با پروردگار عرض کرد: خداوند من راضی و خوشنود هستم به آنچه قضا و حکم کرده ای ولی حکم فرموده، بزرگ را میمیرانی و خردسالان را باقی میگذاری، خدای جل جلاله فرمود: ای موسی آیا به من راضی نیستی که ایشان را روزی دهنده و کفیل و پاینده باشم؟ موسی (ع) عرض کرد: چرا پروردگارا من راضی هستم و تو وکیل خوب و کفیل نیکویی هستی.

### ۳۶- به کمی آن نگاه نکن (دعوات راوندی)

خداوند تعالی به حضرت عزیر وحی فرستاد: هرگاه در معصیت افتادی نگاه به کوچکی آن گناه نکن بلکه نگاه کن چه کسی را معصیت و نافرمانی کردی و هرگاه روزی از جانب من برایت آمد به کمی آن نگاه نکن بلکه ببین چه مقامی برایت فرستاده است و هرگاه گرفتاری برایت پیش آمد به بندگانه شکایت نکن همانطور که من شکایت تو را در وقت بالا آوردن بدیها و زشتیهای تو نزد فرشتگان نکردم.

### ۳۷- هرگاه توبه کند (ثواب الاعمال - امام صادق(ع))

خداوند به داوود (ع) وحی فرستاد که: ای داوود هرگاه از بنده مؤمن من گناهی سرزند و سپس از آن دست کشیده و توبه کند و چون به پادشاه آید از من شرمگین گردد من او را بیامرزم و آن را از خاطر فرشتگان محافظش پاک کنم و به نیکی و ثواب تبدیل کنم و پروا ندارم و من مهربانترین مهربانانم.

### ۳۸- شرط آمرزش (امالی، ثواب الاعمال، محاسن)

خداوی عزوجل میفرماید: هرکه گناه بزرگ و کوچکی کند و در نظر ندارد که من میتوانم او را عذاب کنم یا از او درگذرم هرگز از او نسبت به آن گناه درنگزرم و هرکه گناه بزرگ یا کوچکی کند و معتقد است که من میتوانم او را عذاب کنم یا از او گذشت کنم از او میگذرم.

### ۳۹- لغزشهایت را محو میکنم (ارشاد القلوب)

خدای تعالی میفرماید: بنده من، هرگاه از من شرم کنی عیب های تو را از مردم میپوشانم گناهان و لغزشهایت را از نامه عملت محو میکنم و در قیامت هنگام بازجویی بر تو سخت نمیگیرم.

### ۴۰- به آمرزش شتابنده ترم (عده الداعی)

خداوند سبحان وقتی که موسی (ع) را به سوی فرعون میفرستاد به او فرمود که: او رابترسان و خبردارکن که من به عفو و آمرزش شتابنده ترم تا به غضب و عقوبت کردن.

### ۴۱- حق خودم را بخشیدم (عده الداعی)

پیامبر (ص) میفرماید: روز قیامت منادی از جانب پروردگار ندا دهد: ای امت محمد آنچه از من نزد شما است آن را به شما بخشیدم و شما باقیمانده حقوقی که نزد یکدیگر دارید به یکدیگر بخشید و به رحمت من داخل بهشت شوید.

#### ۴۲- گناه مردم تو را فریب ندهد (عیون اخبار الرضا - پیامبر(ص))

خداوند تعالی میفرماید: ای پسر آدم گناه مردم تو را از گناه خودت فریب ندهد و همچنین نعمتی که در دست مردم است تو را از نعمت خداوند که به تو بخشیده است مغرور نسازد و مردم را از رحمت خدا نا امید نگردانی درحالیکه خود به آن امیدواری.

#### ۴۳- گناهت را بخشیدم (معانی الاخبار - امام صادق(ع))

زمانیکه حضرت آدم خواست توبه کند بر در خانه کعبه ایستاد و عرض کرد: بارخدا یا لغزشهایم را ببخش و گناهم را بیامرز و مرا به آن خانه ای که از آن خارج کردی برگردان، حقتعالی فرمود: لغزش تو را بخشیدم و گناه تو را آمرزیدم و بزودی تو را به آن خانه ای که از آن بیرون کردم برمیگردانم.

#### ۴۴- تو میخواهی و من هم میخواهم (بحار الانوار، توحید - علی(ع))

خداوند به حضرت داوود وحی فرستاد که: ای داوود تو میخواهی و من هم میخواهم و آنچه خواهش من است بوجد آید پس اگر سر تسلیم برای من گذاری آنچه بخواهی برایت کفایت میکنم و اگر خواهش مرا قبول نکردی تو را در رنج و سختی می اندازم در آنچه که میخواهی و در آخر هم نخواهد شد مگر آنچه من بخواهم.

#### ۴۵- تا اراده من تعلق بگیرد (عده الداعی)

موسی (ع) روزی عرض کرد: پروردگارا همانا من گرسنه ام: خداوند متعال فرمود ای موسی من به گرسنگی تو آگاهم موسی(ع) عرض کرد: پروردگارا مرا غذا بده، فرمود: تا زمانیکه اراده من تعلق بگیرد.

#### ۴۶- مردد نشدم مگر (محاسن، برقی، کافی - امام صادق(ع))

خدای تعالی میفرماید: در هر کاری که انجامش تنها به دست من است مردد نشدم مانند تردیدی که در مرگ بنده مؤمن دارم، من دیدار او را دوست دارم و او مرگ را نمیخواهد، پس مرگ را از او میگردانم، مؤمن به درگاه دعا میکند و من اجابتش میکنم در چیزی که خیر اوست و اگر در دنیا جز بگ بنده مؤمن نباشد به او از همه مخلوقات بی نیازی میجویم و از ایمانش برای او همنشین میسازم که به هیچکس محتاج نباشد که از ترس به او پناه ببرد.

#### ۴۷- من به بندگانم مهربانترم (جامع السادات)

رسول خدا(ص) از پروردگارش خواست تا اینکه روز قیامت امتش را در حضور جمع فرشتگان و پیامبران و امتهای دیگر بازجویی نکند تا نزد آنان عیبهایشان ظاهر نگردد و تقاضا کرد آنها را طوری بازجویی و محاسبه کن که فقط من و تو آگاه شویم، خداوند فرمود: ای حبیب من به بندگان خود از تو مهربانترم پس هرگاه تو نخواهی که عیوب آنها در نزد دیگران ظاهر شود من حتی دوست ندارم که پیش تو نیز عیبهای آنان فاش شود بلکه تنها خودم آنها را بازجویی میکنم بطوری که غیر از من کسی بر گناهان آنان آگاهی نیابد.

#### ۴۸- موجبات مهربانی خداوند (کافی- امام صادق(ع))

خدای عزوجل میفرماید: همانا بنده ای از بندگان مؤمن من گناهی بزرگ کند که مستوجب کفر و عقوبت در دنیا و یا در آخرت شود من آنچه صلاح آخرت او در آن است برایش منظور کنم پس در عقوبت دنیایش شتاب کنم تا او را به این گناه کفر دهم و با اینکه اندازه کفر او را معین کنم و به آن حکم کنم و آن را بدون اجرا موقوف سازم و اجرای آن را به مشیت خود واگذارم و بنده من آنرا نمیداند و بارها درباره اجرای آن مردد گردم سپس خودداری کنم و اجرا نکنم زیرا بد آمدن او را خوش ندارم و از بدحال کردن او کناره گیری کنم و به گذشت و ندیده گرفتن آن گناه بر او منت نهم و آنرا ببخشم زیرا دوست دارم نمازهای نافله بسیاری را که به سبب آنها در شب و روز بمن تقرب میجست پاداش دهم پس این بلا را از او بگردانم با اینکه آنرا مقدر کرده و به آن حکم کرده بودم و موقوف گذارده بودم و اجرای آن بستگی به مشیت من داشت. سپس اجر بزرگ نزول این بلائی که از آن معاف شده است را برایش بنویسم و ذخیره کنم و مزد او را زیاد کنم با اینکه خود او به آن آگاه نیست زیرا آزار آن بلا به او نرسیده است و منم خداوند کریم مهربان و رحیم.

#### ۴۹- هرکه دوستم بدارد دوستش دارم (الدرر و الغرر - پیامبر(ص))

خدای عزوجل میفرماید: هرگاه بنده ای ملاقات مرا دوست بدارد ملاقات او را دوست میدارم و هرگاه مرا در نفسش ذکر کند او را در نفسم ذکر میکنم و هرگاه مرا در میان گروهی ذکر کند او را در میان گروهی بهتر ذکر میکنم و هرگاه به اندازه یک وجب بمن نزدیک شود به اندازه زراعی به او نزدیک شوم و هرگاه بقدر زراعی بمن نزدیک شود به اندازه فاصله دو دست به او نزدیک شوم.

#### ۵۰- من مخصوص دوستانم هستم (عده الداعی، ارشاد القلوب - پیامبر(ص))

خداوند تعالی به داوود (ع) وحی فرستاد: ای داوود هرکس دوستی را دوست بدارد گفته اش را تصدیق میکند و هرکس از دوستی راضی باشد به کردارش خوشنود است و هرکس به دوستی اطمینان داشته باشد به او اعتماد پیدا میکند و به او اقرار مینماید و هرکس به دیدار دوستی اشتیاق دارد کوشش میکند تا خود را به او برساند. ای داوود ذکر من برای ذاکرین من است و بهشتم برای اطاعت کنندگانم میباشد و دیدار من برای دلباختگانم میباشد و من مخصوص دوستانم هستم.

#### ۵۱- نمیخواهم بندگانم را هلاک کنم (کمال الدین و تمام النعمه - امام صادق(ع))

چون حضرت نوح (ع) از خداوند برای قوم خود تقاضای نزول عذاب کرد خداوند روح الامین را با هفت دانه هسته خرما فرستاد و گفت: ای پیامبر خدا حقتعالی میفرماید: این جماعت آفریده های من و بندگان من هستند و ایشان را به صاعقه ای از صاعقه های خود هلاک نمیکنم مگر بعد از تاکید دعوت و لزوم حجت، پس برگرد بسوی سعی کردن و مشقت کشیدن در دعوت قوم خود که من تو را بر آن ثواب میدهم و این هسته های خرما را در زمین بکار که چون اینها برویند و کامل شود و ببار آید برای تو فرج و خلاصی خواهد بود پس به مؤمنانی که تابع تو هستند به این موضوع بشارت بده.

و چون درختان رویدند و به میوه رسیدند و میوه هایشان رنگین شد بعد از زمان بسیاری نوح از خداوند خواست که وعده را بعمل آورد خداوند به او امر فرمود که هسته های خرما را بار دیگر بکارد و صبر پیشه کند و در تبلیغ رسالت و اتمام حجت بر قوم خود سعی و کوشش کند. چون این خبر به پیروان نوح رسید سیصد نفر از ایشان مرتد شدند و گفتند اگر آنچه نوح دعوی میکرد حق بود در وعده پروردگارش تخلف نمیشد و پیوسته حقتعالی در هر مرتبه که میوه درختان میرسید امر میکرد دانه آنها را بکارد تا هفت مرتبه و در هر مرتبه گروهی از آنها که به نوح ایمان آورد بودند مرتد شدند تا آنکه هفتاد و چند نفر باقی ماندند و در این وقت به نوح وحی فرمود که: ای نوح، در این زمان صبح نورانی حق از شب ظلمانی باطل برای دیده تو آشکار شد و کدورتها از آن برداشته شد به مرتد شدن ظاهری آنکس که طینت او خبیث و بد بود و اگر من کافران را هلاک میگردم و آنها که مرتد شدند باقی میگذارم در حقیقت به آن وعده ای که سابق داده ام تصدیق و وفا نموده بودم نسبت به مؤمنانی از قوم تو که خالص گردانیده بودند توحید را و به ریسمان پیامبری تو چنگ زده بودند و آن وعده این بود که ایشان را در زمین خلیفه گردانم و ممکن گردانم برای ایشان دین ایشان را و بدل کنم ترس ایشان را به ایمنی تا خالص شود بندگی برای من به برطرف شدن شك از دلهای ایشان.

پس چگونه میشد خلیفه گردانیدن و متمکن ساختن و خوف را به امن بدل کردن با آنچه من میدانستم از ضعف بقین آن جماعتی که مرتد شدند، بدی طینت و زشتی پنهان ایشان نتیجه های نفاق و ریشه گمراهی بود زیرا این جماعت استشمام میکردند از من بوی آن پادشاهی را که به مؤمنان واقعی خواهم داد در وقتیکه ایشان را خلیفه گردانم در زمین و دشمنان ایشان را هلاک نمایم و اگر بوی این دولت به مشام ایشان میرسد هرآینه در آن خلافت طمع میکردند و نفاق پنهان ایشان مستحکم میشد و ضلالت و گمراهی در خاطره های ایشان متمکن میشد و اظهار عداوت با مؤمنان واقعی میکردند و با ایشان جنگ و جدال میکردند برای بدست آوردن ریاست و بیرون رفتن از زیر بار مسئولیت امر و نهي و با وجود این فتنه ها و جنگها، تمکین در دین و انتشار حق در مؤمنان بعمل نمی آمد و چنین نیست زیرا که وقت آن رسیده است، ای نوح به ساختن کشتی به واسطه چشم ما و وحی ما مشغول شو.

#### ۵۲- مرا با بندگانم بگذار (احتجاج - امام عسکری(ع))

از رسول خدا(ص) روایت شده که آن حضرت در طی مکالمه ای با ابوجهل فرمود: ای ابوجهل آیا قصه و داستان حضرت ابراهیم خلیل(ع) را نمیدانی؟ آنگاه که او را در ملکوت آسمان بالا بردند خداوند بینایی او را چنان قوی گردانید که زمین را و هرچه بر روی آن است از ظاهر و پنهان همه را دید و در ضمن مشاهده کرد مرد و زنی را که زنا میکردند و بر آنها نفرین کرد که ایشان هلاک شوند و هلاک شدند. بعد از آن دو نفر دیگر را بر این حال دید دعا کرد و هر دو هلاک شدند سپس دو نفر دیگر را بر این حال دید دعا کرد و هر دو مردند و هلاک گردیدند. چون خواست به دوکس دیگر هم نفرین کند حقتعالی وحی فرمود که: ای ابراهیم دعای خود را از بندگان و کنیزان من بازدار همانا منم آمرزنده مهربان، گناهان بندگان بمن ضرر نمیرساند همانطور که طاعت ایشان نفعی بمن نمیرساند و ایشان را ادب و تربیت نمیکنم به آنکه خشم خود را مانند تو شامل حال ایشان کنم پس دعای خود را از بندگان من بازدار زیرا توبنده ترساننده بندگان من از عذاب منی ولی در پادشاهی من شریک نیستی و حافظ و شاهد و نگهبان بر من و بندگان من نیستی و من با بندگان خود یکی از سه کار را میکنم، یا توبه میکنم و برمیگردم بسوی من که توبه ایشان را قبول میکنم و گناه ایشان را می آمرزم و عیبهای ایشان را میپوشانم و یا آنکه عذاب خود را از ایشان باز میدارم برای آنکه میدانم از پشتهای ایشان فرزندان مؤمن بیرون خواهد آمد پس رفق و مدارا میکنم با پدران کافر و صبر میکنم با مادران کافر و عذاب را از ایشان برمیدارم تا آن مؤمنان از پشتشان بیرون آیند و آنگاه که مؤمنان از صلبها و رحمهای ایشان بیرون آیند و جدا شوند واجب میشود بر ایشان عذاب من و نازل میشود بر ایشان بلای من و اگر نه این باشد و نه آن پس آنچه که من مهیا کرده ام برای ایشان از عذاب خود در آخرت عظیم تر است از آنچه برای ایشان در دنیا میخواهی زیرا که عذاب من برای بندگانم درخور جلال و بزرگواری من است.

ای ابراهیم پس مرا با بندگان خود بگذار که من از تو به ایشان مهربانترم و مرا با ایشان بگذار که منم جبار بردبار دانای حکیم، تدبیر میکنم ایشان را به علم خود و جاری میکنم در ایشان قضا و قدر خود را.

#### ۵۳- مرا با بندگانم بگذار (علل الشرایع، کافی - امام صادق(ع))

چون حضرت ابراهیم (ع) ملکوت آسمانها و زمین را به چشم خود دید توجهی نمود و مشاهده کرد که مردی زنا میکند بر او نفرین کرد و مرد سپس دیگری را دید و به او هم نفرین کرد و او هم مرد تا سه تا که دید و به آنها نفرین کرد و مردند، خداوند متعال به او وحی کرد که: ای ابراهیم دعای تو مستجاب است بر بنده های من نفرین نکن زیرا اگر میخواستم آنها را نمی آفریدم، همانا من بنده هایم را سه دسته آفریدم: بنده ای که مرا میپرستد و بمن هیچ شرکی نمی آورد من به او ثواب میدهم و بنده ای که دیگری را میپرستد از دست من بدر نرود و بنده ای که دیگری را میپرستد از پشت او بنده ای برآورم که مرا بپرستد.



#### ۵۴- اگر مرا صدا میزد به فریادش میرسیم (عیون اخبار اللرضاء، علل الشرايع)

ابراهيم ابن محمد همدانی میگوید: از حضرت رضا (ع) پرسیدم که به چه علت خداوند فرعون را غرق کرد و او را هلاک نمود با اینکه فرعون به خداوند ایمان آورد؟ حضرت فرمود: فرعون وقتی ایمان آورد که دیگر فایده ای نداشت و کار از کار گذشته بود بعلاوه فرعون بعد از آنکه دید غرق میشود متوسل به حضرت موسی شد و آنجناب به فریاد او نرسید و بعد که رفت به مقام مناجات به او خطاب شد: ای موسی به فریاد فرعون نرسیدی به جهت آنکه تو او را نیافریده بودی و به عزت خودم سوگند اگر ملتجی بمن شده بود به فریاد او میرسیم.

#### ۵۵- هر دوستی خواهان ملاقات دوست است (امالی - علی(ع))

چون خداوند تبارک و تعالی خواست روح ابراهیم را بگیرد ملك الموت را فرو فرستاد و گفت: ای ابراهیم درود بر تو ابراهیم جواب داد و فرمود: ای عزرائیل برای دیدار آمدی یا برای مرگ؟ گفت: برای مرگ و باید اجابت کنی. ابراهیم گفت: آیا دوستی را دیده ای که دوست خود را بمیراند؟ ملك الموت برگشت و برابر خدای تعالی ایستاد و عرض کرد: معبودا شنیدی خلیل تو ابراهیم چه گفت؟ خطاب رسید: ای عزرائیل برو و به او بگو: دوستی را دیده ای که ملاقات دوست را بد بدارد؟ برآستی هر دوستی خواهان ملاقات دوست است.

#### ۵۶- حب و بغض برای خدا (لئالی الاخبار و سایر کتب معتبر)

خداوند متعال به موسی(ع) وحی فرستاد که ای موسی آیا هرگز تا کنون عملی برای من بجا آورده ای؟ عرض کرد: پروردگارا نماز برای تو بجا آورده ام و روزه را برای تو گرفته ام و صدقه را برای تو داده ام و تو را ذکر نموده ام، به او خطاب شد: اما نمازت دلیل بر خداپرستی تو است و روزه سپر آتش است از برای تو و صدقه سایبان است از برای تو در قیامت و یاد من نور است از برای تو پس کدام عمل را برای من بجا آورده ای؟ موسی(ع) عرض کرد: پروردگارا مرا راهنمایی کن بر عملی که برای تو باشد به او خطاب شد: آیا هرگز با دوستان من دوستی و با دشمنان من دشمنی نموده ای؟ آنگاه حضرت موسی(ع) متوجه گردید که افضل اعمال نزد خداوند دوستی با دوستان حق و دشمنی با دشمنان او میباشد.

#### ۵۷- نام مؤمن (الغیبه - امام صادق(ع))

از پیامبر اکرم(ص) روایت شده که جبرئیل امین بر آن حضرت فرود آمد و گفت: ای محمد، خدایت سلام میرساند و میفرماید: برای مؤمن نامی از نامهای خود برگرفتم و او را مؤمن نام نهادم پس مؤمن از من است و من از مؤمنم. هرکس به مؤمنی اهانت نماید به تحقیق خود را برای جنگ با من داوطلب کرده است.

#### ۵۸- ارزش مؤمن (کافی - امام صادق(ع))

خدای تعالی میفرماید: آن کس که بنده مؤمن مرا خوار بشمارد باید بمن اعلان جنگ دهد و هرکس بنده مؤمن و درستکار مرا گرامی بدارد باید از خشم من در امان باشد اگر روی زمین بین مشرق و مغرب جز بنده مؤمن و پیشوای عادل نباشد هرآینه من به بندگی آن دو نفر از تمام آفریده روی زمین بی نیازم و ارزش آن دو در پیشگاه من آنچنان است که آسمانها و زمین به احترام آنان برپاست. آنچنان از ایمانشان برای آنان مؤمن قرار میدهم که محتاج به انس با دیگران نباشند.

#### ۵۹- همه چیز او میشوم (محاسن، کافی - امام باقر و امام صادق(ع))

چون پیامبر(ص) را به آسمان بردند عرض کرد: پروردگارا حال مؤمن نزد تو چگونه است؟ فرمود: ای محمد، هر که به دوستی از دوستان من اهانت کند آشکارا به جنگ من آمده و من به یاری دوستانم از هر چیز شتابانترم و همانا برخی از بندگان مؤمن من هستند که جز توانگری آنان را اصلاح نکند و اگر او را بحال دیگری درآورم نابود و هلاک گردد و برخی از بندگان مؤمن من هستند که جز فقر و نداری آنان را اصلاح نکند و اگر او را بحال دیگری بگردانم هرآینه هلاک گردد و هیچ بنده ای با هیچ چیز بمن نزدیک نشده است که از فرائض نزد من محبوبتر باشد. همانا بنده بوسيله نوافل و مستحبات بمن نزدیک میشود تا محبوب من میگردد و همینکه محبوب من گشت من گوش او میشوم که با آن میشنود و چشم او میشوم که با آن میبیند و زبان او میشوم که با آن سخن میگوید و دست او میشوم که با آن برگیرد و حمله کند، اگر مرا بخواند اجابت میکنم و اگر از من بخواهد میبخشم.

#### ۶۰- گرفتاری مؤمن (مجالس - امام صادق(ع))

خدای تعالی میفرماید: اگر از بنده مؤمنم شرم نمیکنم برای او حتی جامه کهنه ای هم نمیگذارم که خود را به آن بپوشاند و هرگاه من ایمان بنده مؤمن را کامل گردانم او را گرفتار فقر و تنگدستی از مال یا مرض در بدن خواهم کرد پس اگر او بی تابی کرد فقیری و بیماری او را زیادتیر کنم و اگر صبر و شکیبایی کند بواسطه او بر فرشتگانم افتخار میکنم.

#### ۶۱- کفار گناهان مؤمن (کافی - امام صادق(ع))

خدای تعالی میفرماید: هیچ بنده ای نباشد که من بخواهم او را به بهشت ببرم جز آنکه او را به بلایی در تنش دچار کنم تا کفار گناهانش باشد وگرنه هنگام مرگش بر او سخت گیرم تا نزد من آید و گناهی بر او نباشد سپس او را به بهشت میبرم و هیچ بنده ای نباشد که بخواهم او را به دوزخ ببرم جز آنکه تنش را سالم کنم تا آنچه از من میخواهد به پایان رسد در غیر اینصورت از ترس آنچه که بر او تسلط دارد آسوده خاطرش کنم تا اگر طلبی نزد من دارد بواسطه آن پایان یابد در غیر اینصورت روزیش را بر او فراخ کنم تا طلبش از این راه تمام شود در غیر اینصورت مرگ را بر او آسان کنم تا نزد من آید و هیچ عمل نیکی نزد من نداشته باشد سپس او را به دوزخ برم.

#### ۶۲- پاداش گناهکار (کافی - امام صادق(ع))

خدای عزوجل میفرماید: به عزت و جلال سوگند من بنده ای را که میخواهم رحمتش کنم از دنیا بیرون نمیبرم مگر آنکه هر خطا و گناهی که کرده است به او عوض میدهم یا بوسیله بیماری در بدنش و یا بعلت تنگی در روزیش و یا بوسیله ترس در دنیایش پس اگر باز چیزی بماند مرگ را بر او سخت گردانم و به عزت و جلال سوگند من بنده ای را که بخواهم عذاب کنم از دنیا بیرون نمیبرم مگر اینکه هر عمل نیکی کرده پاداش آنرا میدهم یا بوسیله تندرستی یا فراخی در روزیش و یا با آسودگی و فراخ در دنیایش و اگر چیزی باقی بماند مرگ را بر او آسان نمایم.

#### ۶۳- من بهتر میدانم (کافی - امام صادق(ع))

خدای تعالی میفرماید: برخی از بندگان مؤمن کسانی باشند که امر دینشان جز با ثروتمندی و وسعت و تندرستی اصلاح نشود، آنها را با ثروت و وسعت و تندرستی می آزمایم تا امر دینشان اصلاح شود و برخی از بندگان مؤمن کسانی باشند که امر دینشان جز با فقر و تهیدستی و مریضی اصلاح نشود، آنها را با فقر و تهیدستی و مریضی می آزمایم تا امر دینشان اصلاح شود. من به آنچه دین بندگان مؤمن را اصلاح کند دانایم و برخی از بندگان مؤمن کسی است که در عبادتم کوشش کند و از خواب و بستر با لذت خود برخیزد و در شبها برای خاطر من نماز شب خواند و خود را در راه عبادتم به زحمت اندازد من یک شب و دو شب او را به چرت اندازم برای نظر لطفی که نسبت به او دارم و میخواهم باقیش بدارم پس او تا صبح میخوابد سپس برمیخیزد و خود را مبعوض میدارد و سرزنش میکند در صورتیکه اگر او را واگذارم تا هرچه میخواهد عبادتم کند از این طریق او را خودبینی فرا میگیرد و همان خودبینی او را نسبت به اعمالش فریفته میسازد و حالتی به او دست میدهد که هلاک دینش در آن باشد به جهت عجب به اعمال و از خود راضی بودنش تا آنجا که گمان کند بر همه عابدان برتری گرفته و در عبادت از حد تقصیر درگذشته است، در آن موقع از من دور شود و خودش گمان کند که بمن نزدیک است.

#### ۶۴- خطر خودبینی (عده الداعی)

خدای تعالی میفرماید: برخی از بندگان مؤمن کسانی هستند که طلب میکنند از من چیزی را از عبادت من پس من برمیگردانم او را از آن به جهت ترس از خودبینی او.

#### ۶۵- بندگان را می آزمایم (عده الداعی)

خداوند به داوود (ع) وحی فرمود: هر که التجا بمن آورد طلب او را کفایت کنم و هر که از من چیزی بخواهد به او ببخشم و هر که مرا بخواند او را اجابت کنم و به تأخیر می اندازم دعای او را و معلق میماند و حال آنکه اجابت خواهم کرد تا تمام شود قضای من، پس هرگاه تمام شد برآورم آنچه را که خواسته است. ای داوود به مظلوم و ستمدیده بگو که دعایت را به جهت چند چیز که بر تو پوشیده و پنهان است به تأخیر اندازم یا اینکه انجام دعایت را نسبت به کسی که بر تو ظلم کرده اجابت میکنم و منم احکم الحاکمین و سبب تأخیر اجابت یا این است که بر کسی ظلم کرده ای و او درباره ات دعای بد کرده پس این در برابر آن است و یا آن است که درجه ای است در بهشت که نرسی تو به آن درجه نزد من مگر به ظم آن شخص بر تو، بواسطه آنکه من می آزمایم بندگان خود را در اموال و نفوس ایشان و چه بسا که بیمار میکنم بنده را پس نماز و خدمت او کم میشود ولیکن آواز او که در پریشانی مرا بخواند برای من از نماز نمازکنندگان بهتر است و چه بسا که بنده ای نماز میگذارد و آن نماز را به روی او میزنند، آواز و صدای او بر من محبوب و پوشیده است. آیا میدانی چرا ای داوود؟ این بدان جهت است که شخصی به چشم فسق به زنان مؤمنه نگاه بسیاری می افکند و این آن کسی است که نفس با او حدیث میکند که اگر حاکم شود در امری در آن امر گردنهای مردم را به ظم بزند.

#### ۶۶- پاداش خوبیها و بدیها (تفسیر العسکری - امام حسن عسکری(ع))

امیر المؤمنین (ع) روایت میکند که از رسول خدا(ص) شنیدم که آن حضرت میفرمود: در زمانهای گذشته دو زمامدار یکی مؤمن و دیگری کافر میزیستند. پادشاه کافر بیمار گردید، پزشکان شفا و راه چاره او را در خوردن گوشت یکنوع ماهی مخصوص میدانستند که فصل صید آن نبود و در قعر دریا وجود داشت که دست یافتن به آن غیر ممکن بود. چون از صید ماهی نا امید شدند به پادشاه گفتند اکنون کار تو دیگر تمام است، به فکر آینده مملکت باش و کسی را بجای خود نصب کن. در این هنگام خداوند فرشته ای را گماشت که از جنس آن ماهی از قعر دریا گرفته و در جایی که بتوانند آنرا صید کنند قرار داد و سرانجام ماهی را برایش صید کردند و با خوردن گوشت آن ماهی از بیماری نجات یافت.

درست پس از مدتی، پادشاه مؤمن بیمار شد به همان بیماری که پادشاه کافر دچار بود. پزشکان راه چاره درد او را تنها در خوردن گوشت همان ماهی تشخیص دادند و در فصلی هم بود که صید آن نوع ماهی آسان بود زیرا در اغلب آنها از آن یافت میشد ولیکن خداوند به همان فرشته امر فرمود که از جنس آن ماهی در دسترس آنان چیزی باقی نگذارد و آنرا به قعر دریا ببرد تا نتوانند از آن ماهی صید کرده و دردش را دوا کنند. فرشتگان آسمان و زمین از مشاهده این دو منظره به شگفت درآمدند و نزدیک بود که فتنه ای رخ دهد تا اینکه خداوند متعال به فرشتگان آسمان و به پیامبر آن زمان وحی فرستاد و حقیقت امر را روشن کرد: همانا منم بسیار بخشنده توانا که هر چه به بندگان ببخشم به من زیانی نرساند و هر چه از ایشان بازدارم و نبخشم بمن نفعی ندهد و به قدر ذره ای به کسی ستم نکنم. اما درباره آن پادشاه کافر که صید ماهی را برایش در غیر وقت آن آسان نمودم بدین جهت بود که جبران کار نیک او باشد که انجام داده بود زیرا سزاوار است بر من که کار نیک هیچکس را ضایع نکنم و در دنیا مزد او را بدهم تا هنگامی که در قیامت می آید هیچ کار نیکی در نامه عملش نباشد و بواسطه کفرش داخل آتش شود ولی از همان ماهی برای آن شخص مؤمن منع کردم و در اختیارش قرار ندادم برای اینکه گناهی از او سرزده بود که خواستم بواسطه توجه نکردن به خواسته او و نبودن آن دوا، گناه او ریخته شود تا هنگامیکه بر من وارد میشود هیچ گناهی نداشته باشد و بواسطه پاکیش از گناه وارد بهشت گردد.

#### ۶۷- اگر مؤمنان نبودند (علل الشرايع، امالی، محاسن - امام باقر(ع))

چون خداوند متعال بنگرد که مردم يك قریه نافرمانی را از حد گذرانیده و سه مؤمن در میان آنهاست، خدای جل جلاله به آنها ندا کند که: ای گناهکاران، اگر در میان شما مؤمنان و دوستانان جلالم و آباد کنندگان زمین مساجدم به نمازشان و آمرزش جویان در سحر از ترسم نبودند هرآینه عذابم را به شما فرود می آوردم و باکی هم نداشتم.

#### ۶۸- اگر اقرار میکرد (عیون اخبار)

خدای تعالی به موسی(ع) وحی فرستاد که: ای موسی به عزت و جلالم سوگند اگر آن کسیکه (از فرعونیان) کشتی يك آن و به قدر چشم بهم زدنی به خالقیت و رزاقیت من اقرار داشت الان طعم عذاب را بتو میچشانم و تو را عقاب میگردم و علت اینکه تو را عفو کردم و بخشیدم این بود که آن قبلی برای يك لحظه هم اقرار نکرد که من خالق و رازق او هستم.

#### ۶۹- به خدا خوش گمان باشید (عیون اخبار، کافی - امام رضا(ع))

حضرت رضا(ع) فرمود به خدا خوش گمان باشید زیرا خدای عزوجل میفرماید: من نزد گمان بنده خود هستم، اگر گمان او خوب است رفتار من خوب و اگر بد است رفتار من هم بد باشد.

#### ۷۰- اگر گمان خوب بمن داشت (ثواب الاعمال - امام صادق(ع))

امام صادق(ع) فرمود: آخرین فردی که مامور به داخل شدن دوزخ شود چون روان شود به عقب نگرده، پس خداوند فرماید: او را برگردانید، چون بیاید خداوند فرماید: چرا به عقب نگاه کردی؟ گوید: بارالها چنین گمانی بتو نداشتم که مرا به دوزخ فرستی. خداوند جلیل پرسد: گمان تو بمن چه بود؟ گوید: پروردگارا فکر میکردم مرا ببخشی و در بهشت جایم دهی، پس خداوند میفرماید: ای فرشتگان من به عزت و جلال و نعمتها و محنتها و بزرگی مقامم سوگند که جز این در تمام عمرش گمان خیر بمن نداشت و چنانچه ساعتی در عمرش بمن گمان نیک داشت او را به آتش نمی ترسانیدم دروغش را از او بپذیرید و او را به بهشت ببرید.

#### ۷۱- کسیکه بمن چنگ زند (کافی - امام باقر(ع))

خدای تعالی به داوود (ع) وحی فرستاد که: هر بنده ای از بندگانی که فقط بمن چنگ زند و از دیگران قطع امید نماید و این نیت را از ته قلب او بدانم اگر همه آسمانها و زمین و تمام مخلوقات ساکن در آنها بخواهند برای او دامی بنهند من راه فراری برایش باز میکنم و هر يك از بندگانی که به مخلوقی چنگ زند و بدانم که او از ته دل امیدوار به دیگری است وسایل آسمان و زمین را از دستش میگیرم و زمین را از زیر پایش خالی مینمایم و هیچ باکی ندارم به هر جا که هلاک شد بشود.

#### ۷۲- هر که از من قطع کند (عده الداعی - پیامبر(ص))

خدای تعالی میفرماید: هرکدام از مخلوقاتم که به غیر من چنگ زند و از من قطع امید کند اسباب آسمانها و زمین را از برای او قطع کنم و اگر چیزی از من بخواهد به او ندهم و اگر مرا بخواند اجابتش نکنم و هر يك از مخلوقاتم که بمن چنگ زند و از دیگران قطع امید کند ضامن گردانم آسمانها و زمین را برای روزی رساندن او و اگر مرا بخواند اجابتش کنم و اگر چیزی طلبد به او ببخشم و اگر از من آمرزش خواهد او را بیامرم.

#### ۷۳- کسی که به غیر خدا امیدوار باشد (کافی)

خدای تعالی میفرماید: به عزت و جلال و بزرگواری و رفعم بر عرشم سوگند که آرزوی هرکس را که به غیر من امید بندد به نا امیدی قطع میکنم و نزد مردم بر او جامه خواری و ذلت میپوشانم و او را از تقرب و از فضل خود دور میکنم. آیا در رفع شاداید به غیر من امید دارید؟ با اینکه رفع آنها بدست من است و به فکر خود در خانه غیر مرا میکوبید؟ با اینکه کلید مشکلات در دست من است و در خانه ها همه بسته است و لکن در خانه من بر روی آنهاست که مرا میخوانند باز است. کیست که در گرفتاریهایش بمن امید بسته و من امیدش را قطع کرده باشم و کیست که در کارهای بزرگش بمن امیدوار گشته و من امیدش را از خود بریده باشم؟ من آرزوهای بندگانی را نزد خود محفوظ داشته و آنها به حفظ و نگهداری من راضی نگشتند و آسمانهایم را از کسانی که از تسبیح کردن من خسته نشوند پرکردم و به آنها دستور دادم که درهای میان من و بندگانی را نبندند. آیا به گفته من اعتماد ندارند؟ آیا نمیدانند کسی را که من مصیبتی از مصائب خود را بر او وارد آورم غیر از من کسی نمیتواند آن گرفتاری ها را از او برطرف نماید مگر بعد از آنکه من به او اجازه دهم. پس چرا از من روی گردان است؟ من با بخشش خود، آنچه را که از من نخواست به او میدهم سپس آنرا از او میگیرم و او برگشتش را از من نمیخواهد و از غیر من میخواهد. او درباره من فکر میکند که ابتدا و پیش از خواستش عطا میکنم ولی چون از من بخواهد به او جواب نمیگویم؟ مگر من بخیلیم که بنده ام مرا بخیل میدانند؟ مگر هر گونه بخشش و بزرگواری از من نیست؟ مگر عفو و رحمت دست من نیست؟ مگر من محل آرزوها نیستم؟ پس چه کسی جز من میتواند آرزوها را قطع کند؟ آیا آنها که به غیر من امید دارند نمیتوانند؟ اگر همه اهل آسمانها و زمین بمن امید بندند و به هر يك از آنها به اندازه امیدواری همه دهم بقدر يك عضو مورچه ای از ملکم کاسته نشود. چگونه کاسته شود از ملکی که من سرپرست و بپا دارنده آن هستم؟ پس بدا به حال آنها که از رحمت نا امیدند و بدا به حال آنها که نافرمانیم کنند و از من پروا نکنند.

#### ۷۴- قرآن در قیامت (کافی)

سعد خفاف گوید که امام باقر (ع) بمن فرمود: ای سعد قرآن را بیاموز زیرا قرآن در بهترین صورتهای که مردم دیده اند روز قیامت بیاید و خدای تبارک و تعالی او را ندا کند ای حجت من در زمین و ای سخن راست و گویایم سربردار و بخواه تا به تو داده شود و شفاعت کن تا شفاعت تو پذیرفته شود سپس خدای تعالی به او فرماید بندگان مرا نسبت به خود چگونه دیدی؟ عرض کند: پروردگارا بعضی از آنها مرا نگهداری کرد و محفوظ داشت و چیزی از مرا ضایع نکرد و بعضی از آنها مرا ضایع کرد و حق مرا بر خود سبک شمرد و مرا تکذیب کرد با اینکه من حجت تو بر بندگان بودم. آنگاه خدای تبارک و تعالی فرماید: به عزت و جلال خودم و مکانت والايم سوگند امروز بهترین ثواب را بخاطر تو بدهم و دردناکترین کیفر را بخاطر تو بکنم آنگاه قرآن بیاید نزد مردی از شیعیان ما که او را میشناخته و بوسیله آن با مخالفین بحث میکرد و در برابرش بایستد و به او بگوید: مرا نمیشناسی؟ آن مرد به او نگاه کند و گوید: ای بنده خدا من تو را نشناسم پس قرآن گوید: منم که تو را به شب بیداری کشیدم، آگاه باش که همانا هر تاجری سود خود را دریافت کند و من امروز پشتیبان تو هستم آنگاه گوید: پروردگارا این بنده تو است و تو به او دانستی که چه رنجها درباره من کشید و سخت مواظب من بود و بخاطر من با دشمنانم دشمنی میکرد و دوستی و خشمش درباره من بود پس خدای با عزت و جلال فرماید: بنده ام را وارد بهشت کن و از جامه های بهشتی به او بپوشانید و تاج بر سرش نهید سپس قرآن گوید: پروردگارا من این را کم شمارم خیر را درباره او افزون کن خدای تعالی فرماید: به عزت و جلال و بلندی مقام سوگند امروز به او و هر که در پناه اوست پنج چیز افزون کنم آگاه باش که ایشان جوانانی باشند که پیر نشوند و تندرستانی باشند که بیمار نگردند و توانگرانی باشند که نادر نشوند و خورسندانی باشند که غمگین نشوند و زنده هایی باشند که نمیرند.

#### ۷۵- عظمت سوره حمد (عیون اخبار الرضا، امالی - علی (ع) از پیامبر (ص))

خدای با عزت و جلال فرماید: سوره فاتحه الكتاب را میان خود و بنده ام تقسیم کرده ام آنچنان که نیمی از آن سوره از آن من است و نیمی از آن بنده من است بنابراین با خواندن این سوره، بنده هر چه میخواهد از من میخواهد. هنگامی که بنده گوید **بسم الله الرحمن الرحيم** خدای جل جلاله میفرماید بنده ام بنام من آغاز کرد و بر من لازم است کارهای او را به سامان رسانم و برکات خود را در کارهای او نازل سازم و چون گوید **الحمد لله رب العالمين** خدای جل جلاله میفرماید بنده ام مرا ستایش کرد و دانست که هر نعمتی دارد از من است و گرفتاریهایی که از او برطرف شده توسط من است اینک شما گواه باشید که نعمتهای دنیا و آخرت را برای او افزون گردانم و گرفتاریهای آخرت را از او برطرف گردانم چنانکه گرفتاریهای دنیا را از او برطرف ساخته ام و چون گوید **الرحمن الرحيم** خداوند میفرماید بنده ام گواهی داد که همانا بخشنده و مهربانم، شما را گواه میگیرم که نصیب او را از رحمت خود فراوان گردانم و بخشش خود را بر او بی نهایت سازم و چون گوید **مالك يوم الدين** خداوند میفرماید گواه باشید که چون اعتراف کرد من مالک روز جزا هستم حسابش را آسان کنم و حسناتش را بپذیرم و از عمل بد او درگذرم، چون گوید **اياك نعبد** خداوند میفرماید بنده ام راست گفت که تنها مرا میپرستند، گواه باشید که به او ثواب عبادتش را بدهم، ثوابی که هر کس مخالف عبادت او رفته بر او رشک برد و چون گوید **واياك نستعين** خداوند میفرماید از من کمک خواست و بمن پناه برد گواه باشید که او را در کارش کمک کنم و در سختیها به فریادش میروم و در گرفتاری روز قیامت دستش را بگیرم چون گوید **اهدنا الصراط المستقيم** تا به آخر سوره، خداوند میفرماید این از بنده من است و بنده ام هر چه خواهد از آن اوست و برای بنده ام اجابت کردم و آنچه آرزو داشت به او دادم و او را از آنچه ترسید آسوده ساختم.

#### ۷۶- آیات از قرآن (کافی)

چون خدای عزوجل این آیات را که عبارت از سوره حمد و آیه شهد الله انه لا اله الا هو و آیه الكرسي و آیه قل اللهم مالك الملك میباشد فرمان داد که به زمین فرود آیند، آنها بر عرش آویختند و گفتند پروردگارا ما را به کجا فرومیفرستی؟ بسوی زمین خطاکاران و گناهکاران؟ پس خدای عزوجل به آنها فرمود: فروشوید که به عزت و جلال خودم سوگند که هیچ کس از آل محمد (ص) و شیعیان آنها شما را در هر روز پس از نماز واجبش نخواند جز اینکه به نظر مخصوصی در هر روز هفتاد بار به او نظر کنم و در هر نظر هفتاد حاجت او را برآورم و او را با آنچه گناه دارد بپذیرم.

#### ۷۷- قرائت قرآن (عده الداعی)

خدای تعالی میفرماید: هر که قرائت قرآن و خواندن قرآن او را مشغول کند و از سؤال کردن از من بازدارد برتر از ثواب شاکرین به او عطا کنم.

#### ۷۸- تفسیر به رای (توحید، عیون، امالی)

خدای تعالی میفرماید: بمن ایمان ندارد هر که کلام مرا به خواست خود تفسیر کند و مرا نشناخته است هر که مرا همانند خلقم بیندارد و به دین من نباشد هر که در احکام دینم قیاس بکار برد.

#### ۷۹- خلفای من بر مردم (علل الشرايع - جابر از امام باقر (ع))

حضرت علی (ع) در يك حديث نسبتاً طولانی میفرماید که خداوند متعال به فرشتگان فرمود: من در زمین خلیفه خواهم گماشت، گفتند: آیا کسانی خواهی گماشت که در زمین فساد کنند و خونها بریزند و حال آنکه ما تو را تسبیح و تقدیس میکنیم؟ شایسته است آن خلیفه را از ما فرشتگان قرار دهی که در زمین فساد و خونریزی نمیکنیم، خداوند فرمود: ای فرشتگان من همانا من چیزی از اسرار خلقت بشر میدانم که شما نمیدانید زیرا که من میخواهم بدست خود خلقی را بیافرینم که از فرزندان آن پیامبران و رسولان و بندگان شایسته و پیشوایان هدایت یافته قرار دهم. ایشان را جانشینان خود بر بندگانم بر روی زمین قرار دهم که بندگان را از نافرمانی من بازدارند و از عذاب من بترسانند و به طاعت من راهنما باشند و بوسیله ایشان راه مرا طی کنند و ایشان را حجت خود قرار دهم که آگاه کننده و حجت بر مردم باشند.

#### ۸۰- بزرگداشت پیامبران (من لا یحضره الفقیه - امام صادق(ع))

حضرت آدم از خداوند درخواست نمود که برایش وصی و جانشین شایسته ای انتخاب کند تا اینکه وحی رسید: همانا من گرامی داشتم پیامبران را به پوشانیدن خلعت نبوت به آنان سپس خلم را برگزیدم و اوصیاء را از بهترین ایشان قرار دادم.

#### ۸۱- نام گرامی محمد(ص) (امالی)

خدا به پیامبر خود در شب معراج فرمود: ای محمد، من محمود و تو محمد، نامت را از نام انتخاب کردم، هر که با تو ببیند با او می بیند و هر که از تو ببرد سرکوبش کنم، فرود شو و به بندگانم خبر بده که تو را چقدر احترام کردم، من هیچ پیامبری مبعوث نکردم جز آنکه وزیری برایش مقرر کردم، تو رسول منی و علی وزیر تو است.

#### ۸۲- نور محمد(ص) و علی(ع) (معانی الاخبار)

حضرت محمد(ص) و حضرت علی(ع) دو نور درخشان بودند در پیشگاه خداوند که دو هزار سال قبل از آفرینش مخلوقات، خداوند آن دو را بوجود آورد. چون فرشتگان این دو نور را مشاهده کردند دیدند اصل و ریشه ای دارد که از آن شعاع درخشانی منشعب است، عرضه داشتند پروردگارا این نور چیست؟ خداوند به آنها وحی فرمود: این نور شمه ای از نور من است که اصلش نبوت و فرع آن امامت است، نبوت برای محمد(ص) بنده و رسول من و امامت برای علی(ع) حجت و ولی من و اگر این دو نبودند هیچ چیز را نمی آفریدم.

#### ۸۳- چهار نور مقدس (کافی - امام صادق(ع))

خداوند متعال میفرماید: ای محمد، من تو و علی را بصورت نوری یعنی روحی بدون پیکر آفریدم پیش از آنکه آسمان و زمین و عرش و دریایم را بیافرینم. پس تو همواره یکتایی و تمجید مرا میگفتی. سپس دو روح شما را گرد آوردم و یکی ساختم و آن یک روح مرا تمجید و تقدیس و تهلیل میگفت، آنگاه آنرا به دو قسمت کردم و باز هر یک از آن دو قسمت را دو قسمت نمودم تا اینکه چهار روح شد، محمد یکی، علی یکی، حسن و حسین دوتا. حضرت صادق فرمود: سپس خداوند فاطمه را از نوری که در ابتدا روحی بدون پیکر بود آفرید آنگاه با دست خود ما را مسح کرد و نورش را در ما قرار داد.

#### ۸۴- انوار مقدسه فاطمه و ائمه(ع) (علل الشرایع)

جابر از حضرت صادق(ع) روایت میکند که به آن حضرت عرض کردم چرا فاطمه(ع) فاطمه نامیده شده است؟ حضرت فرمود: به این جهت که خداوند او را از نور عظمت خود آفریده و چون درخشید و طلوع نمود آسمان و زمین به نورش روشن گردید بطوریکه فرشتگان تاب دیدن آنرا نداشتند و همه به خداوند سجده نمودند و گفتند خدایا این نور چیست؟ خداوند به آنها وحی فرمود: این نور از نور من است که او را در آسمانم جای دادم و او را به عظمت خود آفریدم و بیرون آورم او را از پشت پیامبری از پیامبرانم و برتری دهم او را بر تمام پیامبران و از این نور پیشوایانی بیرون آورم که به امر من قیام کنند و مردم را به حق هدایت مینمایند و پس از پایان وحی من، ایشان را جانشینان خود در زمین قرار دهم.

#### ۸۵- پیمان برای محمد(ص) و علی(ع) (کافی)

خداوند تعالی از پیامبران پیمان گرفت و فرمود: مگر من پروردگار شما نیستم؟ و این محمد رسول من نیست؟ و این علی امیر مؤمنان نمیباشد؟ گفتند: چرا، پس نبوت آنها پابرجا شد و از پیامبران اولوالعزم پیمان گرفت و فرمود: من پروردگار شما هستم و محمد رسول من است و علی امیر مؤمنان است و اوصیاء بعد از او و الیای امر من و خزانه داران علم من میباشدند و اینکه مهدی کسی است که بوسیله او دینم را نصرت دهم و دولت را آشکار کنم و از دشمنانم انتقام بگیرم و بوسیله او مطیعانه و بالاجبار عبادت میشوم گفتند: پروردگارا اقرار کردیم.

#### ۸۶- برگزیدگان خدا (مجالس، مناقب خوارزمی)

پیامبر(ص) فرمود: بر سر در بهشت نوشته دیدم نوشته بود: نیست معبودی بجز الله، محمد فرستاده خداست، علی دوست خداست، حسن و حسین برگزیده خدا هستند، فاطمه کنیز خداست و بر دشمن ایشان لعنت خداوند است.

#### ۸۷- محمد رسول الله (عیون اخبار الرضا، علل الشرایع - امام صادق(ع))

رسول خدا(ص) فرمود: خداوند خلقی را برتر از من نیافرید زیرا که مرا به آسمان بالا برد و ندایم داد ای محمد گفتم بله پروردگارم، سپس ندا شدم: ای محمد، تو بنده منی و من پروردگار تو، پس تنها مرا پرستش کن و بر من توکل کن زیرا تو نوری هستی در میان بندگانم و فرستاده منی بسوی بندگانم و حجت منی بر مخلوقاتم. بهشت را برای تو و پیروان تو آفریدم و جهنم و آتش آنرا برای مخالفین تو خلق کردم.

#### ۸۸- عید خدا (امالی)

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرشته ای با حضرت جبرئیل به زمین فرود آمد که تا آنوقت قدم بر خاک ننهاده بود و همه کلیدهای گنجینه های زمین را همراه خود داشت و گفت ای محمد(ص) پروردگارت تو را سلام میرساند و میفرماید: اینها کلیدهای خزاین زمین است اگر خواهی پیامبری بنده باش و اگر خواهی پیامبری پادشاه باش جبرئیل بمن اشاره کرد که تواضع کن ای محمد و من گفتم که پیامبری بنده هستم.

#### ۸۹- پیامبر جهانی (معانی الاخبار، علل الشرایع)

رسول خدا (ص) فرمود: خداوند بر من منت نهاده و بمن فرموده است: ای محمد درود خدا بر تو باد. هر پیامبری را برای قومی به زبان همان قوم فرستادم ولیکن تو را برای هر سیاه پوست و سرخ پوستی از بندگانم فرستادم و تو را بوسیله رعب در دلها یاری کردم که تا قبل از آن کسی را به آن یاری نکرده بودم و غنیمت جنگی را برایت حلال نمودم که قبل از تو برای کسی حلال نبود و گنجی از گنجهای عرش بتو و امت تو بخشیدم که عبارت از سوره فاتحه و خاتمه سوره بقره (آمن الرسول) است. زمین را برای تو و امت تو پاک و مسجد قرار دادم، بتو و امت تو تکبیر عطا کردم و نامت را قرین نام خود قرار دادم بطوریکه کسی مرا یاد نمیکند مگر اینکه تو را هم یاد کند پس خوشا بحالت ای محمد.

#### ۹۰- بخاطر او آفریدم (امالی)

حضرت صادق (ع) میفرماید که ابلیس هنگام مناجات موسی (ع) نزد او آمد، فرشته ای گفت: در این حال که با پروردگارش سرگرم مناجات است از او چه میخواهی؟ گفت همان را که از پدرش آدم درون بهشت خواستم و امید داشتم. در ضمن مناجات خداوند به او فرمود: ای موسی من نماز نپذیرم جز از کسی که برای بزرگواریم فروتنی کند و دلش ملازم ترس من باشد و روز خود را با ذکر من طی کند و شب با قصد پیگیری گناه نخوابد و حق اولیاء و دوستان مرا بشناسد موسی عرض کرد: پروردگارا مقصود از دوستان و اولیاء تو ابراهیم و اسحاق و یعقوب باشند؟ خدای تعالی فرمود: ای موسی آنان چنین هستند ولی مراد من کسی است که بخاطر او آدم و حوا را بوجود آوردم و بخاطر او بهشت و دوزخ را آفریدم موسی عرض کرد پروردگارا او کیست؟ فرمود: محمد، احمد که نامش را از نام خود انتخاب کردم زیرا من محمود موسی عرض کرد پروردگارا مرا از امت او قرار بده فرمود: ای موسی تو از امت او باشی اگر او را بشناسی و مقام او و خاندانش را بدانی، مثال او و مثال اهل بیتش در کسانی که آفریدم مانند فردوس است در بهشت که برگش نخشکد و مزه اش برنگردد. هرکه آنها را و حق آنان را بشناسد برای او در هنگام نادانی حلم مقرر کنم و در تاریکی نور قرار دهم و پیش از آنکه مرا بخواند اجابتش کنم و پیش از آنکه درخواست کند عطایش بخشم. ای موسی دنیا خانه کيفر است که آدم را هنگام خطایش کيفر دادم، دنیا ملعون است مگر آنچه برای من باشد. ای موسی بندگان خوب من به اندازه ای که بمن عارف باشند نسبت به آن بی رغبتند، خلق دیگر من به اندازه نادانی خود نسبت به من به آن رغبت دارند، کسی که آنرا بزرگ نداند چشمش به آن روشن شود و هرکه آنرا خوار شمارد از آن بهره برد.

#### ۹۱- نور جلال خداوند (مشارق انوار الیقین)

از پیامبر (ص) روایت شده که آن حضرت فرمود چون خداوند عرش را آفرید هفتاد هزار فرشته نیز آفرید و به آنها فرمود: بر محور عرش من نور است بگردید و طواف کنید و مرا تسبیح گوید و عرش من بر دوش خود حمل نمایید فرشتگان عرش را طواف کردند و خداوند را تسبیح نمودند و خواستند که عرش را بردارند نتوانستند خداوند به ایشان فرمود: طواف کنید عرش مرا که نور است و بر نور جلال من محمد (ص) که دوست من است درود و صلوات بفرستید و آنگاه عرش را بردارید پس طواف کردند و عرش را برداشتند و گفتند پروردگارا امر کردی ما را به تسبیح و تقدیس خود و دستور دادی که بر نور جلال تو محمد (ص) درود فرستیم پس از مقدار تسبیح تو کم شد، خداوند به آنها فرمود: ای فرشتگانم، هرگاه شما بر حبیب و دوستم محمد (ص) درود فرستادید در واقع مرا نیز تسبیح و تقدیس و تهلیل نموده اید.

#### ۹۲- به مدینه هجرت کن (کافی - امام صادق (ع))

چون دوبار باوفای پیامبر اسلام حضرت خدیجه کبری و حضرت ابوطالب بفاصله يك سال چشم از جهان بستند پیامبر تنها ماند و آثار حزن و اندوه بر چهره آن حضرت نمودار شد و بیم آن داشت که مبادا کفار قریش بر او صدمه ای وارد نمایند تا اینکه خداوند به او وحی فرستاد که: ای پیامبر از این شهری که ساکنان آن ستمگرند بیرون رو و به مدینه هجرت کن زیرا تو در مکه دیگر یابوری نداری و برای جنگ با مشرکین کوشش کن.

#### ۹۳- دامانی که تو را پرورید (امالی، معانی الاخبار، کافی)

جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل شد و گفت: ای محمد پروردگارت بتو سلام میرساند و میفرماید: من آتش دوزخ را بر پشتی که تو را فرود آورد حرام کردم و بر شکمی که بتو آبتن شد و دامانی که تو را پرورید (ابوطالب و فاطمه بنت اسد).

#### ۹۴- ابوطالب مؤمن قریش (الرد علی الذاهب الی تکفیر ابی طالب)

جبرئیل امین بر پیامبر (ص) فرود آمد و گفت ای پیامبر خدایت سلام میرساند و میفرماید: اصحاب کعبه ایمان خود را نمان داشتند و شرک را اظهار کردند پس خداوند هم پاداش آنان را دوبار به آنها داد (به جهت ایمان آوردن و تقیه کردن) و ابوطالب هم ایمان خود را نمان داشته شرک و تقیه را اظهار کرد و خداوند دوبار پاداش او را عطا کرد.

#### ۹۵- زمین خالی از حجت نیست

جبرئیل بر پیامبر اکرم (ص) فرود آمد و از جانب خداوند برایش خبر آورد که: ای محمد من هرگز زمین را از عالمی که وسیله فهم دین و معرفت طاعت باشد خالی نگذارم تا وسیله نجات کسانی باشد که از زمان فوت پیامبری تا آمدن پیامبر دیگر زندگی میکنند و ابلیس را رها نکردم که مردم را گمراه کند و زمین را از دعوت کننده بسویم و هدایتگر به راهم و دانای به احکام خالی نگذاشته ام بلکه برای هر قومی هادی و راهنمایی گماشتم که خوبان را بوسیله او هدایت کنم و حجتی از جانب من بر افراد شقی و بدسرسخت باشد.

#### ۹۶- جانشین آدم (کافی، محاسن)

چون دوران نبوت آدم(ع) برآمد و عمرش به آخر رسید خدای عزوجل به او وحی کرد: ای آدم به راستی که نبوتت به سرآمد و عمرت به آخر رسید. تو علمی را که داری با ایمان و اسم اکبر و میراث علم و آثار نبوت خود را به فرزندت هیه الله به امانت بسپار و مقرر دار زیرا من هرگز دنباله علم و ایمان و اسم اکبر و آثار نبوت را از نسل تو تا روز قیامت قطع نکنم و هرگز زمین را خالی از عالمی که وسیله فهم دین و معرفت طاعت باشد و وسیله نجات هرکس که تا زمان نوح متولد شود تهی ندارم.

#### ۹۷- علامت جانشین داوود (کافی)

خداوند به حضرت داوود وحی فرمود که سلیمان را خلیفه خود قرار بده، سلیمان در آن وقت بچه بود و گوسفند چرانی میکرد، عباد و علمای بنی اسرائیل قبول نکردند، خداوند وحی فرمود: عصای سلیمان را بگیر و همه را در يك اطاق نگهدار و در اطاق را مهر کن به مهرهای قوم، فردا عصای هرکس سبز شد و برگ بیرون آورد و میوه داد او خلیفه است داوود به آنها خبر داد که خداوند چنین فرموده، گفتند راضی شدیم و قبول کردیم.

#### ۹۸- سلیمان وصی داوود (کافی)

همانا خدای تعالی به داوود وحی فرستاد که: از خاندان خود وصی انتخاب کن زیرا در علم من پیشی گرفته که هیچ پیامبری را مبعوث نسازم جز اینکه برای او وصی ای از خاندانش باشد داوود فرزندان بسیاری داشت و در میان آنها جوان نوری بود که مادرش نزد داوود بود و داوود آن زن را دوست میداشت، چون این وحی به داوود رسید نزد آن زن آمد و به او گفت: خدای عزوجل بمن وحی فرستاد و امر کرده است که از خاندان خودم وصی انتخاب کنم همسرش به او گفت خوب است پسر من باشد داوود گفت من هم همین را میخوام ولی در علم پیشین و حتمی خدا گذشته بود که وصی او سلیمان باشد خدای تبارک و تعالی به داوود وحی کرد: ای داوود تا فرمان من بتو نرسد در این کار شتاب نکن دیری نگذشت که دو مرد نزد داوود آمدند و درباره گوسفندان و باغ انگور مرافعه کردند زیر گوسفندان یکی، انگور باغ دیگری را خورده بود، خدای عزوجل به داوود وحی کرد: پسرانت را جمع کن، هرکه در این قضیه حکم درست بدهد وصی بعد از تو است داوود پسرانش را جمع کرد چون دو طرف نزاع قصه خود را گفتند سلیمان (ع) گفت: ای صاحب باغ گوسفندان این مرد کی به باغ تو آمدند؟ گفت شب آمدند، سلیمان گفت: ای صاحب گوسفند من حکم دادم که بچه ها و پشم امسال گوسفندان تو مال صاحب باغ باشد. داوود به او گفت: چرا حکم نکردی که خود گوسفندان را بدهد با اینکه علمای بنی اسرائیل آنرا قیمت کردند و بهای انگور با قیمت گوسفندان برابر است؟ سلیمان گفت: تا که از ریشه کنده نشده و تنها بار آن خورده شده است و سال آینده بار میدهد. خداوند به داوود وحی فرستاد: ای داوود حکم در این قضیه همان است که سلیمان صادر کرد. ای داوود تو چیزی را خواستی و ما چیزی دیگر را.

#### ۹۹- علی(ع) وصی محمد(ص) (کافی، الانصاف)

حضرت باقر(ع) میفرماید: موسی(ع) و عیسی(ع) به آمدن محمد(ص) مژده دادند چنانچه پیامبران به آمدن یکدیگر مژده دادند تا نبوت به محمد(ص) رسید و چون دوران نبوت محمد(ص) بسر رسید و عمرش سپری شد خدای تعالی به او وحی کرد: ای محمد دوران نبوت تو سپری شد و روزگارت پایان رسید اکنون علمی که نزد تو است با ایمان و اسم اکبر و میراث علم و نشانه های علم نبوت را نزد علی ابن ابی طالب بگذار زیرا من علم و ایمان و اسم اکبر و میراث علم و آثار نبوت را از نسل فرزندان قطع نکنم چنانچه آنرا از خانواده های پیامبرانی که بین تو و پدرت آدم بودند قطع نکردم.

#### ۱۰۰- نام گرامی علی(ع) (معانی الاخبار، امالی)

از یزید بن قعنب روایت شده که گفته است من با عباس بن عبدالمطلب و گروهی از طایفه عبدالعزی در مقابل خانه خدا نشسته بودیم ناگاه دیدیم فاطمه بنت اسد مادر گرامی امیرالمؤمنین(ع) روی بخانه آورد در حالیکه نه ماهه حامله بود، آثار وضع حمل در او پیدا شد، سپس عرض کرد: پروردگارا من بتو و پیامبران و کتابهای آسمانی تو ایمان دارم و سخن جدم ابراهیم خلیل را میپذیرم همانا او بود که این خانه قدیمی را بنا کرد تو را سوگند میدهم به آبروی آنکس که این خانه را بنا کرد و به آبروی همین فرزندی که در کانون رحم من است وضع حمل مرا آسان کنی.

یزید بن قعنب میگوید: ناگاه دیدم که خانه خدا از طرف پشت شکافته شد فاطمه بنت اسد وارد خانه گردید و از دیدگان ما ناپدید شد سپس شکاف خانه مانند اول بسته شد، از جا بلند شدیم که قفل در را باز کنیم متأسفانه هرچه کردیم باز نشد دانستیم که مطلب غیر عادی است و این امر خداست.

بعد از چهار روز فاطمه از خانه خدا بیرون آمد قنذاقه علی بن ابی طالب(ع) در دستش بود سپس فرمود: من از تمام زنان گذشته برتر و بالاتریم زیرا که آسیه دختر مزاحم خدا را در جایی که خداپرستی ممنوع بود پنهانی پرستش کرد، مریم دختر عمران نخله خشکیده را حرکت داد تا از آن خرما تاز به خورد ولی من آشکارا وارد خانه خدا شدم و از میوه ها و خوراکیهای بهشتی خوردم هنگامیکه خواستم از خانه خدا بیرون بیایم گوینده غیبی فریاد زد ای فاطمه نام این نوزاد را علی بگذار زیرا صاحب این خانه که علی اعلی است میفرماید: نام او را از نام خود برگرفتم و جدا کردم و او را تربیت کردم و بر موارد پیچیده علم خود آگاه کردم و او همان است که در خانه من بتها را در هم شکند و بر فراز خانه من اذان بگوید و مرا بزرگ شمارد و بیاد من باشد خوشا بحال آنکس که علی را دوست داشته و از او پیروی کند و بدا بحال آنکس که او را دشمن داشته و نافرمانیش کند.

#### ۱۰۱- علی ولی خدا (کافی)

رسول خدا(ص) فرمود همانا پروردگار من مرا به آسمان بالا برد سپس بمن وحی کرد آنچه وحی کرد و بی واسطه با من سخن گفت تا آنکه بمن فرمود: ای محمد هرکه دوستی از من را خوار کند به جنگ با من کمین کرده و آنکه با من بجنگد با او میجنگم گفتم پروردگارا این دوست تو کیست؟ من فهمیدم که هرکه با تو بجنگد تو با او میجنگی. بمن فرمود: او آن کسی است که من برای تو و وصی تو و فرزندان به ولایت و دوستی از او پیمان گرفته ام.

### ۱۰۲- پرچمدار هدایت (امالی)

چون خدای تعالی پیامبرش را به معراج برد فرمود: ای محمد چون نوبت تو به سر رسید و عمرت تمام شد پس از خودت چه کسی را رهبر امت خودت نمودی؟ گفتم پروردگارا من آزمایش کردم و از علی بن ابی طالب مطیع تر برای خودم نیافتم، خدای عزوجل فرمود: و برای من نیز چنین است ای محمد به او اعلام کن که او پرچم هدایت و پیشوای دوستان من و نور کسانی است که مرا فرمان میبرند.

### ۱۰۳- منکر ولایت علی (ع) (امالی)

رسول خدا (ص) فرمود: جبرئیل از طرف خدای جلیل جل جلاله نزد من آمد و گفت ای محمد خدای جلیل جل جلاله بتو سلام میفرساند و میفرماید: برادرت علی را مژده بده که هر که دوستش بدارد من عذابش نکنم و به هر که دشمنش بدارد ترحم نکنم و من هفت آسمان و آنچه در آنهاست را آفریدم و هفت زمین و آنچه بر روی آنهاست را آفریدم و جایی عظیمتر از رکن و مقام نیافریدم و اگر بنده ای از روزیکه آسمانها و زمینها را آفریده ام در آنجا مرا بخواند ولی منکر ولایت علی باشد و مرا ملاقات کند او را برو در سقر (یکی از وادی های جهنم) اندازم.

### ۱۰۴- قلعه خدا (امالی)

پیامبر (ص) از جبرئیل (ع) از میکائیل (ع) از اسرافیل (ع) از لوح از قلم گفته است که خدای تبارک و تعالی میفرماید: ولایت علی بن ابی طالب (ع) قلعه من است و هر که داخل قلعه من شود از عذاب جهنم من در امان است و اگر همه مردم بر ولایت علی (ع) متفق بودند من جهنم را نمی آفریدم.

### ۱۰۵- ولایت علی (ع) گذرنامه بهشت است (عیون اخبار الرضا - پیامبر (ص) از جبرئیل (ع))

از خدای تعالی رسیده که فرمود: منم خدا، معبود حقی جز من نیست، به توان خود خلق را آفریدم و از میان آنها پیامبران خود را برگزیدم و از میان آنها محمد (ص) حبیب و خلیل و صفی خود را برگزیدم و او را به خلق خود مبعوث کردم و علی را برای او انتخاب کردم، برادر و وصی و وزیر او و او را ادا کننده دینها بعد از او به خلقم ساختم و خلیفه خود بر بندگانم نمودم تا قرآن مرا بر آنها بیان کند و در میان آنها به حکم من رفتار کند. او را علمی قرار دادم که هدایت کننده از گمراهی باشد و باب خود که از او درآیند و خانه خود که هر که وارد آن شود از جهنم من در امان است و اوست قلعه من که هر کس به آن پناهنده شود از بدی دنیا و آخرت محفوظ است و وجه من است، هر که به او رو کند از او رو نگردانم و حجت من است در آسمانها و زمین بر هر که در آنهاست. از خلقم نپذیرم کردار هیچ عاملی را جز با اقرار به ولایت او و نبوت احمد رسولم، اوست دوست گشاده ام بر بندگانم، اوست نعمتی که به هر کس دوست داشتم دادم پس هر کس از بندگانم را که دوست بدارم به او ولایت و معرفت او را از او میگیرم و به عزت خود قسم میخورم و به جلالم قسم میخورم که کسی از بندگانم نباشد که او را دوست بدارد مگر آنکه آنها را از جهنم برکنار کنم و به بهشت وارد نمایم و دشمن نداشته باشد او را کسی مگر اینکه او را دشمن میدارم و او را وارد جهنم میکنم و چه بد سرانجامی است.

### ۱۰۶- خدا از علی (ع) راضی است (کنز الفوائد گراچی - سلمان از پیامبر (ص))

رسول خدا (ص) فرمود: در جنگ احد جبرئیل فرود آمد و آن در حالی بود که تمام مسلمین فرار کرده بودند و فقط علی (ع) مانده بود که عده ای از مشرکین را بدست با کفایت خود به جهنم واصل کرده بود، جبرئیل گفت: ای محمد خداوند بر تو درود میفرستد و میفرماید: به علی خبر ده که من از او راضی و خوشنودم همانا من به عظمت خود سوگند یاد کرده ام بنده ای که علی را دوست بدارد دوست بدارم و کسی که دوستش بدارم به آتش جهنم عذابش نکنم و دشمن ندارد او را کسی جز آنکه او را دشمن میدارم و هر که را دشمن بدارم برایش در بهشت بهره و نصیبی نیست.

### ۱۰۷- خدا به علی مینازد (احیاء العلوم الدین)

هنگامیکه پیامبر اسلام تصمیم گرفت مهاجرت کند برای ادای دینهای خود و تحویل دادن امانتهایی که نزد او بود علی (ع) را بجای خود قرار داد و شب هنگام که میخواست بسوی غار "ثور" برود و مشرکان اطراف خانه او را برای حمله به آن حضرت محاصره کرده بودند دستور داد علی (ع) در بستر او بخوابد، در این هنگام خداوند به جبرئیل و میکائیل وحی فرستاد که: من بین شما پیمان برادری بستم و عمر یکی از شما را طولانی تر قرار دادم کدامیک از شما حاضر است که ایثار به نفس کند و زندگی دیگری را بر خود مقدم بدارد؟ هیچکدام حاضر نشدند و هر دو زنده بودن را اختیار کردند، به آنها وحی شد: چرا مانند علی (ع) نیستید، بین او و محمد عقد برادری بستم و اکنون علی جان خویش را فدای محمد کرده است اینک به زمین روید و الا ان او را از مکر دشمنان حفظ کنید. جبرئیل و میکائیل فرود آمدند اولی در بالین و دومی در طرف پای آنجناب نشستند، جبرئیل گفت: به به، کیست مثل تو ای فرزند ابوطالب؟ خداوند به وجود تو به ملائکه مباحثات میکند.

### ۱۰۸- ازدواج علی (ع) (عیون اخبار الرضا، مناقب)

رسول خدا (ص) فرمود که فرشته ای پیش من آمد و گفت: ای محمد، همانا خدا تو را سلام میفرساند و میفرماید: من فاطمه را به ازدواج علی (ع) درآوردم، تو هم او را به علی تزویج کن، فرمان دادم درخت طوبی که یاقوت و مرجان بردارد. همانا اهل آسمان به این ازدواج شادمانند و زود باشند از علی و فاطمه (ع) دوفرزند متولد شوند که دو بزرگ و سید جوانان اهل بهشت باشند و بواسطه همین دو فرزند اهل بهشت زینت بگیرند. مژده باد بر تو ای محمد زیرا که تو بهترین اولین و آخرین هستی.



### ۱۰۹- جشن عروسی علی(ع) (عیون اخبار، امالی)

علی(ع) فرمود: من قصد تزویج فاطمه را نمودم و جرات نداشتم آنرا به پیامبر(ص) اظهار کنم تا اینکه خدمت آن حضرت رسیدم و فرمود: علی جان آیا میل زن گرفتن داری؟ گفتم رسول خدا دانتر است. با خود گفتم حتما یکی از زنان قریش را میخواد بمن بدهد و فکر آن بودم که میادا فاطمه از دستم برود بناگاه فرستاده پیامبر(ص) آمد و گفت: پیامبر(ص) را اجابت کن که ندیدیم رسول خدا را مثل امروز شاد باشد گوید شتابان آمد. تا آن حضرت چشمش بمن افتاد خندید و فرمود یا علی مژده باد تورا که آنچه من در دل داشتم از تزویج تو خدا آنرا کفایت کرد زیرا جبرئیل آمد و گفت که خدای متعال به فرشتگان امر کرد که بهشت را بیاریند و بساط جشن و عروسی برپا کنند آنگاه منادی از جانب عرش صدا زد که: امروز روز ولیمه و جشن عروسی علی بن ابی طالب (ع) است آگاه و گواه باشید که من فاطمه دختر محمد(ص) را به علی بن ابی طالب(ع) تزویج کردم و آنها را برای هم پسندیدم. ای فرشتگانم و ساکنان بهشت به علی بن ابی طالب(ع) تبریک گوید که دوست محمد(ص) است و بر فاطمه دختر محمد(ص) که من آنها را مبارک کردم آگاه باشید که من محبوبترین زنان را نزد خود به محبوبترین مردان نزد خودم پس از پیامبران و رسولان به زنی دادم. یکی از فرشتگان بنام راحیل عرض کرد خدایا بیش از آنچه که ما در بهشت دیدیم چه برکتی به آنها دادی؟ فرمود: ای راحیل از جمله برکتهای من آن است که آنها را بر محبت خود یکل کردم و بر خلق خود حجت نمودم. به عزت و جلال خود سوگند که من از آنها خلقی برآورم و نژادی پرورم که در زمین خزانه داران معادن علم من باشند و دعوت کنندگان به دینم باشند و به آنها بر خلق خود حجت آورم پس از پیامبران و رسولان.

### ۱۱۰- امتیازی برای علی(ع) (کافی)

چون پیامبر اسلام(ص) به مدینه هجرت نمود و مستقر شد مسجدی را بنا کرد. عده ای از مهاجرین از جمله علی(ع) و حمزه در گرد آن برای خود خانه هایی بنا کردند و هر یک درگاه خانه خود را به مسجد گشودند بطوری که عبور آنها از مسجد بود و آنهاهی هم که بیوا بودند و مسلمان میشدند در مسجد بسر میبردند، این وضع تازمانی ادامه داشت تا اینکه به پیامبر وحی شد که: مسجدت را پاکیزه کن و بیرون کن کسانی که در مسجد هستند و شب در آن میخوابند و به آنهاهی که درگاه به مسجد گشوده اند بفرما درهای خود را ببندند غیر از خانه علی(ع) و فاطمه(ع) و شخص جنب حق عبور و غریب حق خوابیدن در آن را ندارند.

### ۱۱۱- لوح فاطمه(ع) (عیون اخبار- مجالس - مشارق الانوارالبقیین - الانصاف - کافی)

از حضرت ابی عبد الله امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: پدرم به جابر بن عبدالله انصاری فرمود: ای جابر، مرا با تو کاری است که هر زمان برایت میسر است در مکان خلوتی راجع به آن از تو پرسش نمایم. جابر عرض کرد: در هر موقعی که شما دوست دارید حاضرم، پدرم با جابر خلوت کرد و فرمود: ای جابر، خبر ده مرا از آن لوحی که در دست مادرم فاطمه(ع) دختر رسول خدا دیدی و مرا آگاه کن از آنچه خبر داد تو را مادرم که در لوح نوشته شده بود. جابر عرض کرد: خدا را گواه میگیرم که من در زمان رسول خدا(ص) بر مادرت فاطمه(ع) وارد شدم که او را برای ولادت حسین(ع) تبریک بگویم در دست مادرت لوحی دیدم سبز رنگ گمان کردم زمرده است و در آن لوح نوشته ای دیدم سفید، شبیه و مانند نور خورشید، به مادرت عرض کردم پدر و مادرم فدایت ای دختر رسول خدا، این لوح چیست؟ فرمود: این لوح را خدا برای رسولش ارمان فرستاده، در این لوح نام پدر و نام علی(ع) و دو فرزندم و نام جانشینان از نسل من است. این لوح را پدرم برای خشنودی من بمن بخشیده است. جابر عرض کرد: مادرت فاطمه لوح را بمن داد و من خواندم و نسخه ای از آن نوشتم، فرمود: آیا ممکن است آنرا بمن نشان دهی؟ عرض کردم بلی، پدرم با جابر براه افتاد تا به منزل جابر رسیدند، جابر صحیفه ای برای پدرم بیرون آورد، پدرم فرمود:

ای جابر نوشته ات را نگاه کن تا من بر تو بخوانم، جابر به نسخه خود نگاه میکرد، پدرم برایش میخواند بطوریکه يك حرف کم و زیاد نکرد، جابر گفت: خدا را گواه میگیرم من همان طور در لوح نوشته دیدم که حضرت میخواند و آن نوشته این بود:

بسم الله الرحمن الرحيم

این نامه ایست از جانب خدوند عزیز حکیم، برای محمد(ص) پیامبر او، نور و سفیر و دربان(واسطه میان خالق و خلق) و دلیل او که روح الامین از نزد پروردگار جهان بر او نازل کرده است. ای محمد(ص) اسامی مرا بزرگ شمار و نعمتهای مرا سپاس گزار و الطاف مرا انکار مدار، همانا منم خدایی که جز من شایان پرستش نیست. منم درهم شکننده ستمگران و دولت دهنده به ستمدیدگان و کيفرکننده روز جزا، منم خدایی که جز من خدایی نیست هر که به غیر فضل من امیدوار باشد و از غیر عدالت من بترسد او را عذابی کنم که هیچ يك از جهانیان را چنان عذاب نکرده باشم. پس تنها مرا پرستش کن و تنها بر من توکل نما من هیچ پیامبری را مبعوث نکردم که روزگارش سپری شود و عمرش به پایان رسد مگر اینکه برای او وصی قرار دادم.

ای محمد(ص) من تو را بر تمام پیامبران و وصی تو را بر تمام اوصیا برتری دادم و تو را به دو شیرزاده و دو نوه ات حسن(ع) و حسین(ع) گرامی داشتم و حسن(ع) را بعد از پدرش معدن و کانون علم خود قرار دادم و حسین(ع) را خزانه دار وحی خود کردم و او را به شهادت گرامی داشتم و کارش را به سعادت ختم نمودم. او برترین شهدا است و مقامش از همه آنها عالیتر است. کلمه تامة خود را همراه او و حجت رسای خود را نزد او قرار دادم بسبب عترت او پاداش و کيفر دهم.

نخستین آنها نامش علی سرور عابدان و زینت اولیای گذشته من است و پسرش مانند جدش محمود(پسندیده) خود محمد است او شکافنده علم من و کانون حکمت من است.

آنها که درباره جعفر شك داشته باشند بزودی هلاک شوند کسیکه او را رد کند مانند کسی است که مرا رد کند این قول از جانب من است ثابت شده که جعفر را گرامی دارم و او را نسبت به پیروان و یاران و دوستانش سرور سازم.

پس از او موسی است که در زمان او آشوبی سخت و گیج کننده فرا گیرد زیرا رشته واجب بودن اطاعت من منقطع نگردد و حجت من پنهان نشود و همانا اولیای من با جامی سرشار سیراب شوند هر کس یکی از آنها را انکار کند نعمت مرا انکار کرده و هر کس يك آیه از کتاب مرا تغییر دهد بر من دروغ بسته است.

وای بر آنکه پس از سپری شدن زمان بنده و برگزیده و دوست من موسی (امامت فرزندش) علی (امام هشتم) که دوست و یاور من است را منکر شود، آن کسی که بارهای سنگین نبوت را بر دوش او گذاردم و بوسیله انجام دادن آنها امتحانش میکنم. عفریتی خودخواه و گردنکش او را میکشد و در شهری که (طوس) بنده صالح(ذوالقرنین) آنرا ساخته است کنار بدترین مخلوقم (هارون) بخاک سپرده میشود، فرمان و وعده من ثابت شده که او را بوجود پسرش و جانشین و وارث علمش محمد مسرور سازم او کانون علم من و محل راز من و حجت من بر خلقم میباشد.

هر بنده ای به او ایمان آورد بهشت را جایگاهش سازم و شفاعت او را نسبت به هفتاد تن از خاندانش که همگی سزاوار دوزخ باشند بپذیرم و عاقبت کار پسرش علی را که دوست و یاور من و گواه در میان مخلوق من و امین وحی من است به سعادت منجر میسازم. از او بوجود می آورم دعوت کننده بسوی راهم و خزانه دار علم حسن (امام حسن عسکری(ع)) را و این رشته را بوجود پسر او "م ح م د" که رحمت برای جهانیان است کامل کنم او کمال موسی و رونق عیسی و صبر ایوب را دارد. در زمان (غیبت) او دوستانم خوار گردند و (ستمگران) سرهای آنها را برای یکدیگر هدیه می فرستند چنانچه سرهای ترک و دیلم (کفار) را به هدیه می فرستند، ایشان را بکشند و بسوزانند و آنها ترسان و بیمناک و هراسان باشند. زمین از خونشان رنگین گردد، ناله و وایلا در میان زنانشان بلند شود آنها دوستان حقیقی منند، بوسیله آنها هر آشوب سخت و تاریک را بزدایم و از برکت آنها شبها و مصیبتها و زنجیرها را بردارم. درودها و رحمت پروردگارش بر آنها باد و تنها ایشان هدایت شدگان هستند.

#### ۱۱۲- گنجینه های علم الهی (بصائر الدرجات - کافی)

خداوند تعالی میفرماید: حجت من بر اشیای امت تو کامل و تمام است. آنها که ولایت علی(ع) را ترک گفته و با دشمنانش دوستی نموده و فضیلت او و اوصیای بعد از او را انکار کردند. زیرا فضیلت تو فضیلت ایشان است و اطاعت تو اطاعت ایشان و حق تو حق ایشان و نافرمانی تو نافرمانی ایشان و آنها باند امامان راهبر بعد از تو، روح تو در کالبد ایشان است و روح تو همان است که از طرف پروردگار در تو دمیده شده و ایشان عترت تو میباشند و از طینت و گوشت و خون تو سرشته اند. خدای عزوجل سنت و روش تو و پیامبران پیش از تو را در ایشان جاری داشته و ایشان پس از تو خزانه دار علم من هستند اینها حقی است بر من، ایشان را برگزیدم و انتخاب کردم و پاک ساختم و پسندیدم. هرکه ایشان را دوست دارد و از آنها پیروی کند و فضیلت آنها را معترف باشد نجات یافته است. سپس پیامبر(ص) فرمود: همانا جبرئیل(ع) نام ایشان و نام پدرانشان و دوستانشان و معترفین به فضیلت ایشان را برای من آورده است.

#### ۱۱۳- بوسیله قائم(ع) زمین را آباد کنم (امالی)

رسول خدا(ص) فرمود: هنگامیکه مرا به آسمان هفتم بردند و از آنجا به سدره المنتهی رساندند و از آنجا تا حجابهای نور، پروردگارم جل جلاله مرا ندا کرد: ای محمد(ص) تو بنده منی و من پروردگار تو هستم، برای من تواضع کن و تنها مرا پرستش کن و بر من توکل نما و به من اعتماد کن که من تو را به بندگی پسندیدم و حبیب و رسول و پیامبر خود ساختم و برادرت علی(ع) را بعنوان در و خلیفه پسند کردم. اوست حجت من بر بندگانم، امام و پیشوای خلقم، بوسیله او دوستانم از دشمنانم شناخته شوند و بوسیله او حزب شیطان از حزب من جدا شود و بوسیله او دینم برپا گردد و حدودم حفظ شود و احکامم اجرا گردد و به تو و به او و امامان از فرزندانم به بندگان و کنیزانم رحم کنم و به قائم از شما زمین را به تسبیح و تهلیل و تقدیس و تکبیر و تمجید آباد سازم و بوسیله او زمین را از دشمنان خود پاک کنم و به دوستانم ارث دهم و به او کلمه کافران به خودم را پست سازم و کلمه خود را برافرازم و به او بندگانم و بلامم را زنده کنم و گنجها و ذخایر آنها را به خواست خود عیان کنم. او را بر اسرار و درونها به اراده خود مطلع سازم و بوسیله فرشتگان خود او را یاری دهم تا او را برای اجرای امر من و اعلام دینم تایید کنند، او به حق سرپرست بندگانم و به راستی رهبر بندگانم است.

#### ۱۱۴- نامه وصیت و برنامه امامان(ع) (امالی - مجالس - کافی)

امام صادق(ع) فرمود: امر وصیت از آسمان در مکتوبی بر محمد(ص) فرود آمد و مکتوب سر به مهر جز راجع به وصیت بر محمد(ص) نازل نگشت، جبرئیل(ص) عرض کرد: ای محمد(ص) اینست وصیت تو درباره امتت نزد اهل بیت، رسول خدا(ص) فرمود: ای جبرئیل(ع) کدام اهل بیتم؟ گفت برگزیده خدا از میان ایشان و ذریه او (علی و اولادش(ع)) و این وصیت برای این است که علی(ع) علم نبوت را از تو ارث ببرد چنانکه ابراهیم(ع) به ارث داد و میراث این علم برای علی(ع) و ذریه تو از پشت اوست. آنگاه امام صادق(ع) فرمود: مکتوب و نامه ای که از آسمان فرود آمده بود چند مهر داشت. علی(ع) مهر اول را گشود و به آنچه در آن بود عمل کرد سپس امام حسن(ع) مهر دوم را گشود و به آنچه در آن مامور شده بود عمل کرد. چون امام حسن(ع) به شهادت رسید و درگذشت امام حسین(ع) مهر سوم را گشود دید در آن نوشته است جنگ کن و بکش و کشته میشود و مردمی را برای شهادت با خود ببر، برای ایشان شهادتی جز همراه تو نیست و خود را به خدای عزوجل بفروش.

او هم عمل کرد و چون خواست درگذرد پیش از آن نامه را به حضرت علی بن الحسین امام چهارم(ع) داد، آن حضرت مهر چهارم را گشود و دید در آن نوشته است: سر بزیر انداز و خاموشی گزین و در خانه ات بنشین و پروردگارت را عبادت کن تا مرگت فرا رسد. آن حضرت هم به وظیفه خود عمل کرد و چون خواست وفات کند و درگذرد آنرا به محمد بن علی امام پنجم(ع) داد آن حضرت مهر پنجم را گشود دید در آن نوشته است: کتاب خدا را تفسیر کن و برای مردم حدیث بگو و فتوی بده و پدرت را تصدیق کن و ارث امامت را به پسر تری بده و امت را نیکو تربیت کن و به حق خدای عزوجل قیام کن و در حال ترس و امنیت حق را بگو و جز از خدا نترس، هیچکس علیه تو راهی نیابد. آن حضرت هم عمل کرد سپس آنرا به پسرش امام جعفر صادق(ع) داد او هم یگ مهر گشود دید در آن نوشته است: مردم را حدیث بگو و فتوا بده و علوم اهل بیت خود را منتشر کن و پدران نیکو کارت را تصدیق نما و جز از خدای عزوجل نترس که تو در پناه و امانی.

او هم عمل کرد سپس آنرا به پسرش موسی بن جعفر (ع) داد همچنین موسی بن جعفر (ع) آنرا به امام بعد از خود میدهد و تا قیام حضرت مهدی (ع) اینچنین است.

#### ۱۱۵- گفتار خدا برای امام (ع) (محاسن - کافی)

از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود: زمانیکه امام از شکم مادرش فرود آید و به دنیا قدم گذارد دستهایش را بر زمین میگذارد و سرش را به آسمان بلند میکند. اما دست بر زمین گذاردنش رمز این است که هر عملی را که خدا از آسمان به زمین بفرستد او دریافت کند و اما سر به آسمان برداشتنش برای این است که ندا دهنده ای از درون عرش از جانب پروردگار عزت و از افق اعلیٰ او را بنام خود و نام پدرش صدا میزند و میگوید: ای فلان بن فلان! استوار باش تا استوار بمانی، برای عظمت خلقت تو برگزیده از میان خلق منی و محل راز و صندوق علم و امین وحی و خلیفه وحی و خلیفه روی زمین من هستی. برای تو و هرکه از تو پیروی کند رحمت را واجب کردم و بهشت را بخشیدم و در جوار خود درآوردم. به عزت و جلالم سوگند هرکه با تو دشمنی کند با عذاب سختم او را بسوزانم اگرچه در دنیا از رحمت و اسعه ام او را بهره مند کرده باشم.

#### ۱۱۶- اطاعت از پیامبر و علی (ع) (امالی - کافی، امام صادق (ع))

خدای تعالی به محمد (ص) وحی کرد که: ای محمد (ص) من تو را آفریدم در حالیکه هیچ نبودی و از روح خود در تو دمیدم برای شرافتی که از خود نسبت به تو قائل شدم زمانیکه اطاعت تو را بر همه واجب ساختم پس هرکه تو را فرمان برد مرا فرمان برده و هرکه تو را نافرمانی کند مرا نافرمانی کرده است و آن اطاعت را نیز درباره علی (ع) و نسلش (ع)، آنهاپی را که به خود مخصوص نمودم واجب ساختم.

#### ۱۱۷- اطاعت رهبر راستین (عقاب الاعمال، پیامبر (ص))

خدای تعالی فرماید: بدون تردید عذاب خواهد کرد هر پیروی را در امت اسلام که اطاعت و پیروی کند از رهبر مستبدی که از جانب خداوند تعیین نشده است اگرچه آن پیرو در کردار و رفتارش نیکو کار باشد و بدون تردید خواهد گذشت از هر پیروی که در اسلام مطیع امام و پیشوای حق و معین شده از جانب خدا باشد هر چند آن پیرو در کارهای خود ستمکار و گناهکار باشد.

#### ۱۱۸- بجز قاتل حسین (ع) (عیون اخبار رضا)

همانا موسی بن عمران (ع) از پروردگارش خواست و عرض کرد: پروردگارا، برادرم هارون مرده او را بیامرزد، خدای تعالی به موسی (ع) وحی فرستاد که: ای موسی تو اگر برای اولین و آخرین طلب آمرزش میکردی از تو میپذیرفتم جز قاتل حسین بن علی (ع)، همانا من از قاتل او انتقام میگیرم.

#### ۱۱۹- رافضی (محاسن - کافی)

امام جعفر صادق (ع) در ضمن روایتی به ابوبصیر فرمودند: ای ابا محمد (کنیه ابوبصیر) آیا نمیدانی که هفتاد مرد از بنی اسرائیل فرعون و قومش را ترک نمودند. چون گمراهی آنان برایشان روشن شد و به موسی (ع) پیوستند زیرا برای آنها روشن شد که در راه هدایتند و آنها را در میان لشکر موسی رافضی نامیدند زیرا فرعون را رفض و ترک کردند. خدا به موسی وحی کرد که: این نام را در تورات برای آنان ثبت کن زیرا من آنها را به این نام نامیدم و آنها به آنها بخشیدم. موسی آنرا برای آنها ثبت کرد و خدای عزوجل آن نام را ذخیره کرد تا به شما بخشید ای ابا محمد.

## معارف دینی

### ۱۲۰- کسی که در اسلام پیر شود (ارشاد القلوب)

خدای تعالی فرماید: به عزت و جلال سوگند من حیا میکنم از مرد و زنی که در اسلام پیر شده اند از اینکه آنها را عذاب کنم.

### ۱۲۱- ایمان هدیه خداست (مجالس، حضرت سجاد(ع))

خداوند تعالی فرماید: نیکی و خیر هدیه ای است از طرف من برای بنده با ایمان، اگر آنرا بپذیرد به عنایت پذیرفته و اگر قبول نکند عامل محرومیتش گناه خود او بوده و این منع قبول خیر از طرف اوست نه من. هرگاه بنده ای بیافرینم سپس او را به راه راست راهنمایی کنم و خلش را نیکو گردانم و او را از بخل دور نمایم بی تردید برای او خیر مطلق را خواسته ام.

### ۱۲۲- کسی که در قلبش ایمان باشد (ارشاد القلوب)

خداوند با عزت و جلال در روز قیامت میفرماید: از آتش بیرون شود هر کس که به اندازه دانه ای از خردل ایمان در دلش باشد و به عزت و جلال سوگند که قرار نخواهم داد ساعتی از شب و یا روز کسی را که به من ایمان آورده باشد با کسی که ایمان نیاورده است.

### ۱۲۳- خدانشناسی (ارشاد القلوب)

خدای تعالی میفرماید: بنده من هرگاه مرا شناختی و عبادت کردی و به من امیدوار بودی و کسی را با من شریک نساختی تو را می آمرزم اگر چه گناهت دنیا را پر کرده باشد. من هم دنیا را برای تو پر از آموزش میکنم و از کسی هم باگ ندارم.

### ۱۲۴- برای بندگان شایسته ام (تفسیر صغیر طبرسی - اسرار الصلاه شهید ثانی)

خداوند می فرماید: برای بندگان صالح و نیکوکارم هدایایی تهیه دیده ام که هرگز چشمی آنها ندیده و گوشی آنها نشنیده و بر قلب بشری خطور نکرده است.

### ۱۲۵- قرار ندهم دو ترس برای بنده ام (ارشاد القلوب - منیه المرید)

خدای تعالی میفرماید: سوگند به عزت و جلال خودم جمع نخواهم کرد برای بنده ام بین دو ترس و دو امان. هرگاه در دنیا از من بترسد او را در آخرت امان دهم و هرگاه در دنیا از من ایمن باشد در آخرت او را بترسانم. خداوند به داوود (ع) وحی فرمود که: از من بترس همچنانکه از حیوان درنده ضرر زننده میترسی.

### ۱۲۶- من حیا میکنم تو نمیکنی؟ (ارشاد القلوب - منیه المرید)

خدای تعالی در قسمتی از کتابهایش فرموده: بنده من نسبت به من با انصاف رفتار نمی نماید زیرا مرا میخواند و دعا میکند و من شرم دارم که او را رد کنم و دعایش را مستجاب نکنم ولیکن او از من شرم نمیکند و مرا نافرمانی میکند.

### ۱۲۷- همت بلند يك زن (من لا یحضره الفقیه - کافی)

خداوند به موسی(ع) وحی کرد تا استخوانهای یوسف(ع) را از مصر با خود ببرد پیش از آنکه از آنجا به سرزمین مقدس شام بیرون شود. موسی(ع) از محل دفن یوسف(ع) پرسید کسی بلد نبود جز پیر زالی که گفت: من نشان ندهم و تو را راهنمایی نکنم مگر اینکه هر پاداشی که بخواهم بمن بدهی. خداوند به موسی(ع) وحی فرمود: که بر تو گران نباشد که خواسته او را بپذیری و اینکه هرچه خودش خواست به او بدهی. موسی(ع) گفت: بسیار خوب هرچه خودت بخواهی بتو میدهم. پیر زال گفت: خواسته من این است که من در بهشت با تو هم درجه باشم.

### ۱۲۸- امتحان خدایی (محاسن، امام باقر(ع))

چون موسی(ع) برای مناجات به کوه طور رفت و مدت چهل روز از قومش دور بود هنگام مراجعت به میان قوم خود دید که سامری با ساختن گوساله ای که صدا می کرد عده ای را گمراه کرده و از راه منحرف ساخته است. موسی(ع) عرض کرد پروردگارا گوساله از سامری است صدا از کیست؟ خداوند به موسی(ع) وحی فرستاد که: ای موسی این آزمایش است از جانب من و در این باره کنجکاو نباش و تفحص نکن.

### ۱۲۹- مقدم داشتن خواسته خدا (کافی، رسول خدا(ص))

خداوند با عزت و جلال میفرماید: سوگند به عزت و جلال و بزرگی و بلندی مقام و عظمت که اختیار نمیکند بنده من هوای نفس و خواسته خود را بر خواسته من مگر اینکه او را در کارش سرگردان کنم و دنیا را از او برگردانم و دلش را به دنیا سرگرم کنم و به او جز قوت لایموت چیزی ندهم. و سوگند به عزت و جلال و بلندی مقام و نور و عظمت که اختیار نمیکند بنده خواسته مرا بر خواسته خودش مگر اینکه فرمان دهم که فرشتگان او را نهبانی کنند و زمین و آسمان ضامن روزی او شوند و من برای او در مقابل تجارت هر تاجری قرار میگیرم که دنیا را به او برسانم در حالتیکه دنیا بر او خشمگین است.

### ۱۳۰- نشانه رضایت من (بحار الانوار - مجلسی)

موسی(ع) عرضه داشت که خداوند نشانه خشنودی تو از بنده ات چیست، خداوند به او وحی فرستاد: هرگاه دیدی که بنده ام را برای اطاعتم مهیا کرده ام و او را از معصیت باز داشته ام این خود نشانه رضایت و خشنودی من است و هرگاه دیدی که خودت مساکین را دوست داری و با جباران و ستمگران دشمن هستی این نیز نشانه رضایت من است.

### ۱۳۱- پیامبر را خدمتگزاری میگردانم (علل الشرایع - صدوق، پیامبر(ص))

روایت شده که حضرت شعیب(ع) بواسطه محبت و شوق دوستی با خدا آنقدر گریست که دیدگانش نابینا شد. خداوند چشمش را به او برگرداند باز گریه کرد تا دیدگانش کور شد تا سه مرتبه خداوند باز چشم او را برگرداند در مرتبه چهارم وحی الهی رسید که: ای شعیب تا کی گریه میکنی و مقصود تو از این گریه چیست؟ اگر گریه تو از خوف جهنم است من تو را از آن ایمن گردانیدم و اگر بخاطر بهشت است که من آن را بر تو مباح کرده و بخشیدم. عرض کرد الهی و سیدی تو میدانی که گریه من برای ترس از جهنم و شوق بهشت نیست بلکه دل من به محبت تو بسته شده و گریه محبت و دوستی است که چشم مرا نابینا کرده، وحی رسید: حال که گریه تو از این راه است بزودی پیامبر و کلیم خود موسی بن عمران(ع) را به خدمتکاری تو بفرستیم که تا ده سال خدمت و شبانی کند.

### ۱۳۲- مرا بندگی کنید (عده الداعی، علی(ع))

خدای متعال از بالای عرش فرمود که: ای بندگان من مرا عبادت کنید در آنچه شما را به آن امر کرده ام و مرا تعلیم نکنید به آنچه که صلاح شما است زیرا من داناتریم به آن چیز و درباره مصالح شما بخل نمی ورزم.

### ۱۳۳- کسی که مرا اطاعت کند (امالی - من لایحضر، صدوق)

خدای تعالی میفرماید: بنده ای که مرا اطاعت کند او را به غیر خود واگذار نکنم و هر بنده ای که مرا نافرمانی کند او را به خودش وا میگذارم و اهمیت نمیدهم که در کدام وادی هلاک شود.

### ۱۳۴- سزاوار است قبول کنم (عده الداعی، امام باقر(ع))

خدای تعالی به داوود (ع) وحی فرستاد که: به قوم خود برسان که نیست بنده ای از ایشان که امر به اطاعت کرده باشم و او اطاعت کرده باشد جز اینکه سزاوار است سخن او را قبول کنم و او را به اطاعت خود کمک نمایم و اگر چیزی از من بطلبد به او عطا کنم و اگر مرا بخواند دعای او را اجابت نمایم و اگر به من متوسل شود او را ننگه دارم و اگر از من طلب کفایت کند مهمات او را کفایت کنم و اگر به من توکل نماید او را در ورای عورتش ننگه دارم (یعنی او را از نظر دشمنان پنهان سازم همچنانکه عورت او مخفی است) و اگر تمام خلق با او مکر کنند نزد او خواهم بود. ای داوود نیست بنده ای از بندگان من که اطاعت کند جز اینکه عطا میکنم به او پیش از آنکه از من بپرسد و اجابت میکنم قول او را پیش از آنکه مرا بخواند.

### ۱۳۵- مهمانان من (ارشادالقلوب - عده الداعی - اعلام الدین، دیلمی)

خدای تعالی میفرماید: فرمانبرداران و سپاسگزاران من مهمانان و دیدارکنندگان من هستند. اهل ذکر و کسانی که مرا یاد میکنند در نعمت من هستند و گنهکاران را از رحمت خود نا امید گردانم. اگر از گناه توبه کنند دوست آنها منم و اگر بیمار شوند دکتر آنها منم، آنان را بوسیله سختیها و مصیبتها درمان میکنم تا ایشان را از گناهان و عیبها پاکیزه کنم.

### ۱۳۶- ایشان را اطاعت کنم (مشارق انوارالبیقین)

در حدیث قدسی وارد شده که: خداوند بندگان دارد که اطاعتش کنند در هر چه بخواهد و خداوند هم اطاعت کند ایشان را در آنچه اراده کنند تا جائیکه به چیزی میگویند باش پس بوجود می آید.

### ۱۳۷- هرگاه اطاعت شوم (کافی، امام رضا(ع))

خداوند به یکی از پیامبران وحی فرمود: که هرگاه اطاعت شوم راضی گردم و چون راضی شوم برکت دهم و برکت من بی پایان است و هرگاه نافرمانی شوم خشم گیرم و چون خشم گیرم لعنت و نفرین کنم و لعنت من تا هفت پشت برسد.

### ۱۳۸- ۱۳۷

خدای عزوجل میفرماید: ای فرزند آدم از آنچه بر تو حرام شده اجتناب کن تا با ورع ترین مردم باشی.

### ۱۳۸- اینها اولیاء منند (عده الداعی، ابن فهد حلی)

خدای سبحان میفرماید: هرگاه بدانم که غالب است بر بنده من ذکر من، علاقه او را نسبت به ذکر و سؤال و مناجات با خودم زیاد میگردانم و هرگاه بنده من چنین باشد و بخواهد به سهو و اشتباه بیفتد بین او و سهو حایل شوم و نگذارم اشتباه کند، اینان دوستان حقیقی منند، اینان مردان واقعی و قهرمانند، اینها آن کسانی اند که هرگاه اراده کردم که هلاک گردانم اهل زمین را به تعویق می اندازم این اراده را از ایشان بخاطر این قهرمانان و مردان خدا.

### ۱۳۹- تا تو را مثل خود قرار دهم (عده الداعی - مشارق انوارالبیقین - ارشادالقلوب)

در حدیث قدسی آمده است که پروردگار علی اعلی میفرماید: بنده من، پرستش کن مرا تا تو را مثل خود قرار دهم. منم زنده ای که هرگز نمی میرم، قرار میدهم تو را زنده که نمیری و من توانگری هستم که فقیر نمیشوم، تو را توانگری گردانم که فقیر نشوی. من هرگاه چیزی بخواهم بوجود آید و تو را چنین کنم که هرگاه هر چه بخواهی ایجاد شود.

#### ۱۴۰- اگر معصیت کند (عقاب الاعمال - محاسن - کافی، امام صادق(ع))

خداوند یکی از پیامبرانش را بسوی قومش فرستاد و به او وحی فرمود که به قومت بگو: اگر کسی یا قومی در اطاعت من باشند و به آنها ناخوشی برسد و آنان در اثر این موضوع از اطاعت به معصیت روند، آنها را از آنچه دوست دارند به آنچه که دوست نمی‌دارند منتقل می‌کنم و اگر قومی یا خانواده ای در نافرمانی من باشند و به آنها سختی برسد و در اثر این موضوع از معصیت به اطاعت بروند، آنها را از آنچه دوست ندارند به آنچه دوست دارند منتقل می‌کنم و به آنها بگو رحمت قبل از خشم و غضب من است پس از رحمت نا امید نباشید زیرا گناهی را که می‌آمزم نزد من بزرگ نمی‌نماید و به آنها بگو با عناد و لجبازی در معرض خشم من نیایند و دوستانم را سبک‌شمارند زیرا هنگام خشم هیبت‌هایی دارم که چیزی تاب مقاومت آنها را ندارد.

#### ۱۴۱- ایمنی از دگرگونی (کافی)

در تورات نوشته است: کسی که به تو نعمت داد سپاسگزارش باش و به کسی که از تو سپاسگزاری کرد نعمت بده زیرا با سپاسگزاری نعمتها نابود نگردد و با ناسپاسی پایدار نماند، سپاسگزاری مایه افزایش نعمت گردد و ایمنی از تغییر آن است.

#### ۱۴۲- چگونه سپاس تو را گویم (ارشاد القلوب، دیلمی)

خدای عزوجل به موسی(ع) وحی فرمود: ای موسی مرا چنانکه سزاوار است شکر گذار. موسی عرض کرد: پروردگار تو را چگونه چنانکه سزاوار است شکر گذارم در صورتیکه هر شکری که تو را بنمایم آنهم نعمتی است که تو به من داده‌ای؟ فرمود: ای موسی، اکنون که دانستی آن شکر گذاریت هم از من است حق شکر مرا بجا آوردی انطور که سزاوار من است.

#### ۱۴۳- سپاسگزاری حضرت آدم(ع) (ارشاد القلوب، دیلمی)

حضرت داوود (ع) در ضمن راز و نیاز با خداوند عرض کرد: پروردگارا آدم را به دست قدرت آفریدی و او را پدر همه پیامبران و اولیای خود قرار دادی و فرشتگان را فرمان دادی که او را سجده کنند، او چگونه حق سپاسگزاری و شکر را بجا آورد خطاب رسید: که آدم اقرار و اعتراف کرد که تمام اینها از طرف من است و همان اقرار آدم به اینها حق شکر مرا انجام داد.

#### ۱۴۴- کم سپاس (ارشاد القلوب، دیلمی)

خدای تعالی به حضرت موسی وحی فرستاد و فرمود که: ای موسی من رحم می‌کنم بر بندگان مریض و سالم خود موسی عرض کرد: خدا یا فهمیدم که گرفتاران را به واسطه گرفتاریشان رحم می‌فرمایی اما به آنانکه مبتلا به بلایی نیستند چرا ترحم می‌فرمایی؟ فرمود "لقه شکره" زیرا آنها کسانی هستند که کمتر از شاکرین مرا شکر میکنند.

#### ۱۴۵- بیاد من باشید (عده الداعی)

خدای تعالی می‌فرماید: مرا یاد کنید تا شما را به نعمت دادن یاد کنم، مرا به اطاعت و بندگی یاد کنید تا شما را به نعمتها و احسان و رحمت خود یاد کنم.

#### ۱۴۶- یاد من در حالی جایز است (کافی، توحید، تهذیب)

حضرت موسی(ع) از پروردگار پرسید و گفت: بار الها گاهی مجلسی برای من پیش می‌آید که من تو را عزیزتر و والاتر میدانم از اینکه در آن جا تو را یاد کنم و نامت را ببرم، خداوند فرمود: ای موسی یاد کردن من در هر حالی خوب است.

#### ۱۴۷- بواسطه ایشان بلا را دفع کنم (کافی، محاسن - امام صادق(ع))

در توراتی که تغییر و تحریف در آن نشده نوشته شده است که موسی از خداوند پرسش کرد: پروردگارا آیا تو به من نزدیکی تا با تو آهسته راز گویم یا از من دوری تا بلند صحبت کنم؟ خداوند عزوجل به او وحی فرمود: ای موسی من همنشین آن کسی هستم که مرا یاد کند. موسی (ع) عرض کرد: کیست که در پناه تو است روزی که پناهی جز پناه تو نیست؟ فرمود: آنانکه مرا یاد کنند پس من نیز آنها را یاد کنم و بخاطر خشنودی من با هم دوستی نمایند، پس من نیز آنها را دوست دارم. اینها هستند که چون بخواهم به اهل زمین بلا و بدی برسانم پادشان کنم و بخاطر آنها آن بلا را از اهل زمین دفع کنم.

#### ۱۴۸- کسی که مرا در نماند یاد کند (کافی، محاسن - امام صادق(ع))

خدای تعالی می‌فرماید: هر کس به سبب ذکر من از درخواست خود باز بماند (به طوری که حاجت خود را فراموش کند) به او بهتر از آن کس که از من درخواست میکند میدهم و هر که مرا پنهانی یاد کند من او را آشکارا یاد کنم.

#### ۱۴۹- او را در میان فرشتگان ذکر کنم (کافی - امام صادق(ع))

خدای تعالی می‌فرماید: هر کس در میان گروهی از مردم مرا ذکر کند من او را در میان گروهی از فرشتگان ذکر کنم خدای عزوجل فرماید: من تا موقعیکه بنده ام مرا ذکر میکند و لبان او به ذکر من حرکت مینماید با او هستم.

#### ۱۵۰- مجالس ذکر خدا (ارشاد قلوب، عده الداعی)

رسول خدا(ص) فرمود: همانا فرشتگان بر مجالس ذکر خدا میگذرند و بر فراز سر آنان می ایستند، بواسطه گریه آنها گریه میکنند و بر دعای آنها آمین میگویند و هرگاه فرشتگان به آسمان پرواز میکنند خدای تعالی میفرماید: فرشتگان من کجا بودید؟ با اینکه خدا دانا است که در کجا بودند، پس عرض میکنند: پروردگارا تو داناتری که ما در مجلسی از مجالس ذکر حاضر شدیم، پس آنان را دیدیم که تو را تسبیح و تقدیس میکنند و نیز از تو طلب آموزش میکنند، از آتش تو میترسند و امیدوار پاداش تو هستند. سپس خدای تعالی میفرماید: شما را گواه میگیرم که همانا من ایشان را آمرزیدم و از آتش دوزخ امان دادم و برای آنها بهشت را واجب کردم. سپس میگویند پروردگارا همانا تو میدانی که در میان این گروه کسانی باشند که ذکر تو را نگفته اند، پس خدای سبحان میفرماید: برآستی که آنها را آمرزیدم بواسطه همنشینی آنها با اهل ذکر من زیرا که همنشین ذاکرین بدبخت نمیشود.

#### ۱۵۱- مرا در شادی ذکر کن (بحار الانوار - امام صادق(ع))

پروردگار متعال به داوود (ع) وحی فرمود: ای داوود مرا در ایام شادی و نعمت ذکر کن تا دعای تو را در ایام بلا و گرفتاری اجابت کنم.

#### ۱۵۲- به ستمگران بگو (بحار الانوار، امام صادق(ع))

حق تعالی به داوود (ع) وحی نمود: به ستمکاران بگو که مرا با آن حالی که دارند ذکر نکنند زیرا هر بنده ای که مرا ذکر کند من او را ذکر میکنم و چون ایشان را ذکر کنم بر آنها لعنت میفرستم.

#### ۱۵۳- همنشین او هستم (عده الداعی)

در بعضی از احادیث قدسی وارد شده: هر بنده ای را که بر قلب او مطلع شوم و ببینم که مشغول ذکر من است سیاست خود را از او باز گرفته، همدم و همنشین او میشوم.

#### ۱۵۴- هر ساعتی که مرا ذکر کنی (ارشاد القلوب)

پیامبر اسلام(ص) میفرماید: جبرئیل(ع) بر من فرود آمد و گفت ای محمد(ص) پروردگارت تو را سلام میرساند و میفرماید هر ساعتی که مرا در آن ذکر کنی، آن ساعت در پیشگاه من برای تو اندوخته است و هر ساعتی که با ذکر من نباشی همان ساعت از عمر تو ضایع و تباه شده است.

#### ۱۵۵- مردم را دوست من کن (مجالس، تفسیر عسکری، منیه المرید)

حق تعالی به حضرت موسی(ع) وحی فرمود: ای موسی مرا دوست مدار و مردم را با من دوست کن و مرا دوست ایشان گردان. موسی(ع) عرض کرد: خداوند چه کنم که ایشان چنین شوند؟ خداوند فرمود: نعمتها و بلاهای مرا به پادشاهان بیاور تا مرا دوست بدارند زیرا ایشان انکار نمیکنند نعمتهای مرا و هر خوبی را از جانب من میدانند و اگر بنده گریخته ای از درگاهم و گمشده ای از ساحت عزتم را به من بازگردانی از عبادت یک سال که روزهایش روزه و شبهایش را به عبادت قیام کرده باشی برایت بهتر است. حضرت موسی(ع) عرض کرد: آن بنده گریخته درگاه تو کدام است؟ فرمود: آن کسیکه به امام زمان و شریعت دین خود جاهل باشد.

#### ۱۵۶- اولیای خدا (عده الداعی)

هنگامیکه خداوند موسی(ع) و هارون(ع) را نزد فرعون فرستاد به ایشان فرمود: لباس (شاهی) او شما را نترساند زیرا زمام او بدست من است و از آنچه که فرعون از متاع دنیا بهره ور شده تعجب نکنید، زیرا اگر میخواستم، شما را به زینتی مزین میکردم که اگر فرعون ببیند یقین کند که از داشتن مثل آن عاجز است ولی من این وضع را برای شما می پسندم که شما را از دنیا دور کرده ام، همچنانکه این کار را برای دوستان خود میکنم و ایشان را از نعمتهای دنیا دور میکنم. همانطور که شبان دلسوز، گوسفندان را از چراگاه خطرناک دور میکند، من نیز دوستان خود را دور میگردانم از اینکه بدنبال دنیا برونند، همچنانکه شبان مهربان، شتر خود را از موضعی که گمان هلاک باشد دور میگرداند. و این بواسطه خواری ایشان در نزد من نیست، بلکه به جهت آن است که بهره ونصیب سالم و تمام در آخرت به ایشان برسد و اولیای من باید برای من زینت نمایند، و زینت آنها به ذلت و خشوع و ترسی است که در قلب آنها باشد، و این ترس از دل به بدنهای ایشان سرایت کند و ظا هر گردد، و این روش شعار آنان است و نجات ایشان که به آن رستگار میشوند، و درجات ایشان است که با آن امیدوارند، و بزرگی ایشان است که به آن افتخار میکنند، و چهره ایشان است که با آن شناخته میشوند. ای موسی هرگاه ایشان را ملاقات نمودی بال تواضع خود را برای ایشان بگستران و جانب خود را برای ایشان نرم ساز، و خوارساز برای ایشان دل و زبان خود را و بدان هر که دوست مرا بترساند به مبارزه با من برخاسته است و من برای ایشان در روز قیامت انتقام می گیرم.

### ۱۵۷- بدعت گذار (محاسن، عقاب الاعقاب)

مردی در زمانهای گذشته زندگی میکرد و میخواست که دنیا را از راه حلال بدست آورد و ثروتی فراهم نماید ولی نتوانست تا اینکه از راه حرام سعی کرد باز هم نتوانست. شیطان برایش مجسم شد و گفت: از راه حلال خواستی ثروتی فراهم کنی نشد و از راه حرام هم نتوانستی، اینک مایلی من به تو راهی بیاموزم که به خواسته های خود موفق شوی؟ گفت: آری مایلم. شیطان گفت: از خودت روش و دینی اختراع کن و مردم را بسوی روش و دین اختراعی دعوت نما. به دستور شیطان رفتار کرد، مردم گردش را گرفته و از او پیروی کردند و او به آنچه از ثروت دنیا مایل بود رسید. روزی ناگاه متوجه شد چه کار ناشایستی کردم که مردم را گمراه نمودم، خیال نمیکنم توبه ای داشته باشد مگر اشخاصی را که بواسطه من گمراه شده اند متوجه کنم که آنچه از من شنیده اند باطل و ساخته شده خودم بود، آنها را برگردانم شاید توبه ام پذیرفته شود. به پیراون خود گفت آنچه من میگفتم باطل بود و اساس و پایه ای نداشت، آنها جواب دادند دروغ میگویی گفتار سابق تو حق بود، تو خود گمراه شده ای. این جواب را که از آنها شنید غل و زنجیری تهیه نمود و به گردن خود آویخت گفت: باز نمیکنم تا خدا توبه ام را بپذیرد. خداوند به پیامبر آن زمان وحی نمود که: به فلانی بگو قسم به عزت و جلالم اگر آنقدر مرا بخوانی و ناله نمایی که بند بندت از هم جدا شود دعايت را مستجاب نمیکنم مگر کسانی که به دین دروغی تو مرده اند و گمراه کرده بودی به حقیقت کار خود اطلاع دهی و از کیش تو برگردند.

### ۱۵۸- یاد بگیر و یاد بده (ارشاد القلوب، کافی)

خدای تعالی به موسی(ع) وحی فرمود که نیکی را یاد بگیر و به کسی که نمیداند یاد بده، برآستی که من قیر یاد دهنده و یاد گیرنده را روشن میکنم تا در قبرشان وحشت نکنند.

### ۱۵۹- مذاکره علم (ارشاد القلوب، کافی)

همانا خداوند میفرماید: مذاکره علم بین بندگان من از چیزهایی است که زنده میکند دلهای مرده را زیرا ایشان بسوی اطاعت من برمیگردند.

### ۱۶۰- خواستم پیامرم (منیه المرید)

خداوند عروج در روز قیامت به علما میفرماید که من قرار ندادم علم و حلم خود را در وجود شما مگر آنکه میخواستم شما را پیامرم به سبب آنچه که در شما هست و هیچ باکی ندارم.

### ۱۶۱- عالمان شفاعت کنند (ارشاد القلوب)

هرگاه قیامت شود خداوند عالمان را گرد آورد، سپس به ایشان میفرماید: بندگان من، امروز من به شما خیر فراوان عنایت میکنم زیرا که شما در راه من رنج و مصیبت زیاد کشیدید و مردم به سبب شما مرا عبادت کردند. مژده باد شما را که دوستان من هستید و شما بهترین آفریدگان بعد از پیامبران میباشید. مژده باد که گناهان شما را آمرزیدم و اعمال شما را پذیرفتم و برای شما در میان مردم شفاعتی است مانند شفاعت پیامبران و همانا من از شما خوشنودم و رازهای شما را آشکار نکنم و در این روز شما را رسوا نکنم.

### ۱۶۲- فضیلت عالمان (منیه المرید)

خدای تعالی به عیسی بن مریم(ع) میفرماید: عالمان را بزرگ بدار و به برتری آنها معترف باش زیرا برتری دادم ایشان را بر تمام خلق خود بجز پیامبران و فرستادگان مانند برتری خورشید بر ستارگان و مثل برتری آخرت بر دنیا و مثل برتری خودم بر تمام موجودات.

### ۱۶۳- مجالست با عالمان (امالی)

رسول خدا(ص) میفرماید: نیست مومنی که ساعتی نزد عالم بنشیند مگر اینکه خدای تعالی ندا دهد تو در محضر دوست من نشستی، به عزت و جلال خود سوگند تو را همراه او در بهشت سکونت دهم و باکی هم ندارم.

### ۱۶۴- ملازمت عالمان (کافی)

خداوند به دانیال(ع) وحی نمود که دشمن ترین بندگان نزد من آن جاهلی است که سبک شمارد حق اهل علم را و به ایشان اقتدا نکند و همانا بهترین بنده نزد من آن پرهیزکاری است که طلب کند ثواب بزرگ را و ملازم باشد با عالمان و تابع حکما باشد و قبول کند قول ایشان را.

### ۱۶۵- غرور علمی (تفسیر قمی - امام صادق(ع))

چون موسی(ع) با خداوند تکلم کرد و الواح مقدسه تورات بر او فرستاده شد، به سوی بنی اسرائیل باز گشت و بر فراز منبر رفت و به مردم خبر داد که خداوند با من صحبت کرده و تورات را برای من فرستاده است. سپس نزد خود زمزمه کنان گفت که خداوند کسی را عالمتر از من نیافریده است، هنگامیکه خداوند این حرف را شنید به جبرئیل(ع) وحی فرستاد موسی را دریاب که نزدیک است غرور علمی او را هلاک کند، به او خبر بده که در محل تلاقی دو دریا (آنجا که دریای مشرق و مغرب بهم می پیوندند) مردی (بنام خضر) است که از تو عالمتر است بسوی او بشتاب و از او علم بیاموز.

### ۱۶۶- اندرز بده (ارشاد القلوب)

همانا خدا به حضرت عیسی(ع) وحی فرستاد که ای عیسی یا خودت را اندرز بده یا از من شرم کن که مردم را اندرز بدهی و عمل نکنی.



#### ۱۶۷- هفتاد عقوبت (عده الداعی)

خدای تعالی به داوود (ع) وحی فرستاد که آسانترین چیزی که انجام میدهم به بنده ای که به علم خود عمل نکند از جمله هفتاد عقوبت باطنی آن است که از دل او حلاوت و شیرینی ذکر خود را بیرون خواهم کرد.

#### ۱۶۸- عالمی که شیفته دنیا باشد (علل الشرایع)

خدای تعالی به حضرت داوود (ع) وحی کرد که قرار نده بین من و بین خودت عالمی که شیفته دنیا است که باز میدارد تو را از راه دوستی من به جهت آنکه آنها قطع طریق میکنند بر بندگانم که از اطاعت من بیرون روند. همانا کمتر چیزی که نسبت به ایشان انجام میدهم آن است که شیرینی مناجاتم را از قلب ایشان خارج کنم.

#### ۱۶۹- عالمان گمراه (ارشاد القلوب، عده الداعی)

خداوند به یکی از پیامبرانش وحی فرستاد بگو به آنان که علم فقه را برای غیر دین می آموزند و علم را برای غیر از عمل می آموزند و دنیا را بوسیله عمل آخرت طلب میکنند، اینها در میان مردم لباس میشدند اما دلپایشان دل گرگان است. زبانهایشان شیرین تر از عسل است و کردارشان تلخ تر از صبر است. مرا فریب میدهند و دین مرا مسخره میکنند و نمیدانند که برای آنها آزمایشی هست. هر آینه آنها را آنچنان امتحان کنم که حکیمان ایشان حیران و سرگردان بمانند.

#### ۱۷۰- ضایع کردن علم (منیه المرید)

در میان یاران حضرت موسی (ع) کسی بود که علم زیاد تحصیل نموده بود. روزی از حضرت موسی رخصت خواست تا برود و ارحام خود را صلّه نماید، حضرت موسی (ع) فرمودند البتّه برای صلّه ارحام حقی است ولیکن مبدا به غیر خدا اعتماد نمایی؟ تا آنکه رفت بطرف خویشاوندان و نزدیکانش و سفرش خیلی طول کشید. موسی از او جویا شد خبری نیافت، از جبرئیل (ع) سؤال فرمود که مرا از همنشینم خبر ده آیا تو خبر داری؟ گفت بلی خبر دارم، او در خانه مسخ و میمون شده و در گردنش زنجیری است، موسی تا این را شنید بسوی خدا فرغ نمود و به نماز ایستاد و خدا را خواند که پروردگارا نجات همنشینم را می خواهم پس خداوند به او وحی فرستاد که ای موسی اگر مرا بخوانی تا اینکه پاره شود رگهای گردنت من دعایت را درباره او استجابت نمیکنم زیرا من بار علم را به دوشش نهادم و با اعتماد به غیر من آن را ضایع کرد.

#### ۱۷۱- سلام کردن (علل الشرایع)

هنگامیکه فرشتگان برای خدا آدم را سجده کردند و ابلیس از سجده سرپیچی کرد خدای عزوجل فرمود چون سجده نمیکنی از صف ساجدان خارج شو که تو رانده درگاه ما شدی و لعنت من تا روز معلوم بر تو است. سپس خدای با عزت و جلال فرمود ای آدم برخیز و نظر کن بسوی این فرشتگان که در برابر تو هستند و به ایشان سلام کن و بگو (السلام علیکم و رحمه الله و برکاته). سپس خداوند تعالی به آدم فرمود: این سلام کردن تحیت تو و تحیت فرزندان تو است که تا روز قیامت در میان ایشان جریان دارد.

#### ۱۷۲- سند و قولنامه (کافی)

خداوند عزوجل ذریه آدم را در عالم ذر و ارواح که همانند مورچگان بودند بر آدم نشان داد، همه پیامبران از فرزندان خود را مشاهده کرد تا اینکه به نام داوود (ع) گذشت و گفت پروردگارا کیست اینکه او را پیامبر و گرامیش داشتی؟ اما چرا عمرش کوتاه است؟ خداوند فرمود ای آدم! این فرزندت داوود است که عمر او چهل سال است و منم که اجلها را نوشته ام و روزیها را قسمت کرده ام و منم که هر چه خواهم محو می کنم و هر چه بخواهم ثبت می نمایم و نزد من است ام الكتاب و اگر چیزی از عمر خود به او بدهی به عمر او می افزایم. آدم گفت من از عمر خود شصت سال بر عمر او افزودم تا صد سال تمام گردد. خداوند به جبرئیل (ع) و میکائیل (ع) و عزرائیل (ع) فرمود برای این قرارداد نوشته ای به عنوان سند و قولنامه بنویسید زیرا ممکن است آدم فراموش کند. پس قراردادی نوشتند و آن را با بالهای خود از طینت علیین مهر کردند، چون مدت عمر آدم تمام شد ملك الموت حاضر شد که قبض روحش کند. آدم گفت ای ملك الموت شصت سال از عمر من باقی مانده است. ملك الموت گفت ای آدم عمر بر فرزندت داوود افزودی آدم گفت من به یاد ندارم، چون انکار کرد جبرئیل فرود آمد و نوشته را به او نشان داد و از این جهت است هرگاه نامه مقروض را بیرون می آورند قرض دار را مثلثی حاصل میشود.

#### ۱۷۳- همه متهمند (ارشاد القلوب)

موسی (ع) در مناجات عرض کرد خدایا از تو میخواهم که درباره من گفته نشود چیزی که در من نیست، خطاب رسید ای موسی من این کار را برای خودم نکردم پس چطور برای تو چنین کنم.

#### ۱۷۴- قوس و قزح (علل الشرایع)

چون نوح بعد از طوفان از کشتی بیرون آمد خداوند به او وحی فرستاد که ای نوح من بندگانم را آفریدم که عبادتم کنند و ایشان را امر کردم که اطاعت نمایند. اما در عوض مرا نافرمانی کردند و دیگری را پرستش و بندگی نمودند و لذا شامل خشم و غضب من شدند و آنها را غرق کردم و همانا من کمان خود یعنی قوس را امانی برای بندگان و شهرهای خود قرار دادم و آن را پیمانی میان خود و بندگانم قرار دادم که بوسیله آن از غرق شدن تا روز قیامت در امان باشند و کیست که به عهد خود بهتر از من وفا کند؟

#### ۱۷۵- سیاه خداوند (رجال کشی)

طاوس گوید با محمد حنفیه در منزل ابن عباس بر سر سفره بودیم که ناگاه ملخی از هوا افتاد و محمد حنفیه او را گرفت و گفت آیا میدانید که این نقطه سیاه در بال ملخ چیست؟ گفتیم نه خدا بهتر میداند گفت پدرم علی امیرالمومنین (ع) فرموده که در رکاب پیامبر (ص) بودم آن حضرت فرمود یا علی این نقطه سیاه در بال ملخ چیست؟ گفت خدا و رسولش بهتر میدانند، فرمود در بال ملخ نوشته شده است منم خداوند پروردگار جهانیان که ملخ را آفریدم و او سپاهی از لشکر من است، آنرا برای هر دسته از بندگانم که بخواهم میفرستم.

#### ۱۷۶- طبیب (علل الشرايع، کافی)

حضرت موسی (ع) در ضمن مناجاتش با پروردگار عرض کرد خدایا درد را که میدهد؟ خطاب رسید من میدهم، پرسید که شفا از کیست؟ خطاب رسید من میدهم، عرض کرد: پس چه میکنند مردم این حکیمان را؟ خطاب رسید: (یطیب بانفسهم) دل‌های مردم را خوش میکنند، از این بیعد معالج و دکتر به طبیب (دل خوش کن) نامگذاری شد.

#### ۱۷۷- فواید نمک (محاسن، کافی)

خداوند به موسی (ع) وحی فرمود که ای موسی غذا را با نمک شروع کن و نیز به نمک ختم کن زیرا در آن برای هفتاد درد شفا است که آسانترین آنها دیوانگی، جذام و برص است و به قوم خود دستور بده که هنگام غذا خوردن با نمک شروع کرده و با نمک ختم کنند و اگر این کار را نکردند و دچار یکی از این امراض شدند غیر از خود کسی را سرزنش نکنند.

#### ۱۷۸- خرما و رطب (محاسن، کافی)

حضرت رسول اکرم (ص) فرمود اول چیزی که زن زانو میخورد باید رطب باشد چنانچه حقتعالی به حضرت مریم (ع) فرمود که بعد از زاییدن حضرت عیسی (ع) رطب بخورد، گفته شد ای رسول خدا اگر وقت رطب نباشد چه کند؟ فرمود هفت دانه از خرماهای مدینه بخورد و اگر نباشد هفت دانه از خرماهایی که باشد بخورد بدرستی که پروردگار متعال میفرماید به عزت و جلال و بلندی مقام سوگند هر زنی که تازه زاییده خرما بخورد فرزند او چه دختر باشد و چه پسر باشد بردبار گردد.

#### ۱۷۹- انگور سیاه (محاسن، کافی)

چون نوح از کشتی فرود آمد و از استخوانهای کافران دور شد و استخوانهای قوم خود را دید جزع شدیدی نمود و غمی بزرگ بر او عارض شد، خداوند به او وحی فرمود این نتیجه رفتار خود تو است، تو بر اینها چنین چیزی را درخواست کردی. عرضه داشت پروردگار استغفار و توبه میکنم آنگاه خداوند فرمود که انگور سیاه بخور تا غمت برطرف شود.

#### ۱۸۰- گوشت گاو (محاسن، کافی)

روایت است که بنی اسرائیل به موسی (ع) شکایت کردند که پیسی در میان ما بسیار شده است حقتعالی به موسی وحی فرستاد که امر کن ایشان را به خوردن گوشت گاو با چغندر.

#### ۱۸۱- انگشتر فیروزه (عده الداعی)

خدای تعالی میفرماید همانا من شرم دارم از بنده ای که دست به دعا بردارد و در دستش انگشتر فیروزه باشد از اینکه او را نا امید کنم.

#### ۱۸۲- انگشتر حضرت ابراهیم (ع) (ثواب الاعمال)

چون ابراهیم (ع) را در منجنیق نهادند و او را به سوی آتش نمود پرتاب کردند جبرئیل (ع) خشم کرد، خداوند به او فرمود ای جبرئیل چرا خشم کردی؟ عرض کرد برای خلیل تو که در روی زمین جز او کسی تو را نپرسند، دشمن تو و او را بر او مسلط کردی. خداوند به او وحی فرمود ساکت باش، بنده ای چون تو شتاب دارد که از فوت بترسد ولی من هر آن بخواهم بنده خود را نجات میدهم. جبرئیل خوشدل شد رو به ابراهیم کرد و گفت حاجتی نداری؟ فرمود به تو نه، در اینجا خدا خاتمی فرستاد که شش حرف در آن نقش بود نیست معبودی بجز خداوند، محمد (ص) فرستاده خداست، نیرو و کمکی نیست مگر از جانب خداوند، کار من بدست خداست، پشتوانه و تکیه گاهم خداست و خدا برای من کافی است. خداوند به او وحی فرمود که آن را در انگشت کن که من آتش را بر تو سرد و سلامت سازم.

#### ۱۸۳- سنتهای ابراهیم (ع) (مکارم الاخلاق)

خداوند متعال به حضرت ابراهیم خلیل (ع) فرمود خود را پاکیزه کن، ابراهیم شارب خود را گرفت، سپس فرمود خود را پاکیزه کن، آنگاه موی زیر بغلش را گرفت، سپس فرمود خود را پاکیزه کن، این مرتبه ناخنهای خود را گرفت، سپس فرمود خود را پاکیزه کن، این دفعه موهای زهار را تراشید، سپس برای آخرین بار فرمود خود را پاکیزه کن، این دفعه خود را ختنه و سنت کرد.

#### ۱۸۴- زیرجامه (علل الشرايع)

خداوند به حضرت ابراهیم (ع) وحی کرد زمین به من شکایت کرده که از دیدن عورت تو حیا دارد، پس میان عورت خود و زمین جبابی قرار بده. بعد از این بود که زیر جامه را برای خود دوخت که تا زانوهای او بود.

#### ۱۸۵- همانند خورشید و ماه باش (بحار الانوار)

خدای تعالی به عیسی بن مریم (ع) وحی فرمود در حلم و بردباری برای مردم مثل زمین باش در زیر پای ایشان و در سخاوتمندی مثل آب روان باش و در رحمت همانند خورشید و ماه باش که بدون بخل به دریا و خشکی طلوع میکنند و به همه جا می تابند.

#### ۱۸۶- استقبال از نعمت (تنبيه الخواطر)

خدای تعالی به عیسی بن مریم(ع) وحی کرد هرگاه نعمتی را بر تو ارزانی داشتم با خضوع و فروتنی و تذلل از آن استقبال کن تا آنرا بر تو تمام کنم.

#### ۱۸۷- توسل به اسباب (جامع السادات)

حضرت موسی(ع) مریض شد و دسته ای از بنی اسرائیل به عیادتش آمدند و مرضش را تشخیص دادند و گفتند اگر فلان دارو را بخوری خوب میشود، موسی گفت من مداوا نمیکنم تا خدا بی واسطه مرا شفا دهد و مرضش طول کشید، به او وحی شد به عزت و جلال سوگند شفایت نمیدهم تا به دارویی که آنها گفتند مداوا کنی. موسی به آنها گفت مرا مداوا کنید، بعد از دارو خوردن و خوب شدن در ذهنش این مطلب آمد که چرا خدا مرا شفا نداد و دارو مرا شفا داد، تا اینکه به او وحی شد که ای موسی تو میخواستی حکمت مرا با توکلت بر من باطل کنی، چه کسی جز من در گلهای و داروها خاصیت شفا را قرار داده است؟

۱۸۸- اول چیزی که آفریده شد (امالی، محاسن، کافی، علل الشرایع، الوصیه)

وقتی خداوند عقل را آفرید او را به سخن آورد و به او فرمود جلو بیا جلو آمد بعد امر کرد برگردد برگشت. سپس خدای تعالی فرمود به عزت و جلال سوگند مخلوقی که از تو پیشم محبوبتر باشد نیافریدم و تو را تنها به کسانی که دوستشان دارم بطور کامل دادم همانا امر و نهی و کیفر و پاداشم متوجه تو است. سپس عقل در مقابل این گفتار خدای تعالی به رو افتاد و در حال سجده قرار گرفت و یک هزار سال سجده اش طول کشید، خدای تعالی فرمان داد سرت را بردار و بخواه که به تو داده خواهد شد و شفاعت کن که شفاعت تو پذیرفته میشود. پس عقل سرش را بلند نمود و عرض کرد بارالها از تو میخوام که مرا شفیع آنکس قرار دهی که مرا در او قرار داده ای. خدای تعالی به فرشتگان فرمود گواه باشید که من عقل را شفیع آنکس قرار دادم که او در وجودش باشد.

۱۸۹- عقل شفاعت میکند (معانی الاخبار)

همانا خدای تعالی عقل را آفرید سپس به او فرمود جلو بیا پیش آمد و فرمود برگردد برگشت. سپس پروردگار متعال فرمود به عزت و جلال سوگند از تو بهتر موجودی نیافریدم و از تو هم بهتر کسی مرا اطاعت نمیکند و از تو بالاتر و با شرافت تر آفریده ای نیست و در نزد من از تو عزیزتر وجود ندارد. بوسیله تو یکتایی من آشکار شود و بواسطه تو من پرستش می‌شوم و به سبب تو مرا بخوانند و نیز امیدواری مردم به من و ترسشان از من بواسطه تو است و بواسطه تو بنده را اختیار میکنم، جزا و پاداش میدهم و مجازات میکنم.

۱۹۰- آفرینش خیر و شر (کافی)

از جمله آنچه به موسی(ع) وحی شد و در تورات بر او نازل شد این بود که همانا منم خدایی که بجز من معبودی نیست، خلق را آفریدم و نیکی را آفریدم و آن را بدست هر کس که دوست داشتم جاری ساختم، خوشا بحال آنکه نیکی را بدست او جاری ساختم و منم خدایی که بجز من معبودی نیست. مخلوقات را آفریدم و بدی را خلق نمودم و آن را به دست هر که اراده کردم جاری ساختم و وای بر کسی که بدی را به دستش جاری ساختم. وای بر کسی که بگوید چرا اینطور و چرا اینطور.

۱۹۱- هدف از آفرینش (ارشاد القلوب)

خدای تعالی به داوود (ع) وحی فرستاد که به بندگان من بگو من شما را نیافریدم که از شما سودی ببرم بلکه آفریدم که شما از من بهره ببرید.

۱۹۲- راز خلقت انسان (مشارق انوار الیقین)

در احادیث قدسی وارد شده است بنده من تمام اشیاء را برای تو آفریدم و تو را برای خودم خلق نمودم. دنیا را به تو بخشیدم بواسطه احسانی که دارم ولی آخرت را در مقابل ایمان میدهم.

۱۹۳- حکمت آفرینش (کافی، علل الشرایع)

از امام باقر (ع) روایت است چون خدای متعال ذریه آدم از پشت او برآورد تا به پروردگاری خود و نبوت پیامبران از آنان پیمان بگیرد نخستین پیامبری که به پیامبری او از ایشان پیمان گرفت محمد بن عبدالله(ص) بود، سپس خداوند به آدم(ع) فرمود بنگر که چه میبینی؟ آدم(ع) به ذرایش نگرست دید بمانند مورچگان فضای آسمان را پر کرده اند، آنگاه عرض کرد پروردگارا چه بسیارند ذراری من؟ برای چه آنها را آفریده ای و برای چه منظوری از ایشان پیمان میگیری؟ خدای متعال فرمود برای آنکه مرا بپرستند و برای من شریکی قرار ندهند و به پیامبرانم ایمان آورند و از آنان پیروی نمایند. آدم عرض کرد پروردگارا چرا بعضی از ذرها بزرگتر از دیگری و بعضی از آنها دارای نور کم و برخی دیگر اصلا فاقد نور و روشنی است؟ خداوند فرمود اینطور آفریدم آنان را تا ببازمایم در تمام حالاتشان. آدم(ع) عرض کرد پروردگارا اجازه میدهی تا سخن بگویم؟ خطاب رسید سخن بگو که جانم از من است و طبیعتت بر خلاف هستی من است. آدم عرض کرد پروردگارا کاش همه را یکسان می آفریدی در شرایط واحد به یک اندازه و به یک طبع و یک اخلاق و یک رنگ و عمرهای مساوی و روزیهای برابر که بر یکدیگر ستم روا ندارند و بهمیدگر حسد نبرند و با هم دشمنی نکنند و در هیچ موردی با هم اختلاف پیدا ننمایند. خدای متعال فرمود ای آدم، به روح برگزیده من سخن گفتی و به ضعف طبیعت خود تکلم کردی به چیزی که تو را به آن علمی نیست. منم خدای آفریننده دانا و آگاه که به علم خود در خلقت ایشان اختلاف قرار دادم و به مشیت من در میان ایشان امر من جاری میشود و بازگشت همه به سوی تقدیر و تدبیر من است و در آفرینش من تبدیلی نیست و نیافریدم جن و انس را مگر برای اینکه مرا عبادت کنند. بهشت را آفریدم برای کسیکه مرا عبادت و اطاعت کند و از پیامبرانم پیروی کند و از کسی هم پروا ندارد. جهنم را آفریدم برای کسیکه بمن کفر ورزد و مرا نافرمانی کند و از پیامبران و فرستادگان من پیروی نکند و از کسی باک ندارد، تو و فرزندانت را آفریدم بدون اینکه احتیاجی به تو و یا ایشان داشته باشم بلکه آفریدم تو و ایشان را برای اینکه ببازمایم شما را که کدام نیکوکارتر هستید در زندگی دنیا و قبل از مردن و از این جهت دنیا و آخرت، زندگی و مرگ، طاعت و معصیت، بهشت و دوزخ را آفریدم و همچنین اراده کرده ام در تقدیر و تدبیرم، و به علم خودم که احاطه به جمیع احوال ایشان دارد مختلف گردانیدم صورتها و بندها و رنگها و عمرها و روزیها و اطاعت و معصیت ایشان را و قرار دادم در میان ایشان شقی و سعادت‌مند، بینا و نابینا، کوتاه و بلند، زیبا و زشت، دانا و نادان، ثروتمند و فقیر، مطیع و نافرمان، و تندرست و بیمار، زمینگیر و بی عیب تا تندرست به بیمار بنگرد و مرا برای سلامتی خود سپاس گزارد و شکر نماید و آنکه بیمار است به تندرست نظر کند و به درگاه من دعا و التجا نماید تا سلامتتس بدارم و بر بلایم صبور باشد تا عطای شایانم را به او برسانم و تا توانگر به تهیدست نگاه کند و مرا شکر گزارد و تهیدست به توانگر بنگرد و مرا بخواند و زوال تنگدستی خود را از من بخواهد و تا مومن به کافر بنگرد و مرا بر اینکه هدایتش نمودم سپاس گزارد. پس برای این آفریدم که امتحان و آزمایشی کنم ایشان را در خوشحالی و بدحالی و در عافیتی که به ایشان میبخشم و در بلایی که ایشان را مبتلا کنم در آنچه به ایشان عطا کنم و در آنچه از ایشان منع کنم همه برای امتحان است و منم خدای مقتدر توانا و بر من است که جاری کنم آنچه مقدر کرده ام به هر نحو که تدبیر نموده ام و بر من است که تغییر دهم از اینها آنچه را بخواهم و مقدر گردانم

#### ۱۹۴- وقار و خلعت مومن (علل الشرایع، تفسیر قمی)

روزی حضرت ابراهیم خلیل(ع) ریش خود را شانه میکرد يك موی سفید در آن مشاهده کرد گفت خداوندا این موی سفید چیست؟ وحی رسید این وقار تو است. ابراهیم گفت خداوندا وقار مرا زیاد گردان.

#### ۱۹۵- قلوب زمامداران (امالی)

خدای جل جلاله فرماید منم خدا، معبودی نیست جز من، زمامداران را آفریدم و دل آنها را در دست دارم. هر مردمی که مرا اطاعت کنند دل زمامداران را بر آنها مهربان گردانم و هر مردمی که مرا معصیت کنند دل ملوک را بر آنها خشمگین بسازم. هشیار باشید خود را مشغول دشنام ملوک نکنید و به من بازگردید تا دلشان را به شما مهربان کنم.

#### ۱۹۶- حاکم ستمگر (عقاب الاعمال)

خداوند متعال به پیامبری از پیامبرانش که در کشور یکی از سرکشان بود وحی فرستاد برو و به آن ستمگر بگو من تو را برای ریختن خونها و گرفتن مالها سروری ندادم. همانا تو را برای این گماردم تا ناله های ستمدیگان را از من بازداری زیرا من از ستمی که به ایشان شده یا بشود نخواهم گذشت هر چند کافر باشند.

#### ۱۹۷- وای بر ستمگران (کافی - پیامبر(ص))

خدای عزوجل میفرماید وای بر کسانی که دین را دام بدست آوردن دنیا قرار دهند و وای بر کسانی که مردمی را که به عدالت دستور میدهند بکشند وای بر کسانی که مومن در میان آنها با خوف و تقیه بسر ببرد. آیا اینها به من مغرور میشوند (برای اینکه نعمت و مهلتشان میدهم) یا بر من گستاخی میکنند؟ به حق خودم سوگند که فتنه و بلایی برای آنها پیش آورم که خردمندانشان سرگردان شوند.

#### ۱۹۸- راز مرا نپنهان دار (مجالس، کافی)

از جمله مناجات خدای متعال با موسی بن عمران(ع) این بود که ای موسی راز پنهان مرا در باطن خویش پوشیده دار و در آشکار با دشمن من و دشمن خود مدارا و سازگاری اظهار کن و با اظهار راز پنهانم سبب دشنام دادن آنها بمن نشو تا در دشنام دادن به من شریک دشمن خود و دشمن من شوی.

#### ۱۹۹- تشبه به دشمنان (علل الشرایع، من لا یحضره الفقیه، تهذیب)

خدای متعال به یکی از پیامبرانش وحی کرد که به مردم بگو لباس دشمنان مرا نپوشید و غذای دشمنان مرا نخورید و روش دشمنان مرا نداشته باشید و شبیه دشمنان من نشوید زیرا شما هم مانند آنان دشمن من خواهید شد.

#### ۲۰۰- ملایمت با گناهکاران (کافی)

خداوند عزوجل به شعیب(ع) وحی فرمود که من از قوم تو صد هزار نفر را عذاب خواهم کرد که چهل هزار نفر از آنها از اشرارند و شصت هزار نفر از آنها از خوبانند. عرض کرد پروردگارا اشرار را به کیفر میرسانی بجای خود، خوبان برای چه؟ وحی آمد. برای آنکه با اهل معصیت و تجاوزگران ملایمت کردند و بر آنها بخاطر غضب من غضب نمودند.

#### ۲۰۱- جهاد در راه خدا (کافی، تهذیب، ثواب الاعمال)

رسول خدا(ص) فرموده است جبرئیل(ع) مرا به چیزی خبر داد که به آن چشم روشن و دلم شاد گشت و آن این بود که گفت ای محمد هر کس از امت تو در میدان نبرد در راه خدا جهاد کند، قطره بارانی از آسمان به او در این راه نرسد و درد سری نبیند جز اینکه همه در روز قیامت برای او به این کار شهادت دهند.

#### ۲۰۲- هرگاه نافرمانیم کنند (مجالس)

خداوند با عزت و جلال میفرماید هرگاه کسیکه به من معرفت دارد مرا نافرمانی کند من نیز کسی را که مرا نشناسد بر او مسلط کنم.

#### ۲۰۳- ستم بر ضعیف (مجالس)

خدای با عزت و جلال میفرماید غضب من سخت گردد بر آنکه ستم کند بر کسی که جز من کمک و یابوری نیابد.

## مسائل اجتماعی

### ۲۰۴- زن دنده کج است (مجالس)

حضرت ابراهیم خلیل(ع) در نزد خداوند از بداخلاقی همسرش ساره و آزاری که از ناحیه او میچشید شکایت کرد، خداوند هم به او وحی فرستاد که در حقیقت زن همانند دنده کج است که اگر راستش کنی آن را میشکنی و اگر رهاش کنی از او لذت خواهی برد بنابراین شکیبای باش و با او بساز.

### ۲۰۵- آدم و حوا (مجالس)

چون خداوند آدم(ع) را آفرید امر کرد که فرشتگان بر او سجده کنند و خواب را بر او غالب گردانید. سپس حوا حرکت کرد و از حرکت او آدم بیدار شد و عرض کرد پروردگارا کیست این آفریده نیکو که قرب او مونس من گردیده و نظر کردن به سوی او مرا از وحشت بیرون آورد؟ خداوند فرمود ای آدم این کنیز من حوا است، میخواهی که با تو باشد و با تو سخن بگوید و به هر چه او را امر نمایی اطاعت کند؟ آدم عرض کرد بلی ای پروردگار به این سبب تا زنده هستم سپاسگذار و ستایشگر تو خواهم بود. آنگاه خداوند فرمود پس خواستگاری کن او را برای خود که کنیز من است و از برای دفع شهوت تو خوب است. در آن وقت خداوند قبلا شهوت مقاربت زنان را در او قرار داده و معرفت امور را به او تعلیم کرده بود. آنگاه آدم گفت پروردگارا از تو خواستگاری میکنم او را پس به چه چیز در برابر این امر از من راضی میشوی؟ خداوند با عزت و جلال فرمود رضایت من آن است که معلم و احکام دین مرا به او بیاموزی. آدم گفت قبول کردم که این کار را انجام دهم اگر بخواهی، حقتعالی فرمود که من خواستم، او را به تو تزویج کردم و او را به سوی خود ببر که از آن تو است.

### ۲۰۶- دوشیزگان (کافی)

خداوند چیزی را که انسان در زندگی به آن احتیاج دارد فروگذار نکرده مگر اینکه حکم آنرا بوسیله پیامبرش برای مردم بیان کرده است. از جمله روزی پیامبر اکرم(ص) بر فراز منبر آمد و گفت: ای مردم، جبرئیل امین(ع) از جانب خدای لطیف و خبیر بر من فرود آمد و گفت که دختران بکر شما مانند میوه بر درخت میباشند، هرگاه میوه درخت رسید چاره ای جز چیدن آن نمیباشد و هرگاه چیده نشود نور خورشید آنرا فاسد میکند و باد مزه آنرا تغییر میدهد. همچنین دوشیزگان هرگاه به آن حدی رسیدند که زنان دیگر آن موقعیت را دریافته اند راهی جز شوهر کردن ندارند و هرگاه شوهری برای آنها در نظر گرفته نشود از فساد ایمنی ندارند چونکه بشر هستند.

### ۲۰۷- کسیکه همسایه اش گرسنه باشد (عقاب الاعمال)

امام سجاد(ع) فرمود هر کس با شکم سیر بخوابد و در نزدیکیش مومنی گرسنه و بی غذا باشد خدای عزوجل به فرشتگان میفرماید من شما را بر این بنده شاهد میگیرم که او را امر کردم و مرا مخالفت نمود و از غیر من اطاعت کرد، او را به علمش واگذارم و به عزت و جلالم سوگند او را هرگز نیامرزم و بمن ایمان نیاورده است کسی که شب را با شکم سیر به پایان رساند و برادر مسلمانش گرسنه باشد.

### ۲۰۸- زن مومنه (کافی)

خدای تعالی میفرماید هرگاه بخوایم خیر دنیا و آخرت را برای مسلمانی جمع کنیم قرار میدهم برای او قلب خاشعی و زبان ذاکری و بدنی که در برابر بلا و ناگواریها صابر باشد و همسر مومنه ای برای او روزی میکنم که وقتی به او نگاه کند او را خوشحال کرده و زمانیکه غایب شود نفس خود و مال او را حفظ کند.

### ۲۰۹- با عفت باش (من لا یحضره الفقیه، محاسن)

از جمله خبرهایی که به موسی(ع) وحی شد این بود که ای موسی، هرکس با ناموس مردم زنا کند با ناموس او زنا شود اگر چه به دودمان او یا بعد از خودش باشد. ای موسی با عفت باش تا خانواده ات عقیف و پاکدامن باشد. ای موسی اگر خواستی خیر بسیار به خانواده ات رو آورد از زنا بپرهیز و الا از نور جمال من محروم میشوی و دعایت مستجاب نمیشود.

### ۲۱۰- به رحمت من نرسد (عقاب الاعمال)

خدای عزوجل میفرماید به رحمت من نرسد کسی که قسمهای دروغ بخورد و در قیامت راه به سوی من نیابد آنکس که زنا کند.

### ۲۱۱- کسی که زنا کند (کافی)

خداوند به موسی(ع) وحی فرمود من فرزندان را با کاری که پدران آنها کرده اند پاداش میدهم اگر کار خوب کرده اند پاداش خیر و اگر کار بد کرده اند پاداش بد میدهم. با زنان مردم زنا نکنید تا زنان شما مبتلا به زنا نشوند. آنکس که به همسر مردی خیانت کند به همسرش خیانت شود زیرا هرچه بکاری درو میشود.

### ۲۱۲- انحراف جنسی (محاسن، عقاب الاعمال، کافی)

خدای تعالی میفرماید به عزت و جلالم قسم بر فرش دبیای بهشت ننشیند مردی که بگذارد با او عمل جنسی انجام دهند.

### ۲۱۳- کسانی که به بهشت نمیروند (خصال، من لا یحضره الفقیه)

از علی(ع) روایت است که پیامبر اکرم(ص) به آن حضرت فرمود ای علی خداوند متعال بهشت را که آفرید آنرا از يك خشت طلا و يك خشت نقره بنا کرد. ماهیهای آنرا از یاقوت قرار داد، سقف آن از زبرجد است و ریگهای آن از لولو است و خاکهای آن از زعفران و مشك خوشبو است. سپس به آن فرمود سخن بگو پس گفت خدایی جز تو نیست که زنده و پاینده ای، هرکس در من آید همانا که خوشبخت است. خداوند فرمود به عزت و جلال خودم سوگند که این چند دسته داخل بهشت نشوند، دائم الخمر، سخن چین، دیوث (مرد بی غیرت درباره زن و ناموس خویش)، مخنت (مردی که حالات و حرکات زنان را از خود بروز دهد)، نباش (کسی که قبرها را میشکافد)، باجگیر، کسی که قطع رحم کند و قدری (کسی که قائل باشد که خیر و شر فعل بندگان است و منتسب به فرقه ای است که میگویند سررشته اختیار بدست ما میباشد).

### ۲۱۴- سفارش مادر (امالی)

موسی بن عمران(ع) در مناجات با خداوند تا سه مرتبه عرض کرد پروردگارا بمن سفارشی کن، در خوابش فرمود تو را به خودم سفارش میکنم باز گفت بارالها بمن سفارش کن بار چهارم و پنجم فرمود تو را به مادرت سفارش میکنم و بار ششم سفارش پدر را به او کرد و از اینجاست که مادر دو ثلث حق نیکی فرزند را میبرد و پدر يك ثلث.

### ۲۱۵- نیکویی به پدر و مادر (امالی)

موسی بن عمران(ع) با پروردگار خود مناجات میکرد مردی را در سایه عرش خدا نگر نیست عرض کرد پروردگارا این کیست که در سایه عرش تو است؟ فرمود ای موسی این کسی است که به پدر و مادر خوش کردار بوده و سخن چینی نکرده است.

### ۲۱۶- دوستی دنیا (عده الداعی)

موسی بن عمران(ع) گذرش بر مردی افتاد که در حال گریه و زاری بود پس از برگشتن دوباره دید گریه میکند عرض کرد پروردگارا بنده ات را بنگر که چگونه از خوف و ترس تو گریه میکند. خداوند فرمود ای موسی اگر آنقدر گریه کند که مغز سرش با اشك چشمش فرو ریزد گناه او را نخواهم بخشید زیرا او دنیا را دوست دارد و به آن دل بسته است.

### ۲۱۷- حب دنیا (کافی)

از مناجاتهای خداوند با موسی(ع) این بود که ای موسی به دنیا تکیه نکن مانند تکیه کردن ستمگران و تکیه کردن کسی که آنرا پدر و مادر خود دانسته است. ای موسی اگر تو را به خودت واگذارم که به آن بنگری محبت و رونق دنیا بر تو غلبه میکند. ای موسی آنچه از دنیا که به آن احتیاج نداری رها کن و به فریب خوردگان به دنیا و به منکرانی که به خودشان واگذاشته شده اند نگاه نکن و بدان که آغاز هر فتنه ای محبت دنیا است و به مال زیاد هیچکس غبطه نبر زیرا مال بسیار مایه گناه بسیار است و به حال کسی که مردم از او خوشنودند غبطه نبر تا بدانی خدا هم از او خوشنود است و نیز به حال مخلوقی که مردم از او اطاعت میکنند غبطه نبر زیرا اطاعت و پیروی ناحق مردم از او باعث هلاکت او و پیروانش است.

### ۲۱۸- خوشی دنیا زودگذر است (عده الداعی، ارشاد القلوب)

خدای تعالی به موسی(ع) وحی کرد که ای موسی فقیر و بینوا کسی است که روزی رسائی مانند من نداشته باشد و مریض کسی است که طیبی مانند من نداشته باشد. غریب و دور از وطن کسی است که مانند من مونس و دوستی نداشته باشد. ای موسی خوشنود شو به پاره ای از نان جو که جلوی گرسنگی بگیرد و به لباس کهنه ای که با آن خود را بپوشانی و بر مصیبتها صبر کن و هرگاه دیدی دنیا به تو رو آورده بگو " انا لله و انا الیه راجعون " و با خود بگو مجازات عملی است که به من در دنیا رو آورده و هرگاه دیدی که دنیا به تو پشت کرده بگو مرحبا به شعار صالحین. ای موسی به شگفت در نیابرد تو را سلطنت و اقتدار و ثروت فرعون که از من بهره میبرد زیرا آن خوشی در دنیا موقتی و زودگذر است.

### ۲۱۹- اگر روزی را کم دهم (کافی)

خداوند عزوجل میفرماید اگر بر بنده مومن تنگ گیرم غمگین شود در صورتیکه این تنگی او را بمن نزدیکتر سازد و اگر بر بنده مومن وسعت دهم شادمان گردد در صورتیکه او را از من دورتر کند.

### ۲۲۰- از تمایلات شهوانی بترسان (التحصین فی صفات عارفين)

خداوند به حضرت داوود وحی فرمود که ای داوود حذر نما و بترسان پیروان خود را از تمایلات شهوانی چه دلهایی که به شهوتهای دنیا چسبیده اند عقلهای آنها از من محجوب است و فیض من به آنها نمیرسد.

### ۲۲۱- خودم آنرا بگیرم (کافی)

خداوند میفرماید هیچ چیز نیست مگر اینکه کسی را وکیل کرده ام که آنرا قبض کند و بگیرد مگر صدقه که من آنرا بدست خود میگیرم گرفتنی که اگر مردی خرما یا نیم خرمایی صدقه دهد آنرا برایش بزرگ میکنم ... پس مرا در قیامت ملاقات کند در حالیکه آن صدقه مثل کوه احد و بزرگتر از آن شده باشد.

### ۲۲۲- بر در خانه یعقوب (ع) (علل الشرايع)

ابوحزه ثمالی گوید در خدمت حضرت سجاد (ع) بودم، کنیزی داشت بنام "سکینه" به او فرمود مبدا مستندی که به در خانه ما آمد نا امید برگردانید. عرض کردم ای پسر رسول خدا همه کسانی که سوال میکنند مستحق نیستند. فرمود ای ابو حمزه میترسم بعضی مستحق باشند و از در خانه ما محروم شوند آنگاه بر ما خانواده نازل شود آنچه بر خانواده یعقوب (ع) وارد شد. حضرت یعقوب هر روز گوسفندی میکشت مقداری خودشان مصرف میکردند و قدری هم صدقه میدادند.

مرد مومن و مستندی در حال روزه با منزلتی که در نزد خداوند نیز داشت غریب آن ناحیه بود و از در خانه آنها گذشت و گفت سائلی غریب و گرسنه ام از زیادی غذای خود بمن بدهید. درخواست خود را بر در خانه یعقوب مکرر کرد، آنها می شنیدند ولی از وضع او خیر نداشتند و گفته اش را تصدیق نمودند.

شب فرا رسید، فقیر نا امید شد، جمله «انا لله و انا الیه راجعون» را بر زبان گذرانیده و اشکش جاری شد. آن شب با همان حال خوابید و شکایت گرسنگی را بخدا کرد. فردا را نیز روزه گرفت و با شکیبایی خدا را ستایش میکرد اما یعقوب و خانواده اش با شکم سیر خوابیدند، از غذایشان هم زیاد ماند. خداوند صبح آن شب به یعقوب وحی کرد ای یعقوب، بنده ما را خوار کردی بطوریکه باعث خشم من شد. سزاوار ادب و نزول بلا و گرفتاری شدی که از طرف من نسبت به خود و خانواده ات نازل شود. ای یعقوب، همانا محبوبترین پیغمبران در نزد من آن کسی است که بر مستمندان ترحم کند و آنها را بخود نزدیک نموده و غذایشان بدهد و پشتیبان و پناه ایشان باشد. ای یعقوب چرا به بنده من «ذمیل» که در عبادت من کوشا و به اندکی از حلال دنیا قانع است رحم نکردی؟ در شب گذشته هنگام افطار به در خانه تو آمد و درخواست نمود که غریب و بینوا و رهگذر قانع را طعام دهی و شما او را غذا ندادی و او «انا لله و انا الیه راجعون» گفت و گریست و شکایت گرسنگی خود را بمن کرد و گرسنه خوابید و در همان حال مرا ستایش نمود و فردایش روزه گرفت و تو ای یعقوب به فرزندان تو سیر خوابیدند و صبح، زیادی غذای شما مانده بود.

ای یعقوب آیا میدانی دوستانم را زودتر از دشمنانم به کیفر و گرفتاری مبتلا میکنم؟ این نیز بواسطه حسن نظر و احسان من نسبت به دوستانم است و استدراج امتحان من نسبت به دشمنانم است. اینک به عزتم سوگند تو و فرزندانم را گرفتار میکنم و بر شما مصیبتی نازل خواهم کرد و با کیفر خود شما را آزار میدهم، آماده ابتلا شوید و بر آنچه بر شما نازل میکنم راضی و صبور باشید.

### ۲۲۳- آیا به یاد داری؟ (کافی)

چون «بنیامین» از دست یعقوب (ع) رفت عرض کرد بار پروردگارا بمن رحم نمیکنی؟ دو چشمم را گرفتی و دو فرزندم را هم بردی، پس خدای تعالی به او وحی کرد که اگر من آن دو (یوسف و بنیامین) را میرانده باشم برایت آنها را زنده میکنم تا در کنار هم باشید ولی آیا به یاد داری آن گوسفندی را که سر بریدی و بریان کردی و خوردی و فلانی در کنار شما روزه بود و چیزی از آن غذا به او ندادی؟

### ۲۲۴- فقرا در پیشگاه خدا (ارشاد القلوب)

همانا خداوند روز قیامت متوجه فقرای مومنین میشود و میفرماید به عزت و جلالم سوگند من شما را به جهت پستی مقام فقیر نکردم بلکه چون فقر برای شما بهتر است شما را فقیر قرار دادم و میبینید که امروز با شما چه رفتاری میکنم. هر کدامتان در دنیا کار خوبی توشه کرده اید امروز آنرا بردارید که آن گذرنامه بهشت است و وارد بهشت شوید. آنگاه مردی از ایشان گوید پروردگارا دنیا پرستان در دنیا مسابقه میدادند، زنان زیبا اختیار میکردند و لباسهای نرم و لطیف میپوشیدند و غذاهای لذیذ میخوردند و در خانه های باشکوه سکونت کرده و مرکبهای خوب برای خود تهیه میکردند. ای پروردگاره به ما هم مثل آنچه در دنیا به آنها دادی بده، پس خدای تبارک و تعالی میفرماید برای هر کدام از شما هفتاد برابر آن چیزی که از ابتدای دنیا تا پایان آن به اهل دنیا داده ام میباشد.

### ۲۲۵- او را حاکم بهشت سازم (عیون اخبار، معانی الاخبار، قرب الاسناد)

خداوند به داوود (ع) وحی کرد که ای داوود به راستی که بنده ای از بندگان من عمل نیکی بجا آورد و من او را در بهشت حاکم سازم. داوود عرض کرد پروردگارا کدام است آن بنده که عمل نیکی بجا آورد و تو روز قیامت او را حاکم بهشت گردانی و بهشت را در اختیار او گذاری؟ فرمود بنده مومنی است که در برآوردن حاجت برادر مسلمانش کوشا باشد و دوست بدارد که گرفتاریش را بر طرف کند چه آنکه بر طرف شود یا نشود و خلق، خانواده من محسوب میشوند (زیرا من ضامن روزی ایشان هستم) و محبوب ترین آنها نزد من کسی است که نسبت به آنها مهربانتر و در راه نیازمندیهایشان کوشا تر باشد.

### ۲۲۶- اشک یتیم (ثواب العمال، من لا یحضره الفقیه)

رسول خدا (ص) فرمود چون یتیم گریه کند عرش الهی بلرزد و خداوند تبارک و تعالی میفرماید چه کسی این بنده مرا که در کودکی پدر و مادرش را از او گرفته ام گریانید؟ پس به عزت و جلالم سوگند کسی او را از گریه خاموش نسازد جز اینکه بهشت را بر او واجب خواهم ساخت.

### ۲۲۷- تو او را رد کردی (مجالس)

حضرت صادق (ع) فرمود هر کس مسلمانی نزد او بیاید و درخواست حاجتی نماید در صورتیکه قدرت برآوردن آنرا داشته باشد و کوتاهی کند خداوند روز قیامت او را مورد سرزنش شدید قرار دهد و به او میفرماید برادر مومن تو پیش تو آمد و حاجت خود را به تو گفت و من کلید مشکل او را در دست تو قرار داده بودم اما تو به جهت بی اعتنایی و ناچیز شمردن ثواب آن، حاجتش را بر نیاوردی. به عزت و جلالم سوگند هر حاجتی داشته باشی به تو نگاه نکنم چه بهشتی باشی و چه جهنمی.

### ۲۲۸- خوب بنده ای هستی اگر (کافی، من لا یحضره الفقیه)

خداوند به داوود (ع) وحی فرمود که ای داوود خوب بنده ای هستی اگر از بیت المال روزی نمیخوردی و به دست خود کار میکردی.



### ۲۲۹- خوردن حرام (عده الداعی)

در وحی قدیم آمده است که عمل با خوردن حرام همانند حمل و نقل نمودن آب در غربال است.

### ۲۳۰- نموداری از صحنه آخرت (کافی - امام باقر و صادق(ع))

حضرت داوود (ع) از پروردگار خود خواست که يك قضیه ای از قضایای آخرت را که در میان بندگان خود خواهد کرد به او بنمایاند، خداوند به او وحی فرمود ای داوود آنچه از من سؤال کردی احدی از خلق خود را بر آن مطلع نکرده ام و سزاوار نیست به غیر از من کسی به آن نحو عمل کند. داوود بار دیگر درخواست نمود تا اینکه جبرئیل(ع) فرود آمد و گفت از پروردگارت چیزی درخواست کردی که پیش از تو هیچ پیامبری این درخواست را نکرده است اما حق تعالی دعای تو را اجابت فرمود و در اول قضیه ای که فردا بر تو وارد میشود حکم آخرت را بر تو ظاهر میسازد. چون صبح شد داوود (ع) در مجلس قضاوت نشست، مرد پیری آمد گریبان جوانی را گرفته بود و در دست آن جوان خوشه انگوری بود. آن مرد پیر گفت ای پیامبر خدا این جوان داخل باغ من شده است و درختهای تاک مرا خراب کرده است و بی اجازه من انگور مرا خورده است. داوود به آن جوان گفت چه میگوی؟ آن جوان اقرار کرد که آنچه او ادعا میکند انجام داده ام، آنگاه حق تعالی به داوود وحی فرمود ای داوود من اینک برایت قضیه ای از قضایای آخرت را روشن کنم که اگر به حکم آخرت میان ایشان حکم کنی دل تو بر نمی تابد و بنی اسرائیل قبول نخواهند کرد. ای داوود این باغ از آن پدر این جوان بود، این پیرمرد به باغ او رفت و او را کشت و چهل هزار درهم مال او را قصب نمود و در کنار باغ دفن کرده است. پس شمشیری به دست آن جوان بده تا گردن آن پیرمرد را به قصاص پدر خود بزند و باغ را تسلیم آن جوان کن و بگو که فلان موضع باغ را بکند و مال خود را بیرون آورد.

### ۲۳۱- با دلیل قضاوت کن (کافی - امام باقر و صادق(ع))

پیامبری از پیامبران الهی از قضاوت به خداوند شکایت کرد و گفت چگونه قضاوت و حکم کنم به چیزی که چشم من آنرا ندیده و گوش من آنرا نشنیده است؟ خداوند به او وحی کرد در میان ایشان با شواهد و گواه باضافه قسم به اسم من قضاوت نما.

### ۲۳۲- تعطیل حدود (محاسن، کافی، تهذیب)

از امیرالمومنین(ع) روایت است که زنی نزد آن حضرت آمده و چهار مرتبه اقرار به زنا کرد، حضرت دستهای خود را به آسمان بلند کرد و فرمود بار خدایا بر علیه این زن شهادت ثابت و تمام شد و تو در ضمن فرامین دینت به پیامبرت فرموده ای ای محمد هرکس حدی از حدود مرا تعطیل کند در حقیقت با من دشمنی کرده و به این وسیله خواسته با من ضدیت نماید.

## اخلاقیات

### ۲۳۳- محاسن اخلاقی (معانی الاخبار)

جبرئیل(ع) نزد پیامبر اکرم(ص) آمد و گفت پیامبر، خداوند تبارک و تعالی مرا با هدیه ای بسوی تو فرستاده است که پیش از تو به کسی چنین هدیه ای نداده است. رسول خدا(ص) فرمود آن هدیه چیست؟ گفت (الصبرو احسن منه) صبر و بهتر از آن، گفتم بهتر از صبر چیست؟ گفت (الرضا و احسن منه) رضایت به مقدرات و بهتر از آن، گفتم بهتر از رضایت چیست؟ گفت (الزهد و احسن منه) بی رغبتی به دنیا و بهتر از آن، گفتم بهتر از بی رغبتی چیست؟ گفت (الاحلاص و احسن منه) عمل فقط برای خداوند و بهتر از آن، گفتم بهتر از عمل فقط برای خداوند چیست؟ گفت (اليقين و احسن منه) یقین و بهتر از آن، گفتم ای جبرئیل بهتر از یقین چیست؟ گفت (ان مدرجه ذلك التوكل على الله عزوجل) راه وصول به درجه یقین، توکل بر خدای عزوجل است. گفتم توکل بر خدای عزوجل چگونه است؟ گفت بدینگونه است که انسان بداند که مخلوق زیان و نفعی نمیرساند و بخشش و منع نمیکند و اینکه از خلائق نا امید باشد. پس اگر بنده ای اینچنین باشد برای غیر خداوند عملی انجام نمیدهد و بجز خداوند به کسی امیدوار نمیشود و از کسی غیر از او نمیترسد و به هیچ کس جز خداوند چشم طمع ندارد و این است معنی توکل. گفتم ای جبرئیل تفسیر صبر چیست؟ گفت صبر در سختیها مانند صبر در خوشحالی و در تهی دستی مانند توانگری و در گرفتاری مانند عافیت و نیز شکایت نکردن به مخلوقات از آنچه از بلا و گرفتاری به ایشان میرسد. گفتم تفسیر قناعت چیست؟ گفت قناعت شدن به آنچه که از دنیا به ایشان میرسد و قناعت شود به چیزی کم و شکر کند اندک را. گفتم تفسیر رضا چیست؟ گفت راضی کسی است که چه دنیا به او برسد و چه نرسد بر خداوند خشم نگیرد و به اندکی از عمل خوب از نفس خود راضی نشود. گفتم ای جبرئیل تفسیر زهد چیست؟ گفت زاهد کسی است که دوست داشته باشد آنرا که خداوند دوست دارد و هر کس را که خداوند دشمن دارد دشمن بدارد و از حلال دنیا کناره بگیرد و به حرام آن توجه نکند زیرا در حلال دنیا حساب است و در حرام آن عذاب و بر همه مسلمانان ترحم نماید همچنانکه به نفس خود ترحم میکند و از پرحرفی کناره بگیرد همچنانکه از مردار بسیار بدبو دوری میکند و از متاع دنیا و زرق و برق و برقهایش دوری کند تا مبادا او را فرا گیرد و آرزویش را کوتاه سازد و اجلش را به چشم خود مشاهده کند. گفتم ای جبرئیل تفسیر اخلاص چیست؟ گفت مخلص کسی است که از مردم چیزی نخواهد تا آنرا بیابد و چون بیابد راضی شود و هرگاه چیزی اضافه نزد او بماند در راه رضای خداوند میدهد و کسی که از بندگان چیزی درخواست نکند برآستی که به بندگی خداوند اقرار کرده و هرگاه خیری بیاید راضی شود پس او از خداوند راضی است و خداوند هم از او راضی است. گفتم پس تفسیر یقین چیست؟ گفت صاحب یقین کارهایش برای خداست و چنان عمل میکند که گویا او را میبیند و اگر خدا را نمیبیند خدا او را میبیند و آنچه که ذکر شد همه شاخه های توکل و راههای زهد میباشد.

### ۲۳۴- خوش اخلاقی (امالی)

رسول خدا(ص) فرمود که جبرئیل امین(ع) از طرف حضرت باری تعالی بر من نازل شد و گفت ای محمد بر تو باد که اخلاقت را نیکو کنی زیرا اخلاق بد خیر دنیا و آخرت را از میان میبرد.

### ۲۳۵- خوش اخلاقی و بد اخلاقی (کافی)

خداوند به یکی از پیامبرانش وحی کرد خوش اخلاقی گناه را آب میکند چنانکه خورشید یخ را آب میکند. بد اخلاقی عمل را از بین میبرد مانند سرکه که عسل را از بین میبرد.

### ۲۳۶- سخاوت و خوش اخلاقی (کنز الفوائد)

خداوند متعال میفرماید این است دینی که من برای خود اختیار کرده ام و آنرا خوش اخلاقی و سخاوت اصلاح میکند، تا آنجا که قدرت دارید این دو صفت را داشته باشید.

### ۲۳۷- خوش اخلاق سخاوتمند (امالی - امام سجاد(ع))

یک اسیری از یهود نزد رسول خدا(ص) آوردند و به او گفتند بگو (لا اله الا الله، محمد رسول الله) او حاضر نشد که این دو جمله را بگوید و مسلمان شود، پیامبر(ص) به علی(ع) امر فرمود که گردن او را بزند. تا حضرت شمشیر را برداشت که امر رسول خدا(ص) را اطاعت کند جبرئیل(ع) نزد پیامبر آمد و گفت ای محمد(ص) پروردگارت سلام میرساند و میفرماید او را نکش زیرا او در میان قومش خوش اخلاق و سخاوتمند است. پیامبر فرمود او را نکش و دست نگهدار زیرا این فرستاده پروردگار من است که خبر میدهد که او در میان قومش خوش اخلاق و سخاوتمند است. یهودی تا این رفتار را دید فوراً مسلمان شد و شهادتین را بر زبان جاری کرد.

### ۲۳۸- مهمان نواز سخاوتمند (محاسن، من لا یحضره الفقیه)

اسرای یکی از جنگها را به حضور پیامبر(ص) آوردند، مردی که از همه بیشتر سزاوار عقوبت بود جلو آوردند که گردنش را بزنند ناگاه جبرئیل(ع) فرود آمد و گفت ای محمد خداوند به تو سلام و درود میفرستد و میفرماید این مردی که اسیر تو است شخصی سخاوتمند و مهمان نواز است و در برابر مشکلات صبر دارد و تاب تحمل ناهمواریهای روزگار را دارد. تا جبرئیل این را گفت پیامبر(ص) فرمود جبرئیل بمن خبر داد که تو دارای صفت سخاوت میباشی و اگر جبرئیل خبر نیاورده بود تو را عقوبت میکردم ولی تو الان آزادی. آن مرد گفت مگر خدای تو شخص سخاوتمند را دوست دارد؟ فرمود بله، فوراً آن مرد شهادت به یکتایی خداوند و رسالت پیامبر(ص) داد و گفت قسم به آنکس که تو را برآستی فرستاده است تا کنون کسی را از مال خود دور ننموده ام. و نیز نقل شده موفعیکه «سامری» مردم را گوساله پرست کرد و زحمات چند ساله حضرت موسی(ع) را از بین برد، موسی(ع) در غضب شد و خواست او را به قتل برساند از طرف حضرت احدیت به او خطاب شد سامری را به قتل نرسان به جهت اینکه او سخاوتمند است.

#### ۲۳۹- من صبر دارم (ارشادالقلوب)

خداوند به حضرت داوود (ع) وحی فرمود به اخلاق من خو بگیر و خداگونه شو، همانا يك قسمت از اخلاق من این است که من بسیار صبر دارم و انسان صابر اگر در حال صبر بمیرد شهید مرده است و اگر زنده بماند عزیز است.

#### ۲۴۰- عظمت صبر (مسکن الفوائد - پیامبر(ص))

خدای عزوجل میفرماید هرگاه بنده ای از بندگانم را مصیبتی در بدن یا مال یا اولادش برسد و آن مصیبت را با صبر نیکو استقبال نماید حیا میکند که روز قیامت برای او ترازویی نصب کنم یا نامه عملی برایش باز کنم.

#### ۲۴۱- صبر در برابر بیماری (کافی - امام صادق(ع))

خدای تعالی میفرماید بنده ای نیست که او را مبتلا به بیماری کرده باشم و او تا سه بار شکایت آنرا به ملاقات کنندگان خود نکند جز اینکه تغییری در گوشت و پوست و خون او دهم که بهتر از گوشت و پوست و خون سابقش باشد (جسم و روح او را پاک کنم). پس اگر روح او را گرفتم او را به جوار رحمت خود میبرم و اگر زنده بماند و زندگی کند هیچ گناهی بر او نمیباشد.

#### ۲۴۲- صبر در برابر مصیبت (مسکن الفوائد - پیامبر(ص))

فرزندی از داوود (ع) مرد، برای او محزون شد، خدای تعالی به او وحی کرد که ای داوود این فرزند برای تو چقدر ارزش داشت؟ عرض کرد پروردگارا به اندازه وزن زمین از طلا برای من ارزش داشت خداوند فرمود در قیامت به اندازه زمین ثواب و پاداش این مصیبت را نزد من داری.

#### ۲۴۳- پاداش مریض (کافی، ارشادالقلوب)

هرگاه مومن مریض شود خداوند متعال به فرشته طرف چپش که مامور نوشتن خطاهاست میفرماید تا موقعیکه بنده ام در بند و زنجیر من است گناهی برای او ننویس و آنگاه به فرشته جانب راستش که مامور نوشتن خوبیهاست میفرماید برای او از خوبیها بنویس مثل آنوقت که در حال سلامتی برای او مینویسی زیرا منم که او را به بند کشیدم و آه و ناله او را حسنت ثابت کن.

#### ۲۴۴- صبر در برابر مصیبت (کافی، ارشادالقلوب)

امام جعفر صادق(ع) در ضمن یک حدیث نسبتاً طولانی که خلاصه آن این است میفرماید زنی از بنی اسرائیل را وادار به زنا کردند و او تن نداد، او را تهدید به قتل کردند، ناراحتیهایی برایش ایجاد کردند باز حاضر نشد تا اینکه او را بعنوان کنیز فروختند و خریداران او را سوار بر کشتی نمودند و خداوند آن کشتی را دچار طوفان نمود و با سر نشینانش غرق کرد ولی آن زن پاکدامن را که بر روی تخته چوبی قرار داشت به ساحل جزیره رساند و نجات داد. سپس خداوند به پیامبر آن زمان فرمود به نزد آن پادشاه برو و بگو در جزیره ای از جزایر دریا آفریده ای از آفریدگان من است، تو و آنانی که در مملکت تو هستند بیرون روید تا به نزد آن بنده من برسید و نزد او به گناهان خود اقرار کنید سپس از او بخواهید که شما را عفو کند اگر او از شما بگذرد من شما را می آمرزم.

#### ۲۴۵- بلا را نعمت می شمارند (کافی، ارشادالقلوب)

خدای سبحان به حضرت داوود (ع) فرمود ای داوود ، من بهشت را از یک خشت طلا و یک خشت نقره آفریدم. سقف بهشت را از زمره قرار دادم و گل آنرا یاقوت، خاکش را از مشک ناب و سنگهایش را از مروارید، ساکنانش را حوریه قرار دادم. ای داوود میدانی آن بهشت را برای کی آماده کرده ام؟ عرض کرد نمیدانم پروردگارا، خطاب رسید برای گروهی که بلا را نعمت می‌شمارند و لذت و آسایش را مصیبت میدانند.

#### ۲۴۶- فروتنی با پیامبری (کافی، علل الشرایع، مجالس، من لا یحضره الفقیه)

خدای تعالی به موسی(ع) وحی فرمود که ای موسی آیا هیچ میدانی که چرا تو را برای گرفتن وحی و سخن خود برگزیدم و دیگری را انتخاب نکردم؟ عرض کرد پروردگارا نمیدانم، خطاب رسید ای موسی همانا من بندگانم را آزمایش کردم و ظاهر و باطن همه را دیدم و کسی را که دلش از تو خاشع تر و خاضع تر باشد نیافتم پس از این جهت تو را برگزیدم و وحی را مخصوص تو قرار دادم نه دیگران.

#### ۲۴۷- فروتنی کوه طور (عده الداعی)

خداوند به حضرت موسی بن عمران(ع) وحی فرستاد که برای مناجات با من به بالای کوه برو. در آنجا کوه بسیار بود و هرکدام طمع داشتند که موسی به بالای آن برود مگر کوه کوچکی که خود را حقیر شمرد و گفت من کمتر از آنم که پیامبر خدا برای مناجات با رب العالمین به بالای من بیاید. در اینجا خداوند به موسی وحی فرستاد که با بالای این کوه کوچک برو بدلیل اینکه او خود را در حساب نیاورد و بزرگ نشمارد.

#### ۲۴۸- تواضع برای خداوند (مجالس، کافی - امام صادق(ع))

از دستوراتی که به عیسی(ع) وحی شد این بود حق خدا بر بندگانش این است که چون نعمتی به آنها روی آورد برای خدا تواضع و فروتنی کنند.

#### ۲۴۹- تواضع سبب تقرب به خداست (کافی، امالی)

خداوند به داوود (ع) وحی کرد که ای داوود ، همچنانکه روز قیامت نزدیکترین مردم بمن اهل تواضع میباشند همینطور دورترین افراد بمن در قیامت متکبرانند.

#### ۲۵۰- فروتنی برای فقرا (تفسیر عسکری)

خداوند متعال به موسی(ع) فرمود ای موسی، آیا میدانی بنده ای از بندگانم را که دارای گناهان و لغزشهای بسیار است به اندازه ای که گناهان او تا نزدیک آسمان میرسد اما با این وجود بدون اینکه باکی داشته باشم او را می آمرزم. موسی گفت پروردگارا چگونه او را بدون اینکه باکی داشته باشی می آمرزی؟ فرمود او را دوست دارم بخاطر خصلت شریفی است که در او میباشد و آن خصلت عبارت است از دوست داشتن مستمندان و همنشینی با آنها که خود را با آنها برابر میدانند و بر ایشان تکبر نمی کند و چون این کارها را انجام میدهد بدون چون و چرا گناهانش را می بخشم.

ای موسی، فخر و عظمت و اظهار بزرگی کردن مختص من است. کسیکه در یکی از این دو صفت با من رقابت کند او را به آتش جهنم عذاب خواهم کرد. ای موسی از جمله بزرگداشت جلال من اینست که بنده ای که به او بهره ای از دنیا دادم گرامی بدارد بنده ای از بندگان مومنم را که دستش از دنیا کوتاه شده است، که اگر کوتاهی کرد و تکبر نمود عظمت مرا سبک شمرده است.

#### ۲۵۱- اخلاص، ودیعه خدایی است (مسکن الفواد، منیه المرید)

خدای عزوجل میفرماید اخلاص رازی است از اسرار من، آنرا ودیعه گذاشتم در قلب کسی از بندگانم که او را دوست میدارم. در حدیث قدسی وارد شده که هرکس درون خود را فاسد کند خداوند بیرونش را فاسد میکند.

#### ۲۵۲- بنده گمنام (التحصین، قرب الاسناد)

خدای با عزت و جلال میفرماید رشک آورترین دوستانم نزد من بنده مومنی است که بهره ای از شایستگی دارد، عبادت پروردگارش را نیکو انجام داده و خدا را در نهان عبادت کرده و در میان مردم گمنام است و با انگشت به او اشاره نمیشود (مشهور و معروف نیست) روزیش به قدر کفاف است و بر آن صبر میکند، مرگش زود رسیده، میرانش کم و گریه کنندگان کم هستند.

#### ۲۵۳- از مردم بترس (عده الداعی، امالی)

خداوند به یکی از پیامبران بنی اسرائیل وحی کرد که اگر دوست داری که فرزاد قیامت مرا دیدار کنی پس در دنیا غریب و غمگین و از مردم بترس مانند پرنده ای که در بیابان بی آبادی پرواز میکند از برگها و میوه های درختان میخورد و از چشمه ها می نوشد، چون شب فرا میرسد تنها به آشیانه خود می رود و پرنده دیگری با او نیست، با پروردگار خود انس دارد و از پرندگان دیگر میترسد.

#### ۲۵۴- دیدن کردن از مسلمان (امالی، ثواب الاعمال، محاسن، کافی)

رسول خدا(ص) فرمود جبرئیل(ع) بمن خبر داد که خدای عزوجل فرشته ای را به زمین فرستاد، فرشته راه میرفت تا به در خانه ای رسید که مردی از صاحب خانه اجازه ورود میگرفت. فرشته گفت با صاحب این خانه چکار داری؟ گفت او برادر مسلمان من است که بخاطر خدای تبارک و تعالی دیدارش میکنم. فرشته گفت جز به این منظور نیامده ای؟ گفت نه، فرشته گفت من فرستاده خدا به سوی تو هستم، او به تو سلام میرساند و میفرماید بهشت برایت واجب شد. سپس گفت خدای عزوجل میفرماید هر مسلمانی که از مسلمانی دیدار کند او را دیدار نکرده بلکه مرا دیدار کرده و بهشت بعنوان ثواب او بر عهده من است. از مصدر فوق روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود هر کس برادرش را در منزلش دیدار کند خدای با عزت و جلال به او میفرماید تو مهمان و دیدار کننده من هستی و پذیرایی تو بر من است، من بخاطر دوستی تو نسبت به به او بهشت را برایت واجب ساختم.

#### ۲۵۵- دیدار برادران (کافی)

امام باقر(ع) میفرماید مومن که برای دیدار برادرش از منزل خارج میشود خدای عزوجل فرشته ای بر او می گمارد که يك بال در زمین و يك بالش در آسمان است تا بر او سایه اندازد و چون به منزل او برود خدای جبار تبارک و تعالی ندا کند که ای بنده ای که حقم را بزرگ داشتی و از آثار پیامبرم پیروی کردی، بزرگداشت تو حقی است بر من، دعا کن تا تو را اجابت کنم، خاموش باش تا به سود تو آغاز کنم. چون به خانه اش برگردد همان فرشته بدرقه اش کند و با پرش بر او سایه اندازد تا به منزلش وارد شود سپس خدای تبارک و تعالی با صدای بلند گوید ای بنده ای که حقم را بزرگ شمردی، گرامی داشتن تو حقی است بر من، بهشت را برایت واجب ساختم و تو را درباره بندگانم شفیع گردانیدم.

#### ۲۵۶- قتل نفس محترمه (عقاب الاعمال، محاسن)

خداوند به موسی(ع) فرمود ای موسی، به بزرگان و سرشناسان بنی اسرائیل بگو شما را گوشزد میکنم از بناحق کشتن نفس محترمه زیرا هر کس از شما کسی را در دنیا به ناحق بکشد او را در آتش جهنم صد هزار بار همانند آن طرز کشتنی که در باره آن مقتول مرتکب شده است به قتل میرسانم.

#### ۲۵۷- حق الناس (عده الداعی)

از پیامبر اکرم(ص) منقول است که خداوند تعالی بمن وحی کرد که بترسان قوم خود را که داخل خانه ای از خانه های من نشوند در حالیکه حق یکی از بندگان من بر گردنشان باشد زیرا که او را لعنت میکنم تا موقعیکه در پیشگاه من به نماز ایستاده است مگر اینکه حق الناس را ادا کند که آنوقت از اولیاء و برگزیدگان من میشود و در بهشت با پیامبران و صدیقان و شهدا همسایه است.

#### ۲۵۸- سخن چینی (الغیبه)

سالی در بنی اسرائیل قحطی آمد و حضرت موسی(ع) چند مرتبه نماز طلب باران انجام داد اما باران نیامد، به او وحی شد که در میان شما يك نفر سخن چین است که بر کار خود اصرار دارد از این رو دعای شما را مستجاب نمیکم. موسی عرض کرد خدایا آن شخص کیست تا او را از جمع خود بیرون کنیم؟ خطاب شد من از سخن چینی نهی میکنم و خودم جزو آنان باشم؟ بگو همه توبه کنند تا دعایشان مستجاب شود. توبه کردند و خداوند باران رحمت خود را نازل فرمود.

#### ۲۵۹- حسادت نکن (کافی، ارشادالقلوب)

خدای عزوجل به موسی(ع) فرمود ای پسر عمران، بر آنچه از فضل خود به مردم داده ام حسادت نکن و چشمت را دنبال آن دراز نکن و دلت را به دنبال آن نبر زیرا شخص حسود از نعمت من ناراحت است و از قسمتی که میان بندگانم کرده ام ممانعت میکند و کسیکه چنین باشد من از او نیستم و او از من نیست. و نیز روایت شده که حضرت موسی(ع) مردی را که بر بالای عرش قرار داشت دید، موسی بر آن مقام حسادت کرد و عرض کرد پروردگارا به چه عملی این مرد به این مقام رسیده است و چه چیز خوبی در او است که از سکان سایه عرش گردیده؟ خطاب رسید که این شخص حسادت نکرده است.

#### ۲۶۰- غیبت کننده (غیبت، ارشادالقلوب)

خداوند به موسی(ع) وحی فرمود هر کس بمیرد ولی از غیبت‌هایی که کرده توبه نماید او آخرین فردی است که وارد بهشت میشود و هر کس بمیرد و اصرار به غیبت کردن داشته باشد پس او اول کسی است که وارد جهنم میشود و کسی که او را غیبت کنند نصف گناهانش را می‌آمرزم.

#### ۲۶۱- زبان درازی (عده الداعی، ارشادالقلوب)

خداوند به داوود(ع) وحی فرمود ای داوود بر گناهانت گریه کن مانند زنی که فرزند جوانش مرده است، اگر ببینی در جهنم مردمی را که گوشت یکدیگر را بوسیله زبانهایشان میخورند و بین دو متخاصم قرار گرفته اند و با گرزهای آتشین آنها را میزنم، سپس فرشتگان را بر آنان مسلط میکنم که آنان را نگوشت کنند. میگویند ای اهل جهنم این فلان زبان درازی است که زبان درازی میکرد، او را بشناسید چقدر نمازهای طولانی خواند و چقدر در آن نمازها گریه کرد از خوف خدا، به اندازه شکاف دانه خرما ارزش نداشت. هنگامیکه به دلش نگاه کردم او را از نظر نماز سالم یافتم ولی اگر زنی برای او آشکار میشد و خودش را در اختیار او قرار میداد او را میپذیرفت و اگر با مومنی معامله میکرد در حق او خیانت مینمود.

#### ۲۶۲- ریاکاران (عقاب الاعمال، علل الشرایع - امام موسی(ع))

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود در روز قیامت امر شود مردمی را به سوی آتش ببرند و خداوند سبحان به مالک دوزخ فرمان دهد که به آتش بگویند قدمهای ایشان را نسوزان چون به سوی مساجد رفته اند و دستهای ایشان را نسوزان چون برای دعا به جانب آسمان بلند نموده اند و زبان ایشان را نسوزان چون قرآن تلاوت کرده اند. پس خازن جهنم به ایشان گوید ای بیچارگان چه کرده اید که مستوجب جهنم شدید؟ گویند ما عباداتی را برای غیر خدا انجام دادیم. پس به ایشان گفته میشود اجر خود را از همان کسانی که بخاطرشان عبادات را بجا آوردید بگیریید.

#### ۲۶۳- شکمت دریاست (من لا یحضره الفقیه)

خدای تبارک و تعالی میفرماید اگر فرزند آدم دو صحرا از طلا و نقره داشت علاوه بر آنها سومی را میخواست. ای فرزند آدم همانا شکم تو دریایی است از دریاها و صحرائی است از صحراها و شکم آدمیزاد را جز خاک پر نمیکند.

#### ۲۶۴- دو زبان در یک دهان (عقاب الاعمال، کافی)

خدای تعالی به عیسی(ع) فرمود ای عیسی باید زبان تو در پنهان و آشکار یک زبان باشد و همچنین دل تو، من دل تو را از خودت بر حذر میدارم و تو باید خوب بدانی شایسته نیست دو زبان در یک دهان و دو شمشیر در یک غلاف و دو دل در یک سینه و همینطور افکار.

#### ۲۶۵- مست کردن (کافی)

خدای تعالی میفرماید کسی که مست کننده ای را بیاشامد و یا آنرا به بچه ای که درک نمیکند بخوراند، او را از آب سوزان جهنم سیراب میکنم چه آمرزیده باشد و چه معذب و کسی که به جهت خوشنودی من آنرا ترک کند او را از نوشابه های بهشتی سیراب میکنم و رفتاری که با اولیای خود دارم با او انجام میدهم.

#### ۲۶۶- دشمنان خدا (ارشادالقلوب)

از رسول خدا(ص) روایت شده که چون روز قیامت شود منادی ندا میکند کجا هستند دشمنان من؟ جبرئیل(ع) عرض میکند ای پروردگارا من دشمنان تو زیادند، کدام دشمن خود را اراده فرموده ای؟ خدای عزوجل میفرماید کجايند اصحاب خمر یعنی کسانی که مشروب مینوشند؟ کجايند آنهايي که شب را در حالت مستی به صبح می‌آورند؟ کجايند آنهايي که فرجهای حرام را حلال شمردند؟ آنگاه خداوند آنها را با شیاطین قرین میسازد.

## عبادات

### ۲۶۷- عبادات همگانی (تحف العقول عن آل الرسول)

خداوند به موسی(ع) وحی کرد ای موسی هر زمانی مرا بخوانی بیابی و من بزودی هرچه کردی بیمارزم. آسمان از ترسم مرا تسبیح گوید و فرشته ها از ترسم نگراند و زمین به طمع رحمت مرا تسبیح میکند و همه آفریده هایم مرا از روی خواری تسبیح میگویند. پس بر تو باد به نماز که آن در نزد مقامی دارد و از برای آن در نزد من عهدی محکم است و بدنیا آن بیار آنچه از نماز است یعنی زکات که موجب تقرب است زیرا من نپذیرم جز حلال را که برای من باشد و صله رحم را به آن اضافه کن زیرا که منم بخشاینده و مهربان. رحم را از فضل و رحمت خود آفریدم تا بنده هایم بوسیله آن ببیند مهربان باشند و برای آنها در نزد من سلطنتی است در رستخیز آخرت. منم که قطع میکنم با کسی که قطع رحم کرده و میپویند با کسی که به رحم پیوند کند و با هر کس که امرم را ضایع کند چنین میکنم.

### ۲۶۸- به مناجاتم نعمت بگیرید (کافی)

خداوند به داوود (ع) وحی کرد ای داوود به من خوش باش و به یاد من لذت ببر و به مناجات من نعمت بگیر که بزودی خانه را از فاسقان خالی کنم و لعنت را مخصوص ظالمان سازم.

### ۲۶۹- به عبادتم نعمت بگیرید (امالی)

خدای تعالی میفرماید ای بندگان صدیق، در دنیا بوسیله عبادت من نعمت ببرید زیرا که شما بوسیله آن در بهشت نعمت خواهید برد.

### ۲۷۰- صبح و عصر مرا ذکر کن (ارشادالقلوب، ثواب الاعمال، تهذیب)

خدای تعالی میفرماید نمازگزار در حال مناجات با من است و اتفاق کننده در توانگری به من وام میدهد برای روز تهیدستی و روزه دار بمن تقرب میجوید. خدای تعالی میفرماید ای فرزند آدم یک ساعت در صبح مرا ذکر کن و یک ساعت پس از عصر تا آنچه مهم داری کفایت کنم.

### ۲۷۱- شرط قبولی نماز (محاسن، التحصین فی صفات العارفين)

خدای تعالی میفرماید همانا نماز آنکس را قبول میکنم که برای عظمم فروتنی کند و بیاد من روز خود را شب کند و دلش پر از ترس من باشد و بخاطر من خود را از خواهشهای نفسانی باز دارد و خود را بر بندگانم بزرگ نشمارد. به جهت من سیر کند گرسنه را و ببوشاند برهنه را و رحم کند بلا رسیده را و غریب را جا دهد و نور چنین شخصی مانند خورشید تابان در آسمان میدرخشد و در تاریکیها روشنایی و در نادانیها شناخت و علمی برایش قرار میدهم و قسم به عزتم که او را حفظ میکنم و فرشتگانم از او محافظت میکنند. چون مرا بخواند در جواب او لبیک گویم و چون از من درخواست کند عطا میکنم و مثل او در میان مردم مانند فردوس است در بهشت که هرگز نهرهای او خشک نمیشود و میوه های آن نمی پوسد.

### ۲۷۲- نمازهای پنج گانه (من لا یحضره الفقیه)

رسول خدا(ص) وارد مسجدی شد که گروهی از یاران آن حضرت آنجا بودند، پیامبر(ص) فرمود آیا هیچ میدانید که پروردگارتان چه فرموده و چه دستور داده است؟ گفتند خدا و پیامبرش بهتر میدانند، فرمود همانا پروردگارتان میفرماید هر کس نمازهای پنج گانه را محافظت کند و آنها را در اول وقت بجا آورد مرا در قیامت ملاقات کند درحالیکه برای او نزد من عهدی است که او را داخل بهشت کنم و هر کس آنها را در اول وقت خود بجا نیاورد و بر آنها محافظت نداشته باشد این به من مربوط میشود اگر بخواهم عذابش کنم و اگر بخواهم او را می آمرزم.

### ۲۷۳- برات نمازگذاران (امالی)

خدای تبارک و تعالی را فرشته ای است بنام «سخائیل» که وقت هر نمازی برات برای نمازگذاران از خداوند جهان دریافت میکند. صبح که مومنان برخیزند و وضو بگیرند و نماز صبح بگذارند براتی از خدای عزوجل برای آنها بگیرد که در آن نوشته است: منم خدای باقی، بنده ها و کنیزهایم، شما را در پناه خود دارم، به عزت خود سوگند که شما را وانگذارم و گناهان شما تا ظهر آمرزیده است و چون ظهر برخیزند وضو و نماز بجا آورند برات دومی از خدا برای آنها بگیرد که نوشته ای بنده هایم و کنیزانم منم خدای توانا، گناهان شما را به نیکی تبدیل کردم و گناهان شما را آمرزیدم و شما را به رضای خود در دارالجلال وارد کردم. وقت عصر که به وضو و نماز برخیزند برات سومی از خداوند برای آنها بگیرد که نوشته ای بندگانم و ای کنیزانم منم خدای جلیل که یادم محترم است و سلطنتم بزرگ است، بدنهای شما را بر آتش حرام کردم و شما را به مسکن ابرار درآوردم و به رحمت خود شر بدان را از شما دفع کردم و چون وقت نماز مغرب بیاید و برخیزند وضو بگیرند و نماز بخوانند برات چهارمی از خدای عزوجل برای آنها بگیرد که در آن نوشته ای بنده ها و کنیزانم، منم خدای جبار کبیر متعال که فرشتگانم از طرف شما خوشنود بالا آمدند و بر من حق است که شما را خوشنود کنم و روز قیامت آرزوی شما را برآورم و چون وقت نماز عشا رسد و برخیزند که وضو بسازند و نماز بجا آورند برات پنجمی از خدای عزوجل برای آنها بگیرد که در آن نوشته منم خدایی که جز من معبودی حقی نیست و پروردگاری جز من نباشد، بنده هایم و کنیزانم، در خانه خود تطهیر کردید و به خانه من آمدید و به ذکر من داخل شدید و حق مرا شناختید و فرایض مرا انجام دادید، ای سخائیل تو را با فرشتگان دیگرم گواه میگیرم که من از آنها راضی هستم.

#### ۲۷۴- نماز شب (ارشادالقلوب)

خداوند به حضرت داوود (ع) وحی کرد ای داوود در تاریکی شب و سحرگاهان استغفار کن. ای داوود هرگاه تاریکی شب تو را فرا گرفت به ستارگان بلند در آسمان نگاه کن و مرا تسبیح بگو و بسیار به ذکر من مشغول باش که من هم تو را یاد میکنم. ای داوود همانا پرهیزکاران شبها را نمی خوانند و به خواندن نماز بسر میبرند و روزشان را سپری نمیکنند مگر به ذکر من. ای داوود همانا عارفین دیدگانشان را سرمه بیداری میکشند و در دل شب بپا میخیزند و خوشنودی مرا طلب میکنند. ای داوود هر کس بخاطر من نماز شب بخواند در حالیکه مردمان خواب هستند فرشتگان را امر میکنم که برای او استغفار کنند بلکه هر تر و خشکی که در عالم است برایش دعا و طلب بخشش کند و بهشت مشتاق او میگردد. ای داوود بشنو آنچه را که میگویم و من حق را میگویم، به درستی که من مهربانترم بر بنده گناهکارم بیشتر از خود او برای خودش و من دوست دارم بنده خودم را برای اینکه او مرا دوست دارد و من از او شرم دارم ولی او از من حیا نمیکند و مرا نافرمانی میکند.

#### ۲۷۵- مناجات در دل شب (امالی)

در ضمن مناجات خدا با موسی(ع) این بود که به او فرمود ای پسر عمران اگر ببینی آنان را که نماز میخوانند در تاریکی شب و خود را بمن نزدیک مینمایند به حدی که گویی مرا میبینند و مرا مخاطب قرار میدهند و با من سخن میگویند و من آنان را عزیز و بزرگ میکنم. ای پسر عمران دروغ میگوید کسی که گمان میکند مرا دوست دارد ولی در تاریکی شب میخوابد و مرا ذکر نمیکند. چگونه اینطور است مگر نه اینکه هر دوستی خلوت با دوست را میخواهد. من ای پسر عمران چون شب شود بر دوستانم متوجه شوم، دیده آنان را بر دلشان نهم و کيفرم را برابر چشمانشان مجسم کنم و آنان مرا مشاهده میکنند و با من حضوری گفتگو مینمایند. ای پسر عمران از دلت بمن خشوع بده و از بدنت خضوع و از دو چشمت برای من اشک بریز، سپس مرا در دل شبهای تاریک بخوان که مرا نزدیک پاسخ دهنده می یابی.

#### ۲۷۶- راز و نیاز در دل شب (امالی)

از رسول خدا(ص) روایت شده که چون بنده در نیمه شب تاریک با خدای خود خلوت کند و راز و نیاز نماید پروردگار متعال نوری در دلش جای دهد و چون گوید یا رب یا رب پروردگار بزرگ او را ندا کند که بله بنده من، بخواه تا بتو بدهم، بر من توکل کن تا تو را کفایت کنم. سپس خداوند به فرشتگانش میفرماید ای فرشتگانم ببینید بنده مرا در دل شب تاریک با من خلوت کرده و بیهودگان در بازی و غفلتند و در خواب میباشند. گواه باشید که من او را آمرزیدم.

#### ۲۷۷- چه سختیها میکشد (ارشادالقلوب، ثواب الاعمال، علل الشرايع)

هرگاه بنده ای برای نماز شب برخیزد و خواب بر او غلبه کند آنچنان که او را به راست و چپ کشاند و گاهی چانه اش به سینه اش رسد حقتعالی امر فرماید که درهای آسمان را بگشایند و فرشتگان را ندا دهد که نظر کنید به بنده من که در راه تقرب بمن چه سختیها میکشد در چیزی که بر او واجب نساختم با امید سه چیز، یا گنااهش را بیامرزم یا توبه روزیش گردانم و یا روزی او را زیاد کنم. ای فرشتگان شما را گواه میگیرم که من همه را به او عطا کردم.

#### ۲۷۸- شب زنده داران (ارشادالقلوب)

از حضرت رسول اکرم(ص) روایت شده که در جنات عدن اسبهای ابلقی است که زینهایی از یاقوت و زبرجد دارند و دارای بال میباشند، نه سرگین اندازند و نه ادرار کنند، دوستان خدا بر آنها سوار شوند و در بهشت به هر جا بخواهند پرواز کنند سپس اهل بهشت آنها را صدا کنند که ای برادران، شما با ما انصاف نکردید. سپس گویند پروردگارا چگونه شده است که اینان به این مقام رسیده اند؟ آنگاه فرشته ای از عرش جواب گوید که اینان کسانی بودند که شب زنده داری کردند و شما میخوابیدید، اینان روزه دار بودند و شما افطار میکردید و بخاطر خداوند از اموال خویش صدقه دادند و انفاق کردند اما شما بخل ورزیدید. اینان زیاد به ذکر خدا بودند و سستی در ذکر نکردند و از خوف خدا گریه میکردند و نسبت به دیگران مهربانی مینمودند.

#### ۲۷۹- عظمت مساجد (محاسن، ثواب الاعمال)

خدای تعالی میفرماید مساجد خانه های من در روی زمین است. برای اهل آسمان روشنی میبخشد همچنانکه ستارگان برای اهل زمین میدرخشد. خوشا به حال کسی که مساجد خانه های او باشد، خوشا به حال آنکه در خانه اش طهارت کند سپس مرا در خانه ام (مسجد) زیارت نماید و بر میزبان است که مهمان را گرمی بدارد. بدانید کسانی که در تاریکیهای شب به طرف مساجد روانند در قیامت با نوری درخشان خواهند بود.

#### ۲۸۰- ادب در مسجد (عده الداعی)

خداوند به عیسی(ع) وحی فرمود به بنی اسرائیل بگو که داخل نشوید در خانه ای از خانه های من مگر با چشمان گریان و دلهای پاک و دستهای پاکیزه و به آنان بگو که من اجابت نمیکنم دعای یکی از آنها را در حالیکه نزد او حق کسی باشد.

#### ۲۸۱- من پاداش میدهم (کافی، تهذیب)

خداوند تعالی میفرماید روزه برای من است و من پاداش آنرا میدهم.

#### ۲۸۲- روزه در ماه رجب (ثواب الاعمال)

رسول خدا(ص) فرمود هرکس سه روز از ماه رجب بگیرد خداوند بین او و جهنم خنقی و یا دیواری که طول آن هفتاد سال راه باشد قرار میدهد و هنگام افطار پروردگار میفرماید برآستی حقی برای تو بر من واجب شد و محبت و سرپرستی تو بر من لازم گشت. ای فرشتگان شما را گواه میگیرم که گناهان قدیم و جدیدش را بخشیدم.

### ۲۸۳- بوی دهان روزه دار (کافی)

حقتعالی به موسی(ع) وحی فرمود که ای موسی چی مانع شده است که با من مناجات نمیکنی؟ گفت پروردگارا عظمت و جلال تو مانع من شده است از آنکه تو را مناجات کنم با وجود بوی بد دهان من که بواسطه روزه داری ایجاد شده است. پس خداوند به او وحی فرمود ای موسی بوی دهان شخص روزه دار نزد من از بوی مشک بهتر و خوشایندتر است.

### ۲۸۴- پیهای کعبه (علل الشرایع)

از حضرت امام محمد باقر(ع) روایت شده است که چون در بهشت آدم و حوا از آن درخت نهی شده خوردند خداوند ایشان را همان روز به زمین فرستاد و جبرئیل به دستور خداوند آنها را به سوی شهر پر برکت مکه پایین آورد و آدم را بر «صفا» گذاشت و حوا را بر «مروه» و هر دو بر پا ایستادند و سر به آسمان برداشتند و صدا به گریه به پیشگاه خداوند بلند کردند و گردنهای خود به خضوع کج کردند. از جانب خداوند به ایشان ندا رسید که چرا گریه میکنید بعد از آنکه از شما راضی شدم؟ گفتند پروردگارا گناهان، ما را به گریه آورده است و از اینکه بین ما جدایی انداخته ای وحشت شدیدی به ما دست داده. خداوند مهربان ترحم نمود و به جبرئیل وحی کرد منم خداوند رحمان و رحیم که بر آدم و حوا رحم کردم چون بمن شکایت کردند. پس خیمه ای از خیمه های بهشت برای ایشان ببر و مفارقت بهشت را به ایشان تسلیت بگو و آنها را به صبر سفارش کن و آدم و حوا را در آن خیمه پیش هم قرار بده و علت ترحم من بر آدم و حوا برای گریه و وحشت و تنهایی ایشان بود و خیمه را برای ایشان در آن بلندی که میان کوههای مکه است نصب کن (همین جایی که خانه کعبه است). آنگاه خداوند به جبرئیل وحی کرد که فرو فرست بر خیمه هفتاد فرشته را که آنها از متمردان شیاطین محافظت نمایند و مونس آدم و حوا باشند و نیز به جهت تعظیم و بزرگداشت خیمه و کعبه بر دور آن طواف کنند. سپس امام فرمود که آنگاه خداوند تعالی به جبرئیل وحی کرد که برو بسوی آدم و حوا و ایشان را دور کن از مواضع پیهای خانه ام و بلند کن پیهای خانه ام را برای ملائکه ام و پس از آن برای فرزندان آدم. جبرئیل بر آدم و حوا نازل شد و ایشان را از خیمه بیرون کرد و از جای کعبه دور نمود و خیمه را از آن مکان برداشت و آنگاه خداوند به جبرئیل وحی کرد بنا کن این خانه را و تمام کن آنرا از سنگی که به امانت در کوه ابوقبیس سپرده شده است (حجرالاسود) و دو درگاه برای آن قرار بده یکی از جانب شرق و دیگری از جانب غرب.

کعبه ابتدا دارای دو در بود، در شرقی و در غربی و چون سیلابهایی که از دامن کوههای اطراف مسجدالحرام جاری میشد کعبه را ویران میکرد و اهل مکه هم از تجدید بنای آن سستی مینمودند و مجددا دور آن دیوار می کشیدند تا اینکه کم کم مسجد کوچک گردید و یک در را بستند و یکی را باقی گذاشتند و رسول خدا(ص) دلش میخواست کعبه را خراب کند و از نو آنرا با دو در شرقی و غربی بنا نماید که تعصبات جاهلی مردم مانع از این عمل شد و این مطلب از گفتار آن حضرت به عایشه روشن میشود چنانکه در قسمتی از روایات است «لو لا قومك حدیثو عهد بالاسلام لهدمت کعبه و جعلت لها بابین» یعنی اگر قوم تازه مسلمان نبودند و روحیه جاهلی نداشتند کعبه را خراب میکردم و آنرا از نو با دو در میساختم.

### ۲۸۵- مژده خداوند به کعبه (من لا یحضره الفقیه)

در زمان فترت که از حضرت عیسی(ع) تا آمدن حضرت محمد(ص) است کعبه به خداوند شکایت کرد و گفت پروردگارا زوار و حجاج من کم شده اند، خداوند متعال به او فرمود همانا من نور جدیدی (پیامبر اسلام(ص)) را میفرستم که پیروان او مشتاق زیارت تو باشند همانطور که چهارپایان مشتاق بچه های خود هستند و دل آنها به عشق زیارت تو پروبال میزند همچنانکه زنان برای شوهران خود پروبال میزنند و آغوش میکشایند.

### ۲۸۶- حجاج در روز عرفه (عده الداعی)

خداوند روز عرفه به فرشتگانش میفرماید ای فرشتگانم آیا نمیبینید بندگان و کنیزانم را که از اطراف عالم با خاطری پریشان و چهره ای گرد و خلاق گرفته آمده اند، میدانید که چه میخواهند. فرشتگان گویند پروردگارا اینها آمرزش را میخواهند. آنگاه خداوند متعال میفرماید شما را گواه میگیرم که من ایشان را بخشیدم.

### ۲۸۷- نهی از منکر (کافی)

عابدی بود در بنی اسرائیل که هرگز متوجه دنیا نشده بود تا اینکه ابلیس بچه های خود را جمع کرد و گفت کیست که برود و فلان عابد را گمراه کند؟ یکی از آنها گفت من میروم، پرسید از چه راه او را گمراه خواهی کرد؟ گفت از راه زنان. گفت کار تو نیست او هنوز با زنان معاشرت نکرده و لذت آنرا نیافته است. دیگری گفت من میروم پرسید از چه راهی؟ گفت از راه شراب گفت کار تو نیست. دیگری گفت من میروم پرسید از چه راهی؟ گفت از راه عبادت برو تو توان این کار را داری. آنگاه این شیطان بصورت مردی مجسم شد و به عبادتگاه او رفت و در برابر او ایستاد و مشغول نماز شد، عابد خواب و استراحت میکرد ولی شیطان خواب نمیرفت. عابد به آن شیطان گفت چه کرده ای که چنین توانی را یافته ای که از عبادت خسته نمیشوی؟ شیطان جوابش نگفت و همواره به عبادت ادامه میداد بعد از التماس زیاد گفت ای بنده خدا گناهی کردم و هر وقت که آن گناه را بخاطر می آورم این توان را پیدا میکنم. عابد گفت بگو چه گناهی کردی که من انجام دهم تا به مرتبه تو برسم. گفت داخل شهر شو و خانه فلان فاحشه را بپرس و با او زنا کن. عابد با همان لباس عبادت به خانه آن زن فاحشه رفت، مردم فکر کردند برای هدایت او آمده است. زن گفت ای مرد کسی با چنین قیافه ای نزد من نیامده است قصد تو چیست؟ چون عابد قصه خود بازگو کرد زن گفت بنده خدا ترك گناه آسانتر است از توبه کردن، البته آن مرد شیطان بوده که برای تو مجسم شده است، برگرد به عبادتگاه خود. عابد برگشت و آن زن فاحشه همان شب مرد. چون صبح شد بر در خانه او نوشته شده بود که حاضر شوید به جنازه فلان زن که او اهل بهشت است. مردم به شك افتادند و سه روز او را دفن نکردند تا اینکه حقتعالی به پیامبری از پیامبران وحی فرمود که برو پیش فلان زن و بر او نماز بگذار و مردم را امر کن که بر او نماز بگذارند زیرا که من او را آمرزیدم و بهشت را بر او واجب کردم به سبب آنکه او بنده مرا از معصیت من بازداشت.



### ۲۸۸- بله اینطور بود (کافی)

در بنی اسرائیل عابدی بود که حضرت داوود (ع) از عبادت او به شگفت آمد تا اینکه پروردگار متعال به او وحی کرد که هیچ کار او تو را خوش نیاید زیرا که او ریاکار است و خدا را برای مردم عبادت میکند. چون آن شخص فوت شد به نزد آن حضرت آمدند و گفتند فلان عابد از دنیا رفت، داوود گفت او را دفن کنند. چون او را غسل دادند پنجاه نفر برخاستند و گفتند بخدا شهادت میدهم که غیر از نیکی از او چیزی نمیدانیم و در نماز او نیز پنجاه نفر چنین شهادت دادند. آنگاه حقتعالی به داوود (ع) فرمود که چرا به جنازه فلانی حاضر نشدی؟ گفت برای آنچه که خود از حال او خبر دادی، خداوند به او فرمود بله اینطور بود ولی جمعی از عالمان و رهبانان در جنازه او حاضر شدند و نزد من شهادت دادند که از او غیر از نیکی چیزی سراغ ندارند پس شهادت ایشان را قبول کردم و آنچه خود از او میدانستم را آمرزیدم.

### ۲۸۹- تهلیل (محاسن)

چون نوح(ع) بر کشتی سوار شد خداوند به او وحی کرد که ای نوح اگر از غرق شدن میترسی هزار بار مرا تهلیل بگو و نجات پیدا کن، من تو را و هر که به تو ایمان آورده نجات میدهم.

### ۲۹۰- بهتر از عبادت چهل سال (ارشادالقلوب، کافی)

مردی از بنی اسرائیل چهل سال خدا را عبادت کرد سپس گوسفندی را قربانی کرد و پذیرفته نشد به همین دلیل نفس خویش را سرزنش کرد که قبول نشدن قربانی من بواسطه تو میباشد پس از آن صدایی شنید که به او گفت خشم کردن تو بر نفست بهتر از عبادت چهل ساله تو است.

### ۲۹۱- مصاحبه موسی(ع) با خداوند (امالی، مسکن الفوائد، ثواب الاعمال)

در مصاحبه موسی بن عمران با خداوند عزوجل این بود که موسی(ع) عرض کرد معبودا، پاداش کسی که گواهی دهد من رسول و نبی و هم سخن تو هستم چیست؟ خداوند فرمود فرشتگانم نزد او بیایند و به او مژده بهشت دهند. موسی عرض کرد پروردگارا پاداش کسی که برابرت بایستد و نماز بخواند چیست؟ فرمود نزد فرشتگانم به او افتخار میکنم در سجده و قیام و قعودش و هر که چنین باشد او را عذاب نکنم. موسی(ع) عرض کرد پروردگارا پاداش کسی که مسکین را بخاطر تو اطعام کند چیست؟ فرمود ای موسی روز قیامت دستور میدهم که منادی با صدای بلند بگوید که فلانی پسر فلانی از آزاد کرده های خدا از جهنم است. موسی گفت بار خدایا پاداش کسی که صله رحم کند چیست؟ فرمود ای موسی عمرش را دراز کنم و سكرات مرگ را بر او آسان کنم و خازنان بهشت او را فریاد کنند که به شتاب به نزد ما بیا و از هر در که میخواهی وارد شو. موسی گفت معبودا پاداش کسی که آزار خود را از مردم باز دارد و به آنها خوبی کند چیست؟ فرمود ای موسی جهنم روز قیامت به او فریاد زند که به تو راهی ندارم. آنگاه عرض کرد پاداش کسی که تو را با زبان و دل ذکر کند چیست؟ خداوند فرمود ای موسی روز قیامت او را در سایه عرشم پناه میدهم و در حمایت خود میگیرم. این بار موسی گفت پاداش کسی که حکمت تو را نهد و آشکار بخواند چیست؟ فرمود چون برق بر صراط بگذرد. موسی عرض کرد خداوند پاداش کسی که بر آزار و دشنام مردم بخاطر تو شکیبا باشد چیست؟ فرمود در ترسهای روز قیامت به او کمک میکنم. موسی عرض کرد خدایا پاداش کسی که چشمانش از ترس تو اشک بریزد چیست؟ فرمود ای موسی چهره اش را از سوز آتش ننگه میدارم و از قرع اکبر آسوده میسازم. عرض کرد پروردگارا کسی که خیانت را از ترس تو ترک کند چه پاداشی دارد؟ فرمود روز قیامت در امان است. عرض کرد معبودا کیفر کسی که عدا مومنی را بکشد چیست؟ خداوند فرمود روز قیامت به او نظر نمیکنم و از لغزشهای او نمیگذرم. آنگاه موسی عرض کرد معبودا پاداش کسی که کافری را به اسلام دعوت کند چیست؟ فرمود روز قیامت برای هر کس بخواهد به او اجازه شفاعت میدهم. عرض کرد معبودا پاداش کسی که نمازها را بوقت بخواند چیست؟ فرمود هر چه درخواست کند به او میدهم و بهشت را بر او مباح میکنم. باز عرض کرد معبودا پاداش کسی که از ترس تو وضو را تمام بگیرد چیست؟ فرمود ای موسی روز قیامت او را به مقامی برسانم که در آن ترسی نداشته باشد. برای آخرین بار موسی(ع) پرسید معبودا پاداش کسی که ماه رمضان را بخاطر مردم روزه بگیرد چیست؟ خداوند فرمود ثواب کسی را دارد که در آن ماه روزه نبوده است. در ضمن مصاحبه دیگر، موسی(ع) پرسید پروردگارا پاداش کسی که از بیمار عیادت کند چیست؟ خداوند فرمود هنگام مرگش فرشتگانی بر او بگمارم که او را تا قبرش تشییع نمایند و تا روز قیامت مونس او باشند. گفت خدایا برای کسی که میت را غسل میدهد چیست؟ خطاب آمد او را از گناه پاک میکنم همانند روزی که از مادر متولد شده است. عرض کرد برای تعزیت و تسلیت دهندگان اهل معصیت چه ثوابی است خطاب آمد در آن روزیکه هیچ سایه ای جز سایه رحمت من نیست آنها را در زیر سایه رحمت خود پناه میدهم. این بار عرض کرد پاداش کسی که جنازه ای را تشییع میکند چیست؟ فرمود گروهی از فرشتگانم را با پرچمهایی مامور میکنم تا آنان را از گور تا عرش بدرقه نمایند.

### ۲۹۲- پاداش حج (من لا یحضره الفقیه)

چون موسی(ع) مراسم حج خانه خدا را بجا آورد جبرئیل بر آن حضرت فرود آمد، موسی(ع) خطاب به جبرئیل گفت جبرئیل، پاداش کسی که این خانه را با نیت پاک و نفقه حلال حج کند و زیارت نماید چیست؟ گفت نمیدانم تا برگردم و از خداوند سؤال کنم. چون به جانب پروردگارش آمد خداوند فرمود ای جبرئیل موسی به تو چه گفت جبرئیل عرض کرد که موسی بمن چنین و چنان گفت. خداوند فرمود ای جبرئیل برو به او بگو که او را در مرتبه ای بالا قرار میدهم که با پیامبران و صدیقان و شهیدان و نیکوکاران محشور خواهد شد و اینها چقدر رفیقان خوبی هستند.

### ۲۹۳- وظیفه تو دعا است (عده الداعی)

در حدیث قدسی آمده است که خداوند متعال خطاب به انسان میفرماید وظیفه تو دعا و نیایش است و بر من است اجابت کردن آن. از دعا کردن خسته نشو زیرا من از اجابت کردن خسته نمیشوم.

#### ۲۹۴- آیا گدایی هست (امالی)

امام هشتم (ع) از رسول خدا (ص) روایت میکند که خدای تبارک و تعالی در ثلث آخر هر شب فرشته ای به آسمان دنیا میفرستد و از اول شب جمعه او مامور است که فریاد بزند و بگوید آیا گدایی هست که به او چیزی ببخشم و آیا توبه کننده ای هست که توبه اش را بپذیرم و آیا کسی هست که طلب آموزش کند و او را بیامرزم. ای کسی که طالب خیر هستی جلو بیا و ای صاحب شر، شرت را کوتاه کن.

#### ۲۹۵- زبانی که گناه نکرده باشد (عده الداعی)

روایت است که خداوند متعال به حضرت موسی (ع) خطاب فرمود ای موسی مرا با زبانی بخوان که با آن زبان گناه نکرده باشی. موسی عرض کرد ای پروردگار من کجاست برای من چنین زبانی؟ فرمود مرا با زبان غیر خود بخوان.

#### ۲۹۶- همه چیزت را از من بخواه (عده الداعی)

در حدیث قدسی آمده است که ای موسی هر چه که احتیاج داری از من بخواه حتی علف گوسفند و نمک خمیر نانت را از من بخواه.

#### ۲۹۷- دلت را برایم باز کن (کافی)

امام صادق (ع) فرمود که موسی (ع) یاران خود را پند میداد ناگهان مردی بلند شد و پیراهنش را چاک زد و خدای عزوجل وحی کرد که ای موسی به او بگو پیراهن خود را چاک نزن بلکه دلت را برایم بازکن. سپس فرمود که موسی (ع) به مردی از یاران خود گذر کرد که در سجده حال خاصی داشت و موسی به او گفت اگر حاجتت بدست من بود آنرا انجام میدادم خداوند به او وحی کرد ای موسی اگر سجده کند تا گردنش برآید از او نمیپذیرم تا از آنچه بدم می آید به آنچه خوشم می آید برگردد.

#### ۲۹۸- حاجتش را برآورم (ثواب الاعمال، عده الداعی - پیامبر (ص))

خدای تعالی میفرماید هرکس از من بخواهد و سود و زیان را منحصر به دست من بداند حاجتش را برآورم.

## مواعظ و بندهای گوناگون

### ۲۹۹- ندای خداوند (ارشادالقلوب- علی(ع))

پیامبر(ص) میفرماید روزی نیست که نگذرد مگر اینکه خداوند میفرماید ای بنده من با انصاف با من رفتار نمیکنی، من تو را ذکر میکنم و تو ذکر مرا فراموش میکنی و من تو را به بندگی خود میخوانم و تو دیگری را بندگی میکنی و من تو را از خزانه ام روزی میدهم و تو را دستور میدهم که بخاطر من صدقه بدهی و تو این کار را نمیکنی و درهای روزی را بر تو میگشایم و تو از مال خود وام میدهم و آنگاه تو در برابرم جبهه گیری میکنی و هرگونه بلا و مصیبت را از تو برطرف میکنم و تو باز مشغول خطا میشوی. ای پسر آدم فردا که در برابر من قرار میگیری چه جوابی داری؟

### ۳۰۰- انصاف ندادی (عیون اخبار الرضا، مجالس)

خداوند تعالی میفرماید ای پسر آدم با من به انصاف رفتار نمیکنی، من به سبب نعمتهایی که بتو عطا میکنم با تو دوستی مینمایم و تو با ارتکاب گناهان بمن دشمنی میکنی. نیکی من بتو فرو میریزد و بدی تو نزد من بالا می آید و همیشه فرشته مقربی کرداری ناشایسته از تو نزد من می آورد. ای فرزند آدم اگر بشنوی کسی بدگویی تو را کرده و حال اینکه نمیدانی عیبجو کیست البته به دشمنی او (که در واقع خودت هستی) شتاب میکنی.

### ۳۰۱- عتاب به فرزند آدم

خداوند متعال میفرماید ای فرزند آدم سه تفضل درباره ات کرده ام، چیزهایی از تو پوشانده ام که اگر کسان تو از آن خبر داشته باشند هرگز تو را دفن نکنند و از لحاظ مال دنیا بر تو وسعت دادم و آنگاه وامی از تو خواستم که چیزی از پیش بفرستی که نکردی و تو را هنگام مرگ مهلتی دادم که ثلث مالت را (در راه خیر) وصیت کنی و تو این کار را هم نکردی.

### ۳۰۲- تمام خوبیها در چهار کلمه (من لا یحضره الفقیه، محاسن، امالی)

خداوند تعالی به آدم(ع) وحی کرد که ای آدم من همه خوبیها را برایت در چهار کلمه جمع میکنم گفت پروردگارا کدامند آن چهار کلمه؟ فرمود یکی برای من است یکی برای تو و یکی میان من و تو و یکی دیگر میان تو و مردم است. آدم گفت پروردگارا آنها را برای من بیان کن خداوند فرمود اما آنکه از برای من است آنست که مرا پرستش کنی و هیچ چیز را با من شریک نکنی و اما آنکه برای تو است این است که پاداش عملت را در محتاج ترین وقت به تو بدهم و آنکه میان من و تو است، بر تو دعا کردن و بر من اجابت نمودن است و آنکه میان تو و خلق است آن است که آنچه را برای خود دوست میداری برای دیگران هم دوست داشته باش.

### ۳۰۳- مرا بخاطر بسپار (توحید - علی(ع))

خداوند عزوجل به موسی(ع) وحی کرد ای موسی سفارش مرا درباره چیز بخاطر بسپار، اول اینکه تا نفهمی گناهت را آمرزیده اند به عیب دیگران نپرداز. دوم اینکه تا ندانی گنجهای خدا تمام شده غم روزی نخور. سوم اینکه تا نبینی که ملک و پادشاهی من از دست رفته به دیگری امید نبند. چهارم اینکه تا مرده شیطان را نبینی از مکر او ایمن نباش.

### ۳۰۴- پنج چیز در پنج جا (عده الداعی)

خداوند به حضرت داوود(ع) وحی کرد ای داوود پنج چیز در پنج جا قرار داده ام و مردم در پنج جای دیگر آنرا میطلبند و هرگز نمی یابند. علم را در گرسنگی و کوشش گذاردم و مردم آنرا در سبزی و راحتی میطلبند، عزت را در اطاعت خود قرار دادم و آنها آنرا در نزد پادشاهان جستجو میکنند و به آن نخواهند رسید و بی نیازی را در قناعت قرار دادم و آنها آنرا در زیادی مال طلب میکنند و خوشنودی خود را در خشم گرفتن بر نفس قرار دادم و مردم آنرا در رضای نفس میجویند و آنرا نمی یابند و راحتی را در بهشت قرار دادم و مردم آنرا در دنیا میخواهند و هیچ وقت نخواهند یافت.

### ۳۰۵- تو هم میمیری (معانی الخبر، خصال، امالی)

جبرئیل(ع) نزد پیامبر اسلام(ص) آمد و گفت ای محمد هر چه میخواهی زنده باش که عاقبت خواهی مرد، هر چه را میخواهی دوست بدار زیرا از او جدا خواهی شد و هر چه میخواهی بکن که پاداش آنرا خواهی دید و بدان که شرف مومن بیدار شدن در شب است و عزت او در بی نیازی از مردم.

### ۳۰۶- ساعت آخر رسید (ارشادالقلوب)

برای خداوند تعالی فرشته ای است که هر شب فرود می آید و صدا میزند آهای بیست ساله ها سعی و تلاش بسیار کنید و ای سی ساله ها زندگانی دنیا شما را فریب ندهد و ای فرزندان چهل ساله چه چیز برای روز ملاقات پروردگارتان مهیا کرده اید؟ و ای پنجاه سالگان پیروی رسید و آثار مرگ بر شما ظاهر شد. آهای شصت ساله ها شما مانند زراعتی هستید که وقت درو کردن آن نزدیک شده، ای هفتاد ساله ها شما را صدا میزنند جواب بدهید و ای هشتاد سالگان، ساعت آخر عمر فرا رسید و حال آنکه شما بی خبرید (بعد از آن فرشته میگوید) اگر نبود بندگانی که همیشه در رکوع هستند و مردانی که فروتنی میکنند و کودکان شیرخوار و چهار پابانی که سرگرم چریدن میباشند بر فراز سر شما عذاب میبارد.

### ۳۰۷- بر او سختگیری کنید (الغیبه، امالی، کافی)

امام صادق(ع) میفرماید بنده که تا به چهلمین سال عمرش برسد در کار خود مهلت دارد و چون چهل ساله شد خداوند بر او فرشته ای قرار میدهد و بر او وحی میکند که من به بنده خود این عمر را دادم، بر او سخت گیری کنید و او را کاملاً تحت مراقبت قرار دهید و هر کار کم و بیش او را برایش بنویسید.

### ۳۰۸- در این مکان می آموزم (کافی - امام صادق(ع))

چون حضرت آدم(ع) کعبه را طواف کرد و به مستجار رسید جبرئیل گفت ای آدم در اینجا به گناه خود اقرار کن، آدم گفت پروردگارا هر عمل کننده ای را مزدی هست. پس مزد عمل من چیست؟ حقتعالی به او وحی نمود که ای آدم پاداش تو این است که گناهان تو را آمرزیدم و تو را بخشیدم. آدم عرض کرد پروردگارا ذریه مرا هم بیامرز، خداوند به او وحی کرد که ای آدم هر که از فرزندان تو به این مکان بیاید و به گناهان خود اقرار نماید و توبه کند آنطور که تو کردی او را می آمرزم.

### ۳۰۹- نقش نیت در کارها (کنز الفوائد)

خدای تعالی به فرشتگان خود میفرماید هرگاه بنده ای قصد انجام دادن کار نیکی کند برای او کار نیکی بنویسید اگر بعد از تصمیم آنرا انجام داد و عملی کرد ده عمل نیک برای او در نامه عملش بنویسید و هرگاه بنده ای قصد گناه کرد و آنرا انجام داد فقط یک گناه برایش بنویسید و اگر تصمیم گرفت و انجام نداد برایش عمل نیک بنویسید.

### ۳۱۰- در توبه باز است (کافی)

حضرت آدم(ع) مناجات کرد که پروردگارا شیطان را بر من مسلط کردی و او را در من جاری کردی مانند جاری شدن خون در رگها پس برای من چیزی قرار بده، خداوند فرمود ای آدم این را برای تو قرار دادم که هرکدام از فرزندان تو قصد گناهی کند بر او ننویسند و اگر انجام دهد فقط یک گناه بنویسند و هرکه قصد عمل نیک کند اگر انجام دهد یک ثواب برای او بنویسند و اگر آن عمل نیک را انجام دهد ده ثواب برای او بنویسند. آدم گفت پروردگارا بیشتر از این به من عطا کن خداوند فرمود قرار دهم برای تو به اینکه هر کس از ایشان گناهی کند و استغفار نماید او را بیامرزیم. عرض کرد پروردگارا بیشتر بمن بده فرمود تا زمانیکه جان به گلوئی ایشان نرسیده است در توبه را برای ایشان باز کرده ام. آنگاه آدم گفت پروردگارا دیگر مرا بس است.

### ۳۱۱- عذاب زبان (کافی)

رسول خدا(ص) فرمود خدا زبان را عذابی کند که هیچیک از اعضاء را آن عذاب نکرده باشد زبان گوید پروردگارا مرا عذاب نمودی آنچنانکه چیز دیگری را اینطور عذاب نکردی خداوند به او گوید تو یک جمله گفتی که به مشارق و مغارب زمین رسید و بوسیله آن خون محترم ریخته شد و مال محترم غارت شد و فرج محترم از بین رفت. به عزت و جلال سوگند تو را عذابی کنم که هیچیک از اعضاء دیگر را آنگونه عذاب نکرده باشم.

### ۳۱۲- برای هرکدام دو روپوش (کافی)

خدای تعالی میفرماید اگر چشمت با تو در ستیز شد برای دیدن چیزی که نگاه به آن را بر تو حرام کرده ام در اختیارت دو روپوش گذاشتم آنها را بر هم گذار، چشم را ببند و نگاه نکن و هرگاه زبانت خواست تو را به سخنی که حرام است وادار کند باز برای او دو روپوش در اختیار داری، لبانت را ببند و سخن نگو. اگر آلت شهوت نیز تو را به کار حرامی واداشت او را هم با دو روپوش مغلوب تو کردم، دو پای خود را بر هم بپیچ و کاری که حرام است انجام نده.

### ۳۱۳- دوستی زبانی (بحار جلد ۱۷ صفح ۲۶۱ - امام صادق(ع))

خداوند به حضرت داوود(ع) وحی کرد بندگان من به زبان با یکدیگر دوستی میکنند و با دلهایشان با هم دشمنی میکنند و عمل نیک را برای دنیا ظاهر میکنند و فریب و دغل را در دلهای خود پنهان میکنند.

### ۳۱۴- گریه کردن، پرهیزکاری و زهد (ثواب الاعمال، کافی، مکارم الاخلاق، ارشادالقلوب)

در ضمن آنچه خداوند بزرگ با موسی در کوه طور مناجات فرمود این بود ای موسی به قوم خود ابلاغ کن که تقرب جویندگان به من به چیزی مانند گریه کردن از خوف من بمن تقرب نخواهند جست و بندگان فرمان بردارم به چیزی چون پرهیز از محرمانم مرا بندگی نخواهند نمود و خود ساختگان و آراستگان برای دیدار من به چیزی چون زهد و بی رغبتی به دنیا خود را زینت نخواهند داد. موسی عرض کرد ای بهترین بخشنندگان پاداش ایشان را چه خواهی داد؟ فرمود اما آنکه به ریختن اشک از ترس هیبت بمن تقرب میجوید در بالاترین مرتبه بهشت باشد که جای انبیا است و کسی با آنها در این مقام شریک نباشد. اما پرهیزکارانی که با دوری از گناه مرا پرستیدند و بمن تقرب جستند پس من همه مردم را بازجویی کنم و اعمال همه را بازرسی کنم بجز ایشان که از آنها شرم دارم و اما کسانی که به زهد در دنیا بمن تقرب جستند پس همه بهشت را به ایشان عرضه میکنم تا هر جا که خواهند سکونت کنند.

### ۳۱۵- از من بترسید (ارشادالقلوب)

روزی جبرئیل بر پیامبر فرود آمد شروع به وصف جهنم و عذاب آن کرد تا اینکه رسول خدا و جبرئیل شروع به گریه نمودند و خداوند به آنها وحی فرستاد که شما دو نفر را ایمن دادم از اینکه گناهی انجام دهید که سزاوار آن آتش گردید ولی باید همیشه از خوف من ترسان باشید.

### ۳۱۶- در نهان از من بترس (امالی، ارشادالقلوب)

خداوند به موسی(ع) وحی فرمود ای موسی در عملی که در پنهان انجام میدهی از من بترس تا تو را نسبت به عیوبت حفظ کنم. در خلوت و هنگام خوشحالی به ذکر من مشغول باش تا در هنگام غفلت تو را ذکر کنم و از هر کس که تو را بر او اختیار دادم خشم خود را بازدار تا خشم خود را از تو باز دارم. سر نهان مرا در درون خود حفظ کن و در ظاهر با دشمن من و خودت مدارا کن.

### ۳۱۷- خاصان خدا (محاسن)

حضرت موسی با پروردگارش مناجات کرد که خداوند! خاصان درگاه تو چه کسانی هستند که در روز قیامت آنان را زیر سایه عرش خود جا میدهی، روزی که جز سایه عرش تو سایه ای نباشد؟ فرمود ای موسی آنها کسانی هستند که دل‌هایشان از صفات بد پاک است و دست‌هایشان از مال دنیا خالی است و کسانی هستند که مرا به عظمت و جلال بخاطر می آورند و به طاعت من اکتفا میکنند همانگونه که طفل شیرخوار به شیر اکتفا میکند و افرادی هستند که به مساجد من پناه می آورند همانطور که کرکسها به آشیانه خود پناه میبرند و کسانی هستند که چون میبینند مردم مرتکب معصیت من میشوند به غضب می آیند همانند پلنگی که به خشم بیاید.

### ۳۱۸- پاکدل باش (امالی)

خدا به موسی (ع) وحی فرستاد که ای موسی سعی کن لباست کهنه باشد و همواره پاکدل و خانه نشین و شب افروز باش تا در آسمانها تو را بشناسند و از اهل زمین بترس. ای موسی مبادا لجبازی کنی و بدون نیاز به راهی بروی و بی جهت بخندی. ای پسر عمران بر خطای خود گریه کن.

### ۳۱۹- شاید پند بگیری (ارشادالقلوب، مجالس)

خدا به حضرت عیسی وحی فرستاد که ای عیسی از ترس من گریه کن و دل خود را خاشع گردان و بر فراز قبرستان بایست و به مردگان با صدای بلند بگو که من هم به شما ملحق میشوم شاید از آنان پند بگیری.

### ۳۲۰- تا به آنچه میخواهی برسی (امالی)

خداوند به حضرت داوود (ع) وحی فرستاد که ای داوود چرا تو را تنها میبینم؟ عرض کرد پروردگارا بخاطر تو مردم را ترک گفتم و از آنها کناره گرفتم و آنها هم مرا ترک کردند. خداوند فرمود پس چرا ساکت هستی؟ گفت پروردگارا ترس تو مرا خاموش و ساکت کرده است. فرمود پس چرا تو را در رنج میبینم؟ گفت دوستی تو مرا به رنج انداخته است. فرمود پس چرا تو را فقیر و تهی دست میبینم با اینکه تو را بهره مند ساخته ام؟ گفت قیام به حق تو مرا فقیر کرده است. فرمود پس چرا تو را خوار میبینم؟ عرض کرد بزرگی جلال فوق وصف تو مرا خوار کرده و این سزاوار تو است ای پروردگارا، خداوند متعال فرمود به آنچه از من در روز ملاقاتم از فضل و رحمت میگیری بشارت میدهم، با مردم بیامیز و از اخلاق آنها برکنار باش و از کردارشان دوری کن تا روز قیامت به آنچه خواهی برسی.

### ۳۲۱- چرا تو را تنها میبینم؟ (ارشادالقلوب)

حضرت داوود (ع) روزی به سوی صحرا روان شد خداوند تعالی به او وحی فرستاد ای داوود چرا تو را تنها میبینم؟ عرض کرد بارها بسیار مشتاق دیدار تو هستم، بین من و افریدگانت فاصله بینداز، خطاب رسید برگرد بسوی بندگانم که اگر تو یک بنده گریز پای مرا هدایت کنی و بسوی من بیاوری اسم تو را در لوح جزو بندگان نیک ثبت میکنم.

### ۳۲۲- مواظب پیامبر اسلام (ص) در شب معراج (بحار الانوار، ارشادالقلوب، خصال)

از حضرت امیرالمومنین علی (ع) روایت است که نبی اکرم (ص) در شب معراج از پروردگار سوال کرد پروردگارا چه عملی نزد تو افضل است؟ خدای سبحان فرمود چیزی نزد من برتر از توکل بر من و راضی بودن به قسمت من نیست.

ای محمد واجب نمودم دوستی با دوستانم و واجب نمودم دوستی خود را با کسانی که در راه من به یکدیگر مهربانی میکنند و واجب نمودم دوستی خود را به کسانی که خود را بمن متصل مینمایند و واجب نمودم محبت خود را به کسانی که بمن توکل میکنند و برای محبت و دوستی من حد و انتهایی نیست. وقتیکه دوستی خود را با دوستان زیاد نمودم علامت و نشانه ای در آنها قرار میدهم و ایشان نظر میکنند به مخلوقات من همچنانکه من به آنها نظر میکنم و نیازهای خود را به مردم نمیگویند و شکمهای خود را از حرام نگه میدارند و در دنیا به ذکر و محبت من بهره مند هستند و من کمال رضایت را از این دسته بندگان دارم.

ای محمد اگر دوست داری که با تقواترین مردم باشی زهد را در دنیا پیشه کن به آخرت مایل باش. آن حضرت عرضه داشت پروردگارا چگونه زاهد و راغب به آخرت باشم فرمود قناعت کن به مقدار کم از خوردنیها، آشامیدنیها و لباس و به فکر ذخیره فردای خود نباش و پیوسته به ذکر من مشغول باش. گفت پروردگارا چگونه پیوسته به ذکر تو مشغول باشم فرمود به دوری از مردم و اینکه به تلخی و شیرینی دنیا توجه نداشته باشی و خالی کن خانه و شکم خود را از زینتهای دنیا.

ای محمد مواظب حالات خود باش و بسیار دقت کن که مبادا به دنیا تمایل پیدا کنی و همانند کودکان باشی که به رنگهایی چون سبزی و زردی خوشنود میشوند و به اندک چیزی که بدست می آورند مغرور و خورسند میگردند. آنگاه پیامبر اکرم (ص) عرض کرد خدایا مرا به عملی راهنمایی کن که به انجام دادن آن بتو نزدیک شوم، خداوند فرمود شب خود را روز قرار بده و روز خود را شب. عرض کرد پروردگارا چگونه شب را روز و روز را شب قرار دهم فرمود خواب را در شب به نماز خواندن و خوردن غذای خود را در روز به گرسنگی تبدیل کن (روزه گرفتن). ای محمد به عزت و جلالم سوگند هر بنده ای که چهار خصلت را ضامن شود و مواظبت نماید او را داخل بهشت نمایم. سخن نگویید مگر در آنچه که فایده داشته باشد. حفظ نماید قلب خود را از وسوسه شیطانی و بداند که من ناظر تمام اعمال و گفتار او هستم پس خود را (از گناه) حفظ نماید. نور چشمش در گرسنگی باشد (روزه گرفتن).

ای محمد اگر شیرینی گرسنگی و سکوت و گوشه نشینی و نتیجه آنها را بچشی از اینها دست برنمیداری. عرض کرد پروردگارا بهره گرسنگی چیست؟ فرمود حکمت، نگهداری دل و نزدیکی بمن و اندوه دائم و خرج کم و زندگی ساده در میان مردم و گفتن سخن حق و نترسیدن از سختی و سستی زندگی. ای احمد میدانی در چه وقتی بنده مقرب درگاه من میشود؟ عرض کرد نه پروردگارا، فرمود هر گاه

ای محمد در بهشت کاخی است که از لوء لوء و مروارید ساخته شده است و در آنجا نابودی نیست و آن قصر ها جای بندگان خاص من است که در هر روزی هفتاد مرتبه به آنان نظر و توجه میکنم و با آنان سخن میگویم. هر مرتبه ای که به آنان توجه کنم کاخهای آنان را هفتاد برابر میکنم و هنگامیکه اهل بهشت به خوردنیها و نوشیدنیهای بهشتی لذت میبرند ایشان به ذکر و کلام و گفتگو با من لذت میبرند. **پیامبر(ص) گفت پروردگارا علامت این طایفه چیست؟ فرمود** ایشان همیشه زندانی میباشند، زبانهایشان از سخن بیهوده حبس است، شکمهایشان از غذای زیاد خالی است.

ای احمد دوستی خدا، دوستی با فقیران و نزدیک شدن به آنان است. **گفت پروردگارا فقرا چه کسانی هستند فرمود** آن کسانی هستند که به مقدار کم از دنیا راضی شده اند و بر گرسنگی صبر مینمایند و شکر میکنند بر آنچه که به ایشان میرسد و از گرسنگی و تشنگی خود شکایت نمیکند و دروغ نمیگویند و بر پروردگارشان غضب نمیکند (که ایشان را فقیر نموده ام) و غم و اندوه نمیخورند به آنچه که از دنیای ایشان فوت شده و شاد نمیشوند به آنچه که به دستشان میرسد.

ای احمد خود را به لباسهای نرم زینت نده و غذاهای رنگارنگ را نخور و خوابگاه خود را نرم و لطیف نکن زیرا نفس آدمی جایگاه هرگونه شر و دوست هر گونه بدی است بطوری که تو او را به اطاعت پروردگارت میکشانی و او تو را به معصیت وامیدارد و تو را در اطاعت او مخالفت میکند و اطاعت میکند تو را در آنچه خداوند آنرا ناپسند میدارد و هر وقت سیر شد طغیان میکند و هر وقت گرسنه بماند شکایت میکند و هر وقت فقیر شود غضب میکند و هر وقت ثروتمند شود تکبر میکند و هر وقت بزرگ شود مرا فراموش میکند و هنگامیکه ایمن شود غافل میگردد و نفس آدم همدم شیطان است و داستان نفس مانند شتر مرغ است که زیاد میخورد و پرواز نمیکند و مانند خرزهره است که رنگ خوب و مزه تلخ دارد.

ای احمد دنیا و اهلش را دشمن بدار و آخرت و اهلش را دوست بدار. **عرض کرد پروردگارا اهل دنیا و آخرت کیست؟ فرمود** اهل دنیا کسی است که خنده اش زیاد و خواب و خشمش فراوان باشد و راضی به قضای من نباشد. هنگام اطاعت خدا کسل است و هنگام نافرمانی خدا قهرمان است. آرزویش دراز است درحالیکه مرگش نزدیک است، نفسش را بازجویی نمیکند، بهره اش اندک و سخن گفتنش زیاد، ترسش از عذاب کم و شادیش بسیار است و همانا اهل دنیا سپاسگزار نیستند و بر گرفتاریها صبر ندارند و مردم را به دیده حقارت مینگرند و خود را میستایند به آنچه عمل نمیکند و آنها را به کارهایی دعوت میکنند که خود انجام نمیدهند. **عرض کرد پروردگارا غیر از اینها اهل دنیا عیوب دیگری هم دارند؟ فرمود** ای احمد زشتی و عیب دوستداران دنیا بسیار است از جمله آنکه در تاریکی جهل و نادانی و حماقت قوطه ور میباشند و در برابر استادان و مربیان خود تواضع و فروتنی نمیکند، آنان خود را عاقل میدانند و حال آنکه نزد افراد عاقل احمق و نادانند.

ای احمد اهل خیر و آخرت صورتهایشان لاغر و حیای آنها بسیار، حماقت آنها در کارها اندک و نفعشان برای مردم زیاد است، مکر و حيله و تزویر نمیکند و مردم از آنان در آسایش و خود در اذیت میباشند، سخنشان با ادب و متانت است. به حساب اعمال خود رسیدگی میکنند و نفس خود را سختی میدهند، چشمانشان به خواب میروند ولی قلوبشان به خواب نمیروند، چشمشان گریان و قلوبشان ذاکر است. در آغاز هر نعمتی خدا را ستایش میکنند و در پایان آن سپاسگزاری مینمایند. دعای آنان نزد خدا بالا میروند و سخنانشان شنیده میشود. فرشتگان به وجود آنان شاد میشوند و دعایشان در زیر حجابها است. دوست دارد پروردگار که سخن آنان را بشنود آنچنانکه مادر فرزندش را دوست دارد. آنی از ذکر خدا غافل نیستند و نمیخواهند غذای زیاد یا سخن گفتن زیاد و یا لباسهای فراوان را. مردم در نظرشان مردگانند و خدا در پیش آنان زنده و کریم است. دور اندیشان را از روی کرم میخوانند و هر کس به آنان روی بیورد با او مهربانی کند، دنیا و آخرت در نزد آنان یکسان است.

ای احمد غذا به اهل آخرت لذت نمیدهند هنگامیکه پروردگارشان را شناختند و مصیبتی آنان را مشغول نمیدارد از هنگامیکه گناهان خود را دریافتند، بر اشتباهات خود اشک میریزند، نفوس خود را سختی میدهند و به آن خوشی نمیدهند، راحتی اهل بهشت در مرگ است و آخرت محل استراحت بندگان واقعی است. مونس اهل آخرت اشکی است که بر صورتشان جاری است و همنشینانی آنان با ملانکه ای است که در طرف راست و چپ ایشان هستند، گفتگوی آنان با خدای بزرگی است که بر عرش خودش قرار دارد. دلهای اهل آخرت در سینه ها از تنگی دنیا جراحت برداشته و میگویند چه زمانی از این خانه خراب شدنی به منزل همیشگی میرویم.

ای احمد میدانی پارسایان در نزد من چه مقامی دارند؟ **گفت پروردگارا نمیدانم، فرمود** مردم معیوث شوند و به پای حساب مشغول باشند و ایشان از آن ایمن باشند و کمترین چیزی که به آنان داده میشود آن است که کلیدهای بهشت را به دست ایشان میدهم که از هر دری که خواهند وارد شوند و نظر خود را از ایشان نمیپوشانم و آنان را به انواع و اقسام نعمتها و گفتارهای خود خشنود مینمایم و ایشان را در جایگاههای نیکو جا میدهم. اعمال خیر و کارهای نیکویی که در دنیا بجا آورده اند و سختیهایشان را متذکر آنان میشوم و چهار در بر روی آنان باز میکنم، یک در که از آن ارمغانها و هدایا صبح و شب بر آنان از طرف من وارد میشود و دری که از آن به سوی من نگاه کنند هر جور که خواهند بدون زحمت و دری که از آن به آتش جهنم نگاه کنند و ببینند که چگونه ستمگران عذاب میشوند و دری که از آن خدمتگزاران و حوریان بهشت بر آنان وارد شوند.

گفت خدایا زاهدان چه کسانی هستند که اینچنین ایشان را وصف فرموده ای؟ فرمود زاهد کسی است که در دنیا خانه ای ندارد که خراب شود و بر خراب شدنش غم بخورد و فرزندی ندارد که از مردنش ناراحت شود و اموالی ندارد که از تلف شدن آن ناراحت گردد و کسی او را نمیشناسد که مزاحم او شود و از ذکر خدا غافل بماند و اضافه از آنچه روزانه لازم دارد چیزی ندارد که از او سؤال شود و لباسهای نرم و فاخر ندارد.

ای احمد، صورت پارسایان از شب زنده داری و روزه گرفتن زرد است و زبانهایشان ناتوان است مگر از ذکر خدا و دلپایشان در سینه از بسیاری سکوت میپداید. در اطاعت پروردگار کوشش زیاد کردند ولی نه از ترس آتش دوزخ و نه از اشتیاق بهشت ولی آنان در زمینها و آسمانها دقت کرده و میدانند که خدای سبحان سزاوار عبادت است. ای محمد این است درجه پیامبران و راستگویان از امت تو و امت پیامبران غیر از تو و گروهی از شهیدان. **عرض کرد پروردگارا کدام طایفه از پارسایان از همه پارساترند؟ پارسایان امت من یا پارسایان بنی اسرائیل؟** فرمود پارسایان بنی اسرائیل نسبت به امت تو مانند یک موی سیاه است در بدن گاو سفید. **عرض کرد پروردگارا چگونه چنین میباشد در صورتیکه تعداد بنی اسرائیل از امت من بیشترند؟** فرمود زیرا که آنان بعد از یقین شک کردند و بعد از اقرار انکار نمودند. **پیامبر اکرم(ص)** فرمود سپس حمد کردم خدای تعالی را و سپاسگزاری نمودم و برای امت دعا کردم که خدا آنان را نگهداری کند و مشمول رحمت خدا و سایر خیرات الهی گردند.

ای احمد بر تو باد به اجتناب و دوری از محرّمات زیرا پرهیزکاری اول، وسط و آخر دین است. همانا دوری از محرّمات وسیله قرب و نزدیکی به خدای تعالی است. ای احمد پرهیزکاری زینت مومن و ستون دین است. مثال پرهیزکاری مانند کشتی است همانطور که از دریا کسی نجات پیدا نمیکند مگر بوسیله کشتی، همچنین پارسایان نجات پیدا نمیکند مگر بوسیله پرهیزکاری.

ای احمد هر کس مرا شناخت و در برابر من فروتنی و کوچکی کرد تمام موجودات برای او کوچکی کنند.

ای احمد پرهیزکاری و تقوی درهای عبادت را بر روی بنده باز کند پس بنده به توسط پرهیزکاری در پیش خلق گرمی باشد و بواسطه پرهیزکاری به خدا میرسد.

ای احمد بر تو باد به سکوت که همانا آبادترین مکانها، دلهای مردان نیکوکار و اهل سکوت باشد و خرابترین مکانها دلهای آن کسانی است که سخنها بی فایده میگویند.

ای احمد عبادت ده جزء است نه جزء آن در طلب حلال است اگر خوردنی و آشامیدنی تو حلال بود پس تو در حفاظت و پناه من هستی. **پیامبر عرض کرد پروردگارا اولین عبادت چیست؟** فرمود اول عبادت سکوت و روزه گرفتن است. **آنگاه عرض کرد خداوندا بهره روزه چیست؟** خداوند خطاب فرمود بهره روزه حکمت است و بهره حکمت معرفت است و نتیجه معرفت یقین است. پس هرگاه بنده یقین پیدا کرد دیگر نمیترسد از اینکه خوب زندگی کند یا بد، و هرگاه بنده در حالت مرگ باشد برفراز سرش فرشتگانی می ایستند، به دست هر فرشته ای جامی از آب کوثر است و جامی از نوشیدنی پاک به روح او میچشانند تا تلخی جان کندن از او برود و او را مرزده بزرگی میدهند و میگویند خوشا به حالت که جای تو خوب است همانا تو بر پروردگار عزیز کریم وارد میشوی.

ای احمد میدانی چه نوع زندگی گوارا و چه زنده بودنی بادوامتر است؟ **عرض کرد بارالها نه، فرمود** اما زندگی گوارا آن است که صاحبش در ذکر من سستی نکند و نعمت مرا از خاطر نبرد و جاهل به حق من نباشد، شب و روز رضایت و خوشنودی مرا بجویید و اما زنده بودن همیشگی آن است که آنچنان نفسش را تربیت کند که دنیا در نظرش پست و در چشمش کوچک و آخرت در نظرش بزرگ گردد و خواسته مرا بر خواسته خود مقدم بدارد و رضایت مرا اختیار کند و حق مرا بزرگ شمارد و دانش مرا نسبت به خودش به خاطر بسپارد و مرا در شب و روز هنگام انجام دادن هر گناه و نافرمانی فراموش نکند و دلش را از آنچه که من خوش ندارم دور کند و شیطان و وسوسه او را دشمن بدارد و برای شیطان در دلش راهی قرار ندهد. اگر چنین کرد دوستی خود را در دلش جایگزین کنم تا اینکه دلش را در اختیار خود قرار میدهم و از دنیا باز میدارم و سرگرم آخرتش کنم و از نعمتهای تازه ای که دوستانم را برخوردار کرده ام او را برخوردار کنم و دنیا را بر او تنگ میکنم و او لذتهای دنیا را دشمن میدارد و او را از دنیا و آنچه که در آن است بترسانم همانطور که چوپان گوسفندان خود را از چراگاههای خطرناک میراند و دور میسازد.

ای احمد او را به هیبت و عظمت خود زینت میدهم پس این است زندگانی گوارا و حیات جاویدان و این است مقام آنکه از خدا راضی باشد. هر کس رضایت مرا بدست آورد او را ملازم سه خصلت گردانم، معرفتی که با آن نادانی آمیخته نباشد و ذکری که با آن فراموشی نباشد و محبتی که با آن محبت و دوستی آفریدگام را اختیار نکند پس هرگاه مرا دوست دارد من هم او را دوست میدارم و چشم دلش را به جلال و بزرگی باز کنم و بندگان خاصم را از او پوشیده ندارم و در تاریکی شب و روشنایی روز با او سخن میگویم بطوریکه سخن گفتن او با آفریدگام قطع شود و با آنان همنشینی نکند و سخنان خود و فرشتگانم را بشنود و او را به راههایی که از مردم پنهان داشتم آگاه کنم و لباس شرم بر اندامش بیوشانم تا اینکه تمام مردم از او شرم کنند و بر زمین راه رود و آمرزیده باشد و دل او را شنوا و بینا قرار دهم. چیزی بر او پوشیده نماند از بهشت و دوزخ و او را از آنچه که روز قیامت بر مردم میگردد از هول و شدت عذاب آگاه کنم و او را بر حساب بینوایان و ثروتمندان و نادانان با خبر کنم و گور او را روشن کنم تا اینکه نکیر و منکر بر او فرود آیند و از او پرسش کنند و سختی مرگ و تاریکی قبر و ترس روز قیامت را نمیبیند تا اینکه برایش میزان را نصب کنم و نامه عملش را بگشایم نامه او را به دست راستش بگذارم، نوشته اش را بخواند و بین خود و او ترجمه کننده ای قرار ندهم، بواسطه با او سخن بگویم و اینها که گفته شد نشانه های دوستان است.

ای احمد همت خود را یکی قرار بده و یک زبان داشته باش، بدن خود را زنده قرار بده که هیچوقت غافل و بیخبر نباشی، هرکس از من غافل باشد برایم مهم نیست که در چه نقطه ای هلاک میشود.

ای احمد عقلت را بکار انداز پیش از آنکه از دست تو برود پس هر کس که عقلش را بکار انداخت نه خطا میکند نه سرکشی.

ای احمد آیا میدانی چرا تو را بر سایر پیامبران برتری دادم؟ **عرض کرد نه پروردگارا، فرمود** به صفت یقین و اخلاق نیک و سخاوت و مهربانی به خلق. همچنین پارسایان و مردمان شایسته پارسا نمیشوند مگر به پیدایش این صفات در آنها.

ای احمد هرگاه بنده من شکمش را از حرام نگهدارد و زبانش را از گفتار بیهوده حفظ کند به او حکمت می آموزم اگر چه او کافر باشد، حکمت من برای او دلیل است تا در خطایش معذور نباشد، وبال و بار است اگر به آن عمل نکند و اگر مومن باشد حکمت برای او چراغ راه است و دلیل خدا و درمان کننده درد و عنایت خداوندی است. بوسیله حکمت فرا میگیرد آنچه را که نمیدانسته و بینا میشود نسبت به آنچه که کور بوده به اول برنامه ای که او را آگاه میکنم عیوب نفسانی اوست تا بدلیل رفع عیوب خودش به عیبجویی دیگران مشغول نشود، من چنین بنده ای را آنچنان به لطایف دانش آگاه کنم که شیطان به او راه نداشته باشد.

ای احمد عبادتی نزد من محبوبتر از سکوت و روزه گرفتن نیست، پس هرکس روزه بگیرد و زبانش را حفظ نکند مانند کسی است که به نماز ایستاده باشد و چیزی نخواند پس به او اجر قیام میدهم ولی پاداش عبادت کننده به او نمیدهم.

ای احمد آیا میدانی چه وقت بنده عابد میباشد؟ **عرض کرد بارالها نه، فرمود** هرگاه هفت خصلت در او جمع شود، پرهیزکاری ای که او را از کارهای حرام مانع شود و سکوتی که او را از حرفهای بیهوده نگهدارد و ترسی که هر روز گریه او را زیاد کند، شرمی که هر روز در خلوت از من شرم کند و خوردن غذا به حدی که بناچار باید بخورد و دشمن بدارد دنیا را بواسطه اینکه من آنرا دشمن میدارم و خوبان را دوست بدارد به جهت اینکه من آنها را دوست میدارم.

ای احمد هر کس ادعا کند و بگوید خدا را دوست دارم درست نیست مگر اینکه به روزی روزانه اش اکتفا کند، لباس ساده بپوشد و در حال سجود بخوابد و قیامش را طول بدهد و بر من توکل کند و زیاد گریه کند و کم بخندد و هوای نفسش را مخالفت کند، مسجد را خانه خود قرار دهد و علم را مصاحب خود قرار دهد و پارسایی را همنشین خود کند، عالمان را دوستان خود قرار دهد و فقیران را رفیقان خود بداند، رضایت مرا بخواهد و از گناهکاران فرار کند، به ذکر من مشغول باشد، همیشه مرا تسبیح کند، سست پیمان نباشد، به وعده اش وفا کند، دلش پاک باشد و در نماز پاکیزه باشد و در واجبات کوشش داشته باشد. در آنچه که پیش من است از پاداش مایل باشد و از عذاب من ترسان باشد و با دوستان من نزدیک و همنشین باشد.

ای احمد اگر بنده ای مانند اهل آسمان و زمین نماز بخواند و روزه بگیرد و مانند فرشتگان غذا نخورد و مانند برهنگان بی لباس باشد ولی ذره ای در دل او دوستی دنیا و یا شهرت بین مردم و یا حب ریاست و یا زینت دنیا ببینم او را وارد بهشت نخواهم کرد و دوستی خود را از دل او برمیدارم. و بر تو ای محمد(ص) سلام و رحمت من باد.

### ۳۲۳- مواظب به عیسی بن مریم (ع) (امالی، کافی)

از جمله پندها که خداوند به عیسی (ع)، ای عیسی منم پروردگار تو و پروردگار پدرانت، نام من یگانه است و منم یکتا که هر چیزی را تنها و جدا آفریدم و هر چیزی ساخته من است و همه به سوی من باز میگردند. ای عیسی تو به فرمان من مسیح هستی و تویی که به اذن من از گل، پرده می آفرینی و تویی که بوسیله سخن من مردگان را زنده میکنی پس به سوی من راغب باش. از من بترس که هرگز از من پناهی جر من نیابی. من گواهم که تو بنده من و زاده کنیز من هستی، ای عیسی مرا در خاطر مانند خودت اهمیت بده و ذکر مرا ذخیره معادت کن و به نافله ها به من نزدیک شو و بر من توکل کن تا تو را کفایت کنم و بر دیگری تکیه نکن که تو را ترک خواهی کرد.

ای عیسی ذکر مرا با زبانت زنده نگهدار و باید که محبت من در قلبت باشد. ای عیسی شب را برای کسب رضایت من در نظر داشته باش و روزت را برای روز نیازت روزه بگیر برای حاجتی که بمن داری. ای عیسی میان بندگانم به اندرز من حکم کن و به عدل من قیام کن برآستی که بر تو شفایی فرستادم برای آنچه که در سینه ها است از مرض شیطان. ای عیسی درست میگویم که کسی بمن ایمان ندارد مگر آنکس که برایم خاشع است و کسی برای من خاشع نیست مگر آنکس که امید ثواب مرا دارد و گواهد میگیرم که او از کیفر من آسوده است تا وقتی عوض نشود و سنت مرا تغییر ندهد.

ای عیسی پسر بکر بتول، بر خود گریه کن مانند کسیکه با خاندانش وداع کند و از دنیا بدش بیاید و آنرا به اهلس و اگذار و به آنچه نزد خداست رغبت کند. ای عیسی با این وصف نرم سخن بگو و آشکار سلام کن و بیدار باش آنگاه که چشم نیکان در خواب است برای حذر از معاد و لرزشهای سخت و ترسهای قیامت آنجا که خاندان و مال و فرزندان سودی ندهد.

ای عیسی به دیدگان خود سرمه غم بکش آنگاه که اهل باطل مشغول خنده میباشند. ای عیسی خاشع و صابر باشد و خوشا به حال تو اگر به آنچه که به صابران وعده داده اند نائل شوی. ای عیسی روز بروز از دنیا بیرون برو (یعنی باید هر روز قدمی بسوی آخرت برداری و از علایق دنیوی خود کم کنی) و آنچه بی مزه است بچش (یعنی دنبال غذای لذیذ نباش) برآستی بگویم که بهره تو از دنیا همان ساعت و روز تو است و با یک لقمه نان زندگیت را بگذران و به همان لباس زیر و خشن اکتفا کن تو میدانی به کجا میروی و هر چه از این دنیا برگیری به حساب تو نوشته میشود و منظور میشود که در کجا تلف کردی و به مصرف رساندی.



ای عیسی در خلوت بر خود گریه کن و به جایگاه نماز قدم بردار، لذت گفتار خود را با من دریاب که من با تو خوش رفتارم. ای عیسی چه بسیار مردمی که آنان را به گناه گذشته و سابقشان هلاک کردم و تو را از آن نگهداشتم. ای عیسی تو میروی و من میمانم، روزیت نزد من است و نیز موعد مرگت نزد من است و بسوی من برمیگردی و حسابت با من است. از من بخواه و از دیگری نخواه، تو باید دعا کنی و من اجابت.

ای عیسی بشر چه بسیار است و صبور چه کم، درخت چه فراوان است و خوبش کم است، از زیبایی یک درخت فریفته نشو تا موقعیکه از میوه اش بجشی. ای عیسی نافرمانی کسی نسبت به من تو را نفریبید که روزی مرا میخورد و دیگری را میپرسند سپس هنگام گرفتاری مرا میخواند و من او را اجابت میکنم و باز به کردار خویش برمیگردد، آیا بمن ترمد میکند یا به خشم من تعرض میکند؟ به خودم سوگند که چنان او را بگیرم که نجاتی نداشته باشد و جز من پناهی نیابد.

ای عیسی به ستمگران بنی اسرائیل بگو تا حرام در دامن دارید و بت در خانه، مرا نخوانید که من سوگند خوردم هر کس دعایم کند و مرا بخواند اجابت کنم و اجابت آنها را لعنت بر آنها میسازم تا از هم جدا شوند. ای عیسی دل و زبانت را از حرام فروکش و چشم از آنچه که خوب نیست ببوش چه بسا بیننده ای که به یک نگاه در دلش شهوتی بکارد و خود را به هلاک اندازد.

ای عیسی رحیم و مهربان باش و با مردم چنان باش که میخواهی با تو چنان باشند، بسیار یاد مرگ و جدایی از خاندان باش، بازی نکن که بازی تباهی آورد، غفلت نکن که غافل از من دور است. ای عیسی پس از گناه بسوی من برگرد و توبه کن و بمن ایمان بیاور و با مومنان نزدیکی کن و به آنها دستور بده مرا با تو ذکر کنند، از نفرین مظلوم بترس که با خود عهد کردم دری از آسمان به رویش باز کنم و او را اجابت کنم اگر چه پس از مدتی باشد.

ای عیسی بدان همنشین بد گمراه میکند و یار بد هلاک میکند، بفهم با چه کسی همنشین میشوی و برای خودت برادران با ایمانی را انتخاب کن. ای عیسی بسوی من با بازگرد زیرا گناهی که بخواهم ببخشم بر من سنگین نیست، من مهربانترین مهربانانم. تا مهلتی از عمرت داری برای خود کاری بکن پیش از آنکه برایش کاری نکنی. مرا بندگان کن برای خوشبخت شدن در آن روزی که یک روزش مطابق هزار سال است. روزی که خوبیها را چند برابر مزد میدهم و همانا کار بد در آن روز صاحبش را به نابودی میکشاند پس تا مهلت داری آماده کار خود باش.

ای عیسی در آنچه فناپذیر است بی رغبت باش و گام بر آثار آنان که پیش از تو بودند بگذار و آنها را بخوان و با آنها راز بگو، ببین احدی از آنها احساس میکنند. از آنها پند بگیر و بدانکه تو هم به آنها میرسی. ای عیسی بیرون خود را با آب بشور و درونت را با حسنات زیرا که تو بسوی من برمیگردی.

ای عیسی آنچه بتو دادم انعامی است شایان و بی کدورت و از تو وامی خواستم که برای خودت پس انداز باشد و تو از آن دریغ کردی تا از هلاک شدگان باشی. ای عیسی خود را به دینداری و دوستی مستمندان زینت بده و بر هر قطعه ای از زمین نماز بگذار زیرا همه آنها پاک هستند و بر روی زمین آرام راه برو. ای عیسی آماده باش که هر چه آینده است نزدیک است، کتابت را با طهارت بخوان و آواز حزینت را بگوش من برسان.

ای عیسی لذتهای ناپایدار و خوشی زایل و زودگذر چه خوبی و فایده ای دارند. ای پسر مریم اگر به چشمت میدیدی آنچه را که برای دوستان خوب آماده کردم دلت آب میشد و روح از شوق آن پرواز میکرد همانند خانه آخرت خانه ایست که در آن همسایه نیکانی و فرشته های مقرب در آنجا به آنها وارد شوند، از هراسهای روز قیامت در آن آسوده اند. خانه ای که نعمتش دگرگون نشود و از اهل آن زایل نگردد. ای پسر مریم درباره آخرت با همکنان رقابت کن زیرا نهایت آرزوی پرهیزکاران است و خوش منظر است، خوشا بر تو. ای پسر مریم اگر تو برای آن کار کنی به همراه پدران آدم و ابراهیم در جنات نعیم باشی و از آن تغییر مکان نیابی و من با پرهیزکاران اینچنین کنم.

ای عیسی بسوی من گریز بهمراه هر کس که از دوزخ پر شراره و پر از غل میگریزد که هرگز نشاطی در آن در نباید و غمی از آن حذف نشود، بمانند پرده های تاریک شب است هر کس از آن نجات یابد کامیاب شود، آن خانه زورگویان و سرکشان ستمکار و هر سخت دل و تند خو است. ای عیسی خود را از شهوتهای هلاکت بار دور کن و از هر دلخواهی که تو را از من دور میکند دوری کن و بدان که تو در مقام رسول، امین من هستی و باید از من برحذر باشی و بدانکه دنیا سرانجام تو را بمن میرساند و من در علم خود تو را خواهم گرفت. وقتی مرا ذکر میکنی خود را خوار شمار و چون مرا به زبان می آوری در دل خود از من بیم داشته باش و تو هنگام خواب غافلان بیدار باش.

ای عیسی این است نصیحت من به تو، آنرا دریاب و براستی من پروردگار جهانانم. ای عیسی هرگاه بنده ام در کنار من و به طرفداری من شکیبایی کند مزد عملش با من باشد و هرگاه مرا بخواند من نزد او باشم و کافی است که من از کسی انتقام بگیرم، ستمکاران از دست من کجا میگریزند؟ ای عیسی شیرین سخن باش و هر جا باشی دانا و دانشجو باش. ای عیسی حسنات را به درگاه من روانه کن و بخاطر من انجام بده تا تو در نزد من نام برده شوی و به سفارش من بجسب زیرا درمان دلها در آن است.

ای عیسی چون مکر کردی از مکر من ایمن نباش. ای عیسی خود را به برگشت به درگاهم محاسبه کن تا دریافت کنی ثواب آنانکه برای من کار میکنند، آنان دویار مزد خود را میگیرند و من بهترین مزد دهندگان هستم. ای عیسی من تو را با کلام خود آفریدم، مریم تو را بدینا آورد به امر من که بسوی او فرستاده شده بود و آن روح من جبرئیل امین بود که از فرشتگان من است تا اینکه تو بر روی

ای عیسی چگونه بندگان بمن کفر میورزند با آنکه مهار آنها بدست من است و در زمین من رفت و آمد میکنند در حالیکه نعمت مرا نادیده میگیرند و با دشمن من دوستی میکنند و کافران اینگونه هلاک میشوند. ای عیسی دنیا زندانی است بدبو و خوشی آن همان است که میبینی، جباران بر سر آن یکدیگر را سر میبرند. بپرهیز از دنیا که همه نعمتش زایل است و نعمت فراوانش جز اندکی نیست. ای عیسی مرا در نزد بالش خود بجوی تا همانجا بیایی و با دل پر مهر مرا بخوان که من از همه شنوندگان شنواترم و اجابت کنم برای دعا کنندگان هرگاه به درگاهم دعا کنند.

ای عیسی از من بترس و بنده هایم را از من بترسان شاید گناهکاران از آنچه میکنند دست بردارند و آنان به هلاکت نرسند مگر دانسته (یعنی بوسیله انذار حجت بر آنها تمام میشود و دانسته به هلاکت میرسند). ای عیسی به همان اندازه که از حیوان درنده و مرگ میترسی از من بترس همه اینها را من خلق کردم پس از من بترس. ای عیسی اگر من بر تو خشم بگیرم خوشنودی هر کس که از تو خوشنود باشد تو را سود ندهد و اگر من از تو خوشنود باشم خشم همه خشم گیران به تو زیان نمیرساند. ای عیسی مرا بخوان همانند غریب اندوهگینی که دادرسی ندارد. ای عیسی بمن دروغ سوگند نخور که عرشم از خشم میلرزد، دنیا کوتاه مدت و دراز آرزوست و نزد من خانه ای است بهتر از آنچه شما فراهم میکنید.

ای عیسی به ستمکاران بنی اسرائیل بگو شما چه خواهید کرد هرگاه من برای شما نامه عملی بیرون آورم که بدرستی گویاست و شما خودتان گواهی دهید به رازهای درون خود که نهان میداشتید و اعمالیکه شما میکردید. ای عیسی به ستمکاران بنی اسرائیل بگو که چهره های خود را میشوید و دلهای خود را چرکین میدارید آیا مرا فریب میدهید یا بر من دلیری میکنید؟ برای اهل دنیا بخود عطر میزنید و درونهای شما نزد من چون مردار گندیده و بدبو است گویا شما مردمی مرده هستید. ای عیسی به آنها بگو دست از کسب حرام بردارید و گوش از گفتار ناروا ببندید و از دل بمن روکنید که من صورت شما را نمیخواهم.

ای عیسی به عمل نیک شاد باش که خوشنودی من در آن است و بر گناه گریه کن زیرا که مرا به خشم می آورد و آنچه دوست نداری با تو بکنند با دیگران نکن. ای عیسی برای خوش کرداران تواضع کن و با آنها در عملشان شریک شو و گواه آنان باش و به ستمکاران بنی اسرائیل بگو ای یاران بدکردار و همنشینان بد، اگر از عملتان دست بردارید من شما را به میمون و خوک مسخ میکنم. سپس ای پسر مریم بکر بتول من تو را به سید رسولان و دوست خودم که او احمد است وصیت میکنم، دارای شتر سرخ مو و صورتی ماه گونه است، پاکدل و سخت نبرد است، با شرم و کرامت است زیرا او رحمت جهانیان است و سید اولاد آدم است. روزی که مرا ملاقات کند گرمای ترین پیشتازان به درگاه من است و نزدیکترین رسولان به آستان من است، عرب و امی است، دیندار و صابر در راه من است و بدست خودش از دینم در برابر مشرکان جهاد میکند، سفارش من این است که به بنی اسرائیل گزارش و مژده آمدن او را بدهی و به آنها امر کنی که او را تصدیق کنند و به او ایمان بیاورند و از او پیروی کنند. **عیسی عرض کرد پروردگارا نام او چیست تا خوشنودی او را فراهم سازم که خوشنودی از آن توست؟ فرمود:** ای عیسی او محمد(ص) است که رسول خداست بر همه مردم، از همه بمن نزدیکتر است و شفاعت از همه بیشتر و پذیرفته تر است، خوشا بر او و خوشا به امت او اگر به راه او بروند تا مرا ملاقات کنند، اهل زمین او را ستایش کنند و اهل آسمان برای او آمرزش خواهند، امین است و با میمنت، پاک است و پاکیزه، بهترین باقیماندگان در نزد من است. در آخرالزمان است و چون ظهور کند آسمان دهان گشاید و زمین شکوفه های خود را برویاند و بر هر چه دست نهد برکت کند. پر همسر است و کم فرزند، ساکن مکه است که بنیاد ابراهیم است.

ای عیسی دینش یکتاپرستی است و قبیله اش مکه است و او از حزب من است و من همراه او هستم، خوشا بر او و باز هم خوشا بر او. کوثر مال اوست و بالاترین مقام را در بهشت عدن دارد، بهترین زندگی را میکند و شهید میمیرد، حوضی دارد که بزرگتر است از مکه تا طلوع خورشید که دارای نوشابه ای گوارا و سر به مهر است، در آن جامههایی است مانند ستارگان آسمان و تنگ هایی که به اندازه کلوخهای روی زمین است، خوشگوار است و مزه تمامی میوه های بهشت را دارد. هرکس یک شربت از آن بنوشد هرگز تشنه نشود و این برای قسمتی است که من به او دادم و تفضلی که بر او نهادم. او را در دوران فترت میان تو و او مبعوث کنم، درونش با بیرونش یکی است. گفتار و کردارش هماهنگ است امر نکند به مردم جز آنچه خود به آن آغاز کند، دینش جهاد و مبارزه در دشواری و آسانی است و همه کشورها تحت فرمان او قرار میگیرند و پادشاه روم برایش خاضع میشود، کیش او کیش پدرش ابراهیم است. هنگام غذا نام خدا برد و بلند سلام کند و آنگاه که مردم در خوابند او نماز بخواند، برای او هر روز پنج نماز بیایی است، برای اقامه نماز مانند لشکریان نبرد شعار بلند دهد و با تکبیر آغاز شود و با سلام ختم گردد، مانند فرشتگان قدمها در نماز صف کند، دل و سر او برای من خاشع است. نور در سین اوست، زبانش به حق گویاست، او با حق است هر جا که حق باشد، از بنیاد بتیم است، دو چشمش بخوابد و دلش نمیبخوابد، شفاعت از آن اوست و قیامت بر امت او برپا شود، هنگام بیعت با او دستم بر فراز دست اوست و هر کس نقض بیعت کند همانا بر ضرر خود نقض بیعت کرده است و هر کس به آنچه خدا با او پیمان نهاده است وفا کند من در وعده بهشت با او وفا کنم. تو ستمکاران بنی اسرائیل را فرمان بده تا کتب او را کهنه نشمارند و سنت او را تحریف نکنند و سلام به او برسانند که برای او مقامی خاص مشخص است.

ای عیسی هر چه تو را بمن نزدیک کند من تو را به آن راهنمایی کردم و هر چه تو را از من دور کند تو را از آن نهی کردم تو هم خود را مراقبت کن. ای عیسی در کردار خود بنگر نگر بیستن بنده گناهکار و خطاکار و در کار دیگران چون پروردگار نگاه نکن، در آن زاهد باش و به آن دل نده که نابود شوی. ای عیسی تعقل کن و ببیندیش و از هر سوی زمین بنگر که سرانجام ستمکاران چگونه بوده است. ای عیسی برآستی که دنیا شیرین است و من تو را در آن بیکار گماشتم که فرمان مرا انجام دهی و از آنچه تو را بر حذر داشتم دوری کنی و آنچه از آن بتو عطا کردم از راه فضل و احسان برگیری.

ای عیسی همه سفارشاتم برایت پند است و همه گفتارم درست است و من حق روشن هستم و بحق سخن میگویم اگر پس از اینکه آگاهت کردم مرا نافرمانی کنی برایت در برابر من سرپرست و یاور نیست. ای عیسی دلت را با ترس رام کن و به زیر دستت نگاه کن و به بالادست خود نگاه نکن و بدانکه دوستی دنیا ابتدای هر خطا و گناهی است، تو آنرا دوست نداشته باش که من هم آنرا دوست ندارم. ای عیسی دلت را برابم پاک کن و بسیار در خلوت مرا ذکر کن و بدانکه شادی من در این است که به درگاهم اظهار زبونی کنی، در اینباره زنده باش و مرده نباش.

ای عیسی هیچ چیز را شریک من نگیر و از من بر حذر باش و به تندرستی خود فریب نخور و بر خود رشک نبر که دنیا چون سایه ای رفتنی است و آنچه پیش آید از آن مثل گذشته آن است، تا توانی در کارهای نیک رقابت کن و خود را جلو بینداز. همواره با حق و درستی باش اگر چه قطعه قطعه شوی و به آتش سوخته شوی، پس از معرفت بمن کافر نشو و از نادانان نباش زیرا که هر چیزی با همسان خودش میبازد. ای عیسی در هنگام گرفتاری از من دادرسی بخواه که من دادرس گرفتارم و بیچارگان را اجابت میکنم و منم ارحم الراحمین.

### ۳۲۴- مواظب به موسی بن عمران (ع) (کافی)

**موسی بن عمران (ع) با خدا راز و نیاز داشت که خداوند به او چنین فرمود** ای موسی آرزویت در دنیا دراز نشود که بخاطر آن دلت سخت گردد زیرا شخص سخت دل از من بدور است. ای موسی من بتو سفارش میکنم که درباره زاده بتول همانند رفیق مهربانی باشی، عیسی بن مریم صاحب ماده الاغ و برنس (کلاه بلند عابدان) و زیت و زیتون و صاحب محراب و پس از او به صاحب شتر سرخ مو که طیب و ظاهر و مطهر است و نمونه او در کتاب تو تورات این است که مومن است و بر همه کتابهای آسمانی مسلط است و او راع و ساجد است، برادرانش تهی دستانند و یاورانش مردم دیگری هستند، در دوران بعثت او تنگی و سختی و لرزش و کشتار و نداری بر مردم حکمفرما است. نامش احمد است، محمد امین است، او یادگاری است از گروه اولین گذشته (یعنی از گروه پیامبران سلف) و به همه کتب آسمانی ایمان دارد و از روی اخلاص گروه صادق همه پیامبران است، امتش مرحوم و مبارک هستند تا زمانیکه بر حقایق پایرجا بمانند، برای آنها ساعتهای معینی است که در آنها برای نمازها اذان گویند تا بنده وظیفه خود را انجام دهد، او را بخصوص تصدیق کن و از روش او پیروی نما زیرا او برادر تو است.

ای موسی براستی او پیغمبر امی (درس نخوانده) است و او بنده راستگویی است که بر هر چه دست گذارد برکت پیدا میکند و بر خود او هم برکت داده شود، در علم من اینچنین بوده و اینگونه او را آفریدم، بوسیله او قیامت را بگشایم (نخستین کسی که از قبر بیرون آید اوست) و به امت او کلیدهای دنیا را بپایان رسانم. به ستمکاران بنی اسرائیل دستور بده که نامش را محو نکنند و از یاری او دست برندارند و اگر چه این کار را خواهند کرد. دوست داشتن او در نزد من حسنه محسوب شود، من با او هستم و من از حزب او میباشم و او از حزب من است و حزب آنان پیروز است. مقدرات و حجتهای من به او تمام شود، بطور مسلم دینش را بر تمام ادیان پیروز گردانم و در همه جا مرا پرستش کنند و بر او قرآنی فرو میفرستم که جدا کننده (حق و باطل) و درمان سینه ها باشد از وسوسه های شیطانی، ای پسر عمران بر او درود بفرست که من و فرشتگانم نیز بر او درود میفرستیم و هنگام ذکر کردن من خاشع و فروتن باش، در وقت خواندن نام من به رحمت من آرزومند و نوای دلربای تورات را به آوازی خاشع و حزین به گوش من برسان، چیزی مانند من نیست و منم زنده جاویدانی که نیستی ندارم.

ای موسی هرگاه مرا بخوانی ترسان و هراسان باش، برای من صورت برخاک قرار بده و با گرامیترین اعضای تنت برابم سجده کن و برای فرمانبرداریم در برابر من بایست و با من مناجات کن و هنگام مناجات هراسان و با دلی لرزان باش و در دوران زندگی بوسیله تورات من زنده باش و اوصاف نیک مرا به نادانان بیاموز و نعمتهای مرا به آنها یادآوری کن و به آنها بگو در آن گمراهی که فرو رفته اند ادامه ندهند زیرا گرفتن من دردناک و سخت است.

ای موسی اگر رشته پیوند تو از من برید به رشته دیگری نپیوند، مرا ببرست و در برابر من چون بنده حقیر و فقیری بایست، نفس خود را نکوهش کن که آن به نکوهش سزاوارتر است و بوسیله کتاب من (تورات) بر بنی اسرائیل کردن فرازی نکن، همین کتاب کافی است که پند دهنده و روشن کننده دلت باشد و آن سخن پروردگار جهانیان است. ای موسی گدا را گرامی بدار، هرگاه به نزد تو آید او را به نیکی برگردان یا چیزی اندکی به او بده زیرا ممکن است به نزد تو آید سائلی که نه از انس باشد و نه از جن، فرشتگان خدای رحمان باشند که آمده اند تا تو را ببازمانند که در مورد نعمتی که خدا به تو داده چگونه با بیچارگان همدردی و مواسات میکنی. به زاری به درگاهم فروتنی کن و به آواز گریان کتاب (تورات) مرا بخوان و بدان که من تو را میخوانم آنگونه که آقایی برده خود را بخواند تا او را به جایگاهی شریف برساند و این فضلی است از جانب من بر تو و پدران پیشین تو.

ای موسی زمین فرمانبردار من است و آسمان فرمانبردار و دریاها فرمانبردارند و نافرمانی من موجب بدبختی جن و انس است و منم بخشاینده مهربان، بخشاینده هر زمان، پس از فراوانی و آسایش سختی بیآورم و پس از سختی فراوانی و آسایش و ملوکی بدنبال ملوکی آورم و پادشاهی من همیشگی و پایرجا است که نیستی ندارد و چیزی نه در زمین و نه در آسمان بر من پوشیده نیست و چگونه پوشیده ماند بر من چیزی که آغازش از من بوده است. ای موسی مرا پناهگاه خود گیر و گنج خود را که کارهای خوب تو است در نزد من قرار بده و از من بترس و جز از من نترس و بازگشت بسوی من است.

ای موسی به هر کس زیر دست تو است از خلق جهان ترحم کن و بر آن کس که بالادست تو است حسد نبر زیرا حسد است که حسنات را میخورد چنانکه آتش هیزم را میخورد. ای موسی در توبه شتاب کن و گناه را واگذار و در هنگام توقف در پیشگاه من برای نماز آرام باش و عجله نکن و به غیر من امیدوار نباش و مرا سپری در برابر دشواریها و قلعه محکمی در پیش آمدهای ناگوارت قرار بده. ای موسی در کار خیر با اهل آن رقابت کن زیرا کار نیک مانند اسمش نیک است و کار بد را واگذار برای هرکس که شقیفته آن است.

ای موسی سختت را با آنان که ترک گناه کنند خوش کن و با آنان همنشین شو و برای غیابت خود آنان را برادر گیر و در کارهای آنان کوشا باش تا با تو در کارت کوشا باشند. ای موسی بناچار مرگ سراغ تو خواهد آمد پس توشه گیر، توشه کسی که مهمان توشه خود گردد. ای موسی آنچه که بخاطر من انجام شود زیادش کم است و آنچه بخاطر غیر من انجام شود کمش زیاد است، شایسته ترین روزهای تو روزیست که در پیش داری، پس بنگر که چه روزی است و برای آن روز پاسخ آماده کن که همانا تو بازداشت و پرسش شوی. پند خود را از روزگار و مردم روزگار بستان زیرا که روزگار هر قدر طولانی باشد باز هم کوتاه است و کوتاهش نیز برای تحصیل توشه آخرت دراز است و هر چیز فانی است، پس چنان کار کن که گویا پاداش نیک کار خود را میبینی تا در نتیجه از روی ناچاری در کار آخرت بهتر طمع ورزی زیرا آنچه از دنیا باقی مانده مانند آنست که گذشته و رفته است و هر کس در این جهان از روی بینایی و نقشه ای کار کند پس تو برای خویش در جستجو باش.

ای پسر عمران شاید فردای قیامت تو کامیاب شوی زیرا در آن روز بیهودگان زیان خواهند دید. ای موسی دو کف دستت را بصورت خواری در برابر من نگهدار همانند بنده ای که به پیشگاه آفایش شیون کند که چون چنین کردی مورد ترحم و مهر قرار گیری و من بخشنده ترین قدرتمندان هستم. ای موسی از فضل و رحمت من بخواه که هر دو بدست من است و هیچکس جر من اختیار آن دو را ندارد و هنگامیکه از من درخواست کنی ببین شوق تو نسبت به آنچه من دارم چگونه است، برای هر عملی پاداشی است و گاهی شخص ناسپاس نیز به کوششی که کرده پاداش میبندد.

ای موسی دلت را از دنیا پاک کن و از آن بر حذر باش که از آن تو نیست و تو از آن او نیستی، تو را به خانه ستمگران چکار؟ مگر کسی که کار خیری در آن انجام دهد که برای او خوب خانه ای است. ای موسی آنچه بتو فرمان دهم بشنو و هر زمان مصلحت تو دیدم و گوشزدت کردم انجام بده، حقایق تورات را در سینه خود جای ده و در ساعتی شب و روز بدان حقایق بیدار باش و فرزندان دنیا را بر سینه خود جای نده تا آن را آشیانه خود سازند چون آشیانه پرند ها. ای موسی فرزندان دنیا و اهل دنیا سبب فتنه یکدیگرند و هر کدام آنچه را دارند برای دیگران آرایش و نمایش میدهند. برای مومن آخرت آرایش شده و همیشه بدون کم و کاستی به آن مینگرد، عشق او به آخرت میان او و لذت زندگی دنیا حایل گشته و همان عشق است که او را در سحرگاهان به راهپیمایی در شب میکشاند همانند کردار شتر سواری که مرکب را بسوی هدفی میراند، روزش به اندوه و شبش نیز به غم بگذرد، خوشا بر او اگر پرده را برگرداند چه شادی و سروری را به چشم خود خواهد دید.

ای موسی دنیا اندک آبی بیش نیست و این آب اندک نتواند پاداش مرد با ایمان قرار گیرد و نه گیر شخص بدکار، پس حسرت طولانی از آن کسی است که فروخته است پاداش آخرت خود را به یک لیسیدن ناپایدار و به یک دندان زدن بی دوام و این چنین باش که به تو دستور دادم همه دستورات من هدایت کننده است. ای موسی زورگو و ستمگر نباش و با ستمگران همراه نباش. ای موسی آن عمری که پایانش نکوهش بار باشد عمر نیست و زیان نزند تو را آنچه که از طومار زندگی پیچیده شده در صورتیکه پایانش ستوده باشد. ای موسی کتاب بطور صراحت و آشکار برایت بیان کرده که چه سرنوشتی در پیش داری پس چگونه با این دیدگان بخواب مبروی و یا چگونه مردمی لذت زندگی را میچشند اگر غفلت نکنند و دنبال بدبختی نباشند و پیرو شهوت نشوند و صدیقان به کمتر از آن بی تابی کنند (یعنی آن گناه را بزرگ ببینند) و برای ایشان آموزش بخواه و در میان آنها چون یکی از آنها باش و بخاطر آن فضیلتی که من بتو دادم بر آنها گردن فرازی نکن و به آنان بگو تا از فضل و رحمت من بخواهند که کسی جز من دارای آن نیست و من صاحب فضل بزرگ.

خوشا بر احوالت ای موسی که پناهگاه خطاکاران و همنشین درماندگان و آموزش خواه گنهکارانی، براستی جایگاه تو در پیش من جایگاه پسندیده و رضایت بخشی است پس مرا بخوان با دل پاک و زبان راستگو و چنان باش که بتو دستور دادم، فرمان مرا اجرا کن و بر آنها گردن فرازی نکن بخاطر داشتن چیزی که از تو نیست و بمن نزدیک شو که من بتو نزدیکترم زیرا من از تو چیزی که سنگینی و تحملش تو را بیازارد نخواستم فقط از تو خواسته ام که مرا بخوانی تا اجابت کنم و از من بخواهی تا بتو عطا کنم و بمن نزدیکی بجو به آنچه تو از من تاویل آنرا دریافت کردی و بر من است که تنزیل آنرا کامل کنم.

ای موسی به زمین نظر کن که به زودی گور تو خواهد شد و چشمانت را بسوی آسمان بلند کن که در آن فرمانروای بزرگی است و تا هنگامیکه در این دنیا هستی بر خویشتن گریه کن و از مهلکه های دنیا و نابودی بترس، نقش و نگار دنیا و شادیش تو را فریب ندهد و به ستم راضی نشو و ستمکار نباش زیرا که من مراقب ستمکارم تا انتقام ستمدیده را از او بگیرم. ای موسی همانا کار نیک پاداشش ده برابر است و از یک گناه هلاکت ببار آید. بمن شرک نوز، روا نیست برای تو که بمن شرک آوری، در کارها میانه رو و محکم باش و بسوی من دعا کن مانند دعای طمعکار مشتاق به آنچه نزد من است و دعای شخصی که از کرده اش پشیمان است زیرا سیاهی شب را روز براندازد و همچنین گناه را عمل خوب از بین میبرد و تاریکی شب بر روشنی روز چیره میگردد و همچنین کار بد بر کار نیک پر ارج چیره گردد و آنرا تیره و تار سازد.

## **برگزیده ای از کتب پیامبران (ص)**

### **۳۲۵- من تو را آفریدم (توحید - امام باقر(ع))**

در تورات نوشته شده است که ای موسی برستی که من تو را آفریدم و برگزیدم و نیرو بخشیدم و تو را به اطاعت خود امر کردم و از معصیت خود نهی کردم پس اگر مرا اطاعت کنی تو را بر طاعتم یاری میکنم و اگر مرا نافرمانی کنی تو را بر نافرمانیم کمک نکنم. ای موسی مرا بر تو منت است در باب اینکه تو مرا فرمان برده ای و مرا بر تو حجت است در اینکه مرا نافرمانی کرده ای.

### **۳۲۶- ترس از خدا (منیه المرید، ارشادالقلوب)**

خداوند در زبور فرموده است بالاترین حکمت ترسیدن از خدا است. در حکمت آل داوود است که ای داوود نعمتها و خوبیهای مرا به بندگام یادآوری کن و بدینوسیله مرا با ایشان دوست گردان زیرا ایشان جز آنکس که در حقتان خوبی کند کسی را دوست ندارند.

### **۳۲۷- انسان جاودان است (مشارق انوارالیقین)**

در انجیل است که ای انسان خود را بشناس تا خدا را بشناسی. جسمت برای نابودی است ولی جان تو برای ماندن است.

### **۳۲۸- من تو را دوست دارم (عده الداعی)**

خدای تعالی در بعضی از کتابهایش که بر پیامبران فرستاده میفرماید بنده من به حق آن حقی که بر تو دارم من تو را دوست دارم پس تو هم دوست من باش.

### **۳۲۹- دوست مرا فراموش نمیکنند (ارشادالقلوب)**

در تورات نوشته است ای موسی هر کس مرا دوست دارد فراموش نمیکنند و هر کس امیدوار است به رحمت و نعمت من اصرار و پافشاری در درخواستش میکند. ای موسی هیچگاه من از بندگان خود غافل نیستم و از احوال آنها بی اطلاع نیستم ولی دوست دارم که ملائکه بشنوند سزجه های بندگام را و درخواست آنها را در دعا و بیینند چگونه آدمیان بمن تقرب میجویند و من آنها را حفظ میکنم. ای موسی بگو به بنی اسرائیل که پیرو هوای نفس نشوند که نعمت از آنها سلب شود و از ذکر من غافل نشوند که نعمت من از ایشان بازداشته شود و خوار شوند و بگو که اصرار و پافشاری در دعا نمایند تا اینکه مستجاب کنم و گوارا نمایم بر آنها زیادی نعمت را به عافیت.

### **۳۳۰- بنده خوب چنین است (امالی)**

نقش انگشتر عیسی(ع) دو حرف بود که از انجیل درآورده بود خوشا بر بنده ای که از او یاد خدا شود و وای بر بنده ای که از او یاد از یاد برود.

### **۳۳۱- به انتقام من راضی باش (کافی)**

در تورات نوشته شده است که ای فرزند آدم هرگاه خشمگین شدی مرا یاد آور تا تو را هنگام خشمم بیاد آورم و با آنها که نابودشان میکنم نابودت نکنم و هرگاه ستمی بر تو شد به انتقام گیری من برای خود راضی باش، زیرا انتقام گیری من برایت از انتقام گیری خودت بهتر است.

### **۳۳۲- آماده عبادت شو (کافی)**

در تورات نوشته شده است که ای فرزند آدم خودت را برای عبادت من فارغ ساز تا دلت را از بی نیازی پر کنم و تو را در مورد خواسته ات به خودت وانگذارم و بر من است که نیاز را از تو بردارم و دلت را از ترس خود پر کنم و اگر برای عبادت خود را فارغ نسازی دلت را از گرفتاری دنیا پر کنم سپس در نیاز را به رویت بندم و تو را با خواسته ات واگذارم.

### **۳۳۳- از اینها در شگفتم (ارشادالقلوب)**

در تورات موسی(ع) نوشته شده که خداوند میفرماید: عجب دارم از کسی که یقین به مرگ دارد چگونه خوشحالی میکند و از کسی که به حساب روز قیامت یقین دارد چگونه گناه میکند و عجب دارم از کسی که به مقررات الهی یقین دارد چگونه غم روزی میخورد و در شگفتم از کسی که یقین به آتش جهنم دارد چگونه میخندد و عجب دارم از کسی که یقین دارد به زوال دنیا چگونه از اهلس خاطر جمع میشود به دنیا و در شگفتم از کسیکه یقین دارد به پاداش اعمال چگونه عمل خیر انجام نمیدهد.

کلبینی در کافی از صفوان جمال روایت کرده که از حضرت صادق(ع) درباره این آیه شریفه که در داستان حضرت خضر و موسی است سوال کردم و اما در زیر آن دیوار گنجی از آن دو طفل یتیم نهفته بود. حضرت فرمود آن گنج از طلا و نقره نبود ولی لوحی بود که این کلمات بر آن نوشته بود منم خداوندی که جز من خدایی نیست، کسیکه یقین به مرگ دارد نمیخندد و کسیکه یقین به حساب روز قیامت دارد دل شاد نیست، کسیکه ایمان به قضا و قدر خدا دارد غیر از خدا از کسی نمیترسد.

### **۳۳۴- نتیجه خدانشناسی (مجالس - امام صادق(ع))**

در حکمت آل داوود آمده است ای پسر آدم چگونه سخن میگویی و دیگران را هدایت میکنی در حالیکه بر بدیهایت مسلط نشده ای. ای پسر آدم صبح میکنی در حالیکه قلبت قساوت دارد و عظمت پروردگار را فراموش نموده ای، اگر به عظمت خداوند آگاه بودی همیشه از او میترسیدی و به وعده های او امیدوار بودی، پس وای بر تو پسر آدم، چگونه بیاد قبر و تنهایی در آن نیستی.

### ۳۳۵- چه زشتیها که نکردی (عده الداعی)

در زبور آمده است که ای فرزند آدم چیزهایی از من درخواست میکنی که دریغ دارم از تو بواسطه آگاهی من به منافع تو، سپس اصرار به درخواست میکنی آنوقت عطا میکنم به تو آنچه را که میخواستی و تو به کمک آن مرا نافرمانی میکنی و من میخواهم که پرده تو را پاره کنم که باز مرا میخوانی و من باز میپوشم بر تو. چه بسیاری از خوبیها که با تو میکنم و چه بسیار از زشتیها که تو با من میکنی و نزدیک است که بر تو غضب کنم آنچنان غضبی که هرگز بعد از آن خشنود نشوم.

### ۳۳۶- کسی که به کم راضی باشد (کافی)

در تورات نوشته شده ای پسر آدم هر طور که میخواهی باش و این را بدان که هرآنچه انجام دهی پاداش آنرا میگیری. هر کس از خدای تعالی با روزی کم خوشنود باشد خدا هم از او عمل کم را میپذیرد. هرکس از مال حلال خوشنود باشد بار زندگی بر او سبک میشود و کسب و کارش پاکیزه و خالی از حرام میگردد و از سر حد گناهان و بدکاریها بیرون میرود.

### ۳۳۷- خشم را نگهدار (کافی، منیه المرید - امام باقر(ع))

در تورات نوشته شده است در خطابات حضرت حق سبحانه به موسی بن عمران(ع) که ای موسی خشم خود را از کسانیکه تو را بر آنها سرپرستی دادم بازدار تا خشم خودم را از تو بازدارم. موسی عرض کرد پروردگارا کدام یک از بندگانت نزد تو عزیزتر است؟ فرمود کسی که چون قدرت یابد عفو کند.

### ۳۳۸- عاقل مردم شناس است (ارشادالقلوب)

در حکمت آل داوود آمده است که بر شخص عاقل لازم است که اهل زمان خود را بشناسد و نگهبان زبان خود باشد و توجهش به انجام وظیفه خود باشد و از با اعتمادترین برادران خود بیمناک باشد و هر کس بسیار یاد مرگ کند به کمی از دنیا قانع باشد و حوادث و کارهای سخت دنیا بر او آسان شود و هر کس کلماتی را که میگوید بشمارد سخن گفتنش کم میشود مگر در موضوعات مفید.

### ۳۳۹- آنچه میگویم حق است (مجالس)

در زبور داوود است ای داوود از من بشنو که آنچه بتو میگویم حق است، هر کس به نزد من آید و شرمنده باشد از گناهانیکه کرده است گناه او را می آمرزم و از خاطر حافظان اعمال آنرا محو میکنم. ای داوود آنچه میگویم بشنو که حق میگویم کسی که حسنه ای را نزد من آورد در روز قیامت او را به سبب آن حسنه داخل بهشت کنم. داوود گفت پروردگارا آن حسنه کدام است؟ خداوند فرمود کسی است که مشکلی را از کار مسلمانی بگشاید و در صدد رفع حاجت او باشد. داوود گفت پروردگارا سزاوار است کسی که تو را بشناسد امید خود را از تو قطع نکند.

### ۳۴۰- سیمای پیامبر اسلام(ص) (امالی)

از حضرت امیرالمومنین(ع) روایت شده که یک یهودی چند اشرفی از رسول خدا(ص) میخواست و از او مطالبه کرد، فرمود چیزی ندارم بتو بدهم. گفت ای محمد(ص) از تو جدا نمیشوم تا پردازی، فرمود در اینصورت با تو میشینم، با او نشست تا در آنجا نماز ظهر و عصر و عشا و بامداد را با یارانش خواند، اصحاب آن حضرت یهودی را تهدید میکردند، رسول خدا(ص) به آنها نگاهی کرد و فرمود خدا مرا نفرستاده که با کافر همبیمانی و با دیگر ستم کنم و چون روز برآمد یهودی مسلمان شد و گفت به خدا این کار را با تو نکردم جز اینکه میخواستم صفت تو را در تورات بررسی کنم چون صفت تو را در تورات خوانده ام که محمد بن عبدالله(ص) مولدش مکه است و به مدینه طیبه مهاجرت کند، کج خلق و سخت گیر نیست، بدسخن و هرزه گو نمیباشد.

### ۳۴۱- صاحب شتر و تاج (امالی)

در انجیل آمده است که ای عیسی در امر من کوشا باش و یاهو سرایی نکن، بشنو و فرمانبردار باش. ای زاده طاهره بتول، تو بدون فعل آمدی، من تو را برای نشانی همه جهانیان آفریدم، فقط مرا پرستش کن و بر من توکل نما، نیرومندان کتاب را به دست بگیر و برو به اهل سوریا به زبان سریانی و تبلیغ کن که منم خدایی که برایم زوال و فنا نیست. تصدیق کنید پیامبر امی (درس نخوانده) و صاحب شتر و جوشن و تاج که همان عمامه است و نعلین و هراوه که همان چوب دستی است. دارای چشمهای باز و نافذ است و پیشانی پهن و گسترده و گونه هایش روشن و دماغش کشیده و دندانهای شمرده و گردنی سیمین و بلند و گلوگاهی طلائی و یک رشته مو از سینه تا ناف، شکم و سینه صاف بی مو، سیاه چرده و باریک انگشت سطر و بزرگ کف و قدم است. چون روی به جایی کند با همه بدن باشد و چون راه رود گویا از وقار قدم از سنگ برآرد و از بلندی به زیر آید و چون با جمعی برآید بر آنها بیفزاید.

عرق چهره اش چون مرواید غلطان است و از او بوی مشک پراکنده گردد مانند او در گذشته دیده نشده و در آینده هم کسی مثل او را نخواهد دید. بسیار خوشبو و پر ازدواج است، ذریه اش اگر چه کم است ولیکن از یک دختر با برکت نسل او باقی خواهد ماند. دخترش را در بهشت خانه ای است که در آن او را سختی و تعب نرسد، دخترش را در آخرالزمان کفالت کند همچنانکه زکریا مادرت را کفالت نمود، دو فرزند دارد که هر دو شهید شوند. سخن آن پیغمبر قرآن و دینش اسلام باشد. طوبی به حال کسی که زمان این پیامبر را دریابد و روزگار او را مشاهده کند و سخنان او را بشنود. عیسی گفت خداوند طوبی چه باشد؟ خداوند فرمود طوبی درختی است در بهشت که با دست توانیم آنرا کاشته ام، درخت طوبی همه بهشت را سایه دهد، ریشه اش از رضوان است و آبش از تسنیم که چون کافور خنک است و مزه زنجبیل دارد، هر کس از آن چشمه بنوشد هرگز تشنه نشود. عیسی عرض کرد پروردگارا از آن بمن بنوشان، فرمود ای عیسی بر نوع بشر حرام است از آن بنوشند تا آن پیامبر از آن بنوشد و بر امتها حرام است از آن بنوشند تا امت او از آن بنوشند. من تو را نزد خود بالا آوردم و در آخرالزمان فرود آورم تا از امت این پیامبر شگفتیها مشاهده کنی و آنان را در جنگ با دجال مساعدت نمایی و تو را وقت نماز فرود آورم تا با آنها نماز گذاری زیرا که امت مرحومه اند.

### ۳۴۲- امت آخر الزمان (توحید - امام رضا(ع))

در ضمن مناظراتی که حضرت رضا(ع) با علمای یهود و نصاری انجام داد خطاب به راس الجالوت کرد و فرمود ای یهودی رو بمن کن تا از تو سوال کنم که آن ده نشانه ای که خداوند به موسی عنایت فرمود کدام است (نشانه های ده گانه عبارتند از دست، عصا، زبان، دریا، طوفان، ملخها، شپشها، قورباغه، خون، تحریم صید در روز شنبه و شاید هم ده فرمان) و آیا خبر محمد(ص) و امتش در تورات به این طریق نوشته شده می یابی؟ آنجا که میفرماید چونکه امت آخر الزمان پیروان شترسوار بیابند پروردگار را با جدیت و از روی حقیقت تسبیح و تنزیه جدید نمایند در کنشهای تازه، پس باید بنی اسرائیل به ایشان و به پادشاهی و مملکت ایشان پناه برند تا دلهای ایشان آرام گیرد زیرا که در دستهای ایشان شمشیرها است که با آنها از امتهای کافر که در اطراف زمین هستند انتقام میکشند. حضرت فرمود آیا این مطالب در تورات همینطور نوشته شده است؟ راس الجالوت گفت آری آنچه فرمودید در تورات آمده است و ما آنرا همینطور می یابیم.

### ۳۴۳- حکمت را بزرگ شمار (منیه المرید)

در تورات است که خداوند به موسی فرمود بزرگ شمار حکمت و علم را، همانا من قرار ندادم حکمت را در قلب احدی مگر آنکه میخواهم او را بیاموزم. پس یاد بگیر او را و پس از یادگرفتن به آن عمل کن و پس از آن به دیگران هم آنرا یاد بده تا در دنیا و آخرت به کرامت من برسی.

### ۳۴۴- دانش بجوید (منیه المرید)

در انجیل در سوره هفدهم خدایتعالی میفرماید وای بر کسی که علم را بشنود و آنرا طلب نکند. چگونه میشود که بشنود و طلب نکند که اگر این طور باشد با نادانان در جهنم محشور میشود. طلب کنید علم را و یاد بگیرید آنرا که علم اگر شما را سعادتمند نکند شقی و بدبخت نمیکند و اگر شما را بلند نکند پایین نمی آورد و اگر شما را غنی و بی نیاز نکند فقیر نمیسازد و اگر شما را نفع ندهد ضرر نمیرساند و نگوئید میترسیم یاد بگیریم و عمل نکنیم ولی بگوئید امیدواریم یاد بگیریم و عمل کنیم. علم شفاعت میکند صاحب خود را و حق است بر خدا اینکه شفاعت او را رد نکند. البته خدای تعالی روز قیامت میفرماید ای جماعت علما، گمان شما به خدای خود چگونه بود؟ میگویند گمان ما نسبت به تو این بود که بر ما ترحم کنی و ما را بیاموزی. خداوند هم میفرماید برآستی که من این کار را کردم زیرا من علم و حکمت خود را ودیعه و امانت گذاشتم نزد شما نه از این جهت بود که شری خواسته بودم برای شما بلکه به جهت آن بود که اراده خیر و خوبی نسبت به شما داشتم حال داخل شوید با بندگان شایسته من در بهشت بواسطه رحمت من.

### ۳۴۵- علم بدون عمل (کافی - امام سجاد(ع))

در انجیل نوشته است که تا به آنچه دانسته اید عمل نکرده اید از آنچه نمیدانید نپرسید، همانا علمی که به آن عمل نشود جز کفر برای دارنده آن و جز دوری از خدا چیز دیگری را اضافه نمیکند.

### ۳۴۶- با اینه سخن بگو (منیه المرید)

در زبور داوود است که به جماعت رهبران بنی اسرائیل بگو با متقیان گفت و شنود داشته باشید و اگر نیافتید متقیان را پس با علما و دانشمندان سخن بگوئید و اگر نیافتید عالمی را پس با عاقلان مکالمه نمایند زیرا که تقوی و علم سه مرتبه است، قرار ندادم یکی از اینها را در بندگان خود که قصد هلاکت (ضلالت) آنان را داشته باشم و در هر کس قرار دادم نجات او را خواسته ام.

### ۳۴۷- قناعت گنج بی پایان است (ارشادالقلوب)

در زبور داوود است که قناعت کننده ثروتمند است اگر چه گرسنه و برهنه باشد و هرکس قناعت کند از مردم زمانش راحت است و آرامش خاطر دارد.

### ۳۴۸- آزمایش اغنیاء (کافی، ارشادالقلوب - امام موسی(ع))

خداوند در بعضی کتابهایش فرموده است وای بر شما، ثروتمند را ثروت ندادم به جهت گرامی داشتن او و فقرا را به جهت پستی فقیر نکردم، بلکه ثروتمندان را بوسیله فقرا آزمایش میکنم و اگر فقرا نبودند ثروتمندان سزاوار بهشت نمیشدند.

### ۳۴۹- مغرور نباش

در تورات آمده است که به ثروتمندان بگو ثروت زیاد شما را مغرور و از جا بیرون نکند که اگر مغرور کرد صبح و شب بندگان را غذا بدهید و به دانشمندان بگو که علم زیاد شما را مغرور نکند که اگر مغرور شد باید بداند که چه زمانی میمیرد و به زورمندان و قوی پنجه ها بگو که به نیروی خود ننازند، اگر خیلی قدرت دارند جلوی مرگ خود را بگیرند که نمیرند.

### ۳۵۰- صبور باش (امالی)

نقش انگشتر موسی دو حرف بود که از تورات باز گرفته بود صبر کن تا اجر ببری، راست بگو تا نجات پیدا کنی.

### ۳۵۱- بالاترین حسب (ارشادالقلوب)

در تورات موسی آمده است که هیچ پابندی برای انسان مثل دین نیست و پارسایی ای بهتر از خویشتن داری نیست و حسبی بالاتر از اخلاق نیک نمیباشد.

### ۳۵۲- زمین و آب (من لا يحضره الفقيه، کافی - امام باقر(ع))

در تورات نوشته شده است که هر کس زمین یا آبی را بفروشد و از قیمت آن زمین و آب دیگری خریداری نکند قیمت آنرا باطل کرده و از آن نفعی نبرده است.

### ۳۵۳- اعتمادی به منافق نیست (الغیبه)

در تورات نوشته شده است امانت و اعتمادی نیست برای کسیکه با دوست و رفیق خود با دو زبان و با دو رو مواجه شود و خداوند در قیامت هر انسان دو رو و دو چهره را هلاک و نابود میکند.

### ۳۵۴- از صحف ابراهیم (معانی الخبار)

ابوذر غفاری(ع) در حدیث مفصلی که از رسول خدا(ص) نقل میکند میگوید از آنحضرت پرسیدم که خداوند چند کتاب را از آسمان فرستاده است؟ فرمود مجموعاً خداوند صد و چهار کتاب فرستاده است که پنجاه صحیفه بر شیث پیامبر(ع) و سی صحیفه بر حضرت ادریس(ع) و بیست صحیفه از آن بر حضرت ابراهیم خلیل(ع) نازل فرموده و چهار کتاب دیگر که فرستاده عبارت از تورات و انجیل و زبور و فرقان است. ابوذر گفت یا رسول الله صحیفه های ابراهیم چه بوده است؟ فرمود همه مطالب آن مثلها و حکمتها بوده است که از جمله این نصایح است ای زمامدار مغرور که در بوته امتحان من هستی، نفرستادم تو را برای اینکه قسمتی از دنیا را بر روی قسمتی دیگر جمع کنی اما تو را فرستادم که دعای مظلوم را از من برگردانی و او را یاری نمایی که من دعای ایشان را برنمیگردانم اگر چه کافر باشد و بر عاقل لازم است آنکه اوقات خود را به چهار ساعت قسمت کند، ساعتی که در آن یا با پروردگارش مناجات کند و خدا را عبادت نماید و ساعتی که در آن خود را بازجویی کند که چه کرده است و ساعتی که تفکر نماید در نظام آفرینش و در نعمتهایی که خدا به او عطا کرده است و ساعتی که در آن خلوت کند برای بهره نفس خود از لذتهای حلال که همانا این ساعت آخر یآوری برای ساعتهای دیگر است و مایه راحتی و آسایش دلها است.

بر خردمند لازم است که به اوضاع زمان خود آگاه باشد و پیوسته متوجه اصلاح کار خود باشد و نیز باید نگهدار زبان خود باشد زیرا کسی که کلامش را محاسبه کند سخن گفتنش کم شود مگر در چیزی که به حال او مفید باشد و نیز بر شخص عاقل لازم است که در طلب سه چیز باشد، در پی رفاه معاش زندگی خود و تحصیل اندوخته برای آخرت خود و لذت بردن از چیزی که حرام نیست.